

تلخیص و تجميع احكام ارث  
بر مبنای فقه اصیل آل محمد (ص)



# خُلَاصَةُ الْمَوَارِيثِ



به قلم و فقاہت عالم بزرگوار سید حسین عرب باغی (ره)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب

# خُلَاصَةُ الْمَوَارِيثُ

احکام ارث طبق آیات و احادیث صحیحہ آل محمد صلی اللہ علیہ و آلہ  
در تلخیص احکام ارث سه کتاب قانون الاسلام و قواعد الاسلام و اساس الاسلام  
به نیت فرج حضرت بقیة اللہ الاعظم روحی و ارواحنا له فدا عجل اللہ تعالی فرجه الشریف  
به اهتمام خادمین بارگاہ عالم بزرگوار سید حسین موسوی عرب باغی رضوان اللہ علیہ

تلخیص احکام ارث به زبان ساده و جدول بندی شده  
به اهتمام خادمین بارگاہ عالم بزرگوار سید حسین موسوی عرب باغی رحمت اللہ علیہ

## فهرست مطالب

۲	مقدمه و رسالت‌نامه
۲	اهمیت و جایگاه علم فرائض (ارث)
۳	انگیزه تألیف و احیای یک گنجینه
۳	ویژگی‌ها و ساختار این کتاب
۴	سخن پایانی
۴	<b>فصل اول: کلیات و مبانی</b>
۴	کلید فهم فرائض و مواریث
۵	بخش اول؛ جدول جامع برای اصطلاحات فقهی ارث
۷	بخش دوم؛ جدول شناخت شخصیت‌ها و نسبت‌های فامیلی در احادیث ارث
	بخش سوم؛ اصول و قواعد بنیادین ارث ( شاه‌کلیدها و قانون و قواعد طلایی عالم بزرگوار سید حسین عرب باغی <small>رحمت الله علیه</small> )
۹	۱. بطلان «عَوْل» و ورود نُقصان بر دختران و خواهران
۱۱	۲. بطلان «تَعْصِب» و وجوب قاعده «رَدِّ»
۱۲	۳. قاعده «الْأَقْرَبُ يَمْنَعُ الْأَبْعَدَ» (تقدم خویشاوند نزدیک‌تر)
۱۴	۴. نگاه ویژه و قرآنی به ارث نواده‌ها (حقیقت بودن و لَد)
۱۸	۵. محرومیت زوجه از عین زمین و هوایی (قاعده قیمت‌گذاری فَرَضِی و نقض)
۲۱	۶. توسعه در مفهوم «حَبْوَه» و عدم انحصار آن به چهار چیز
۲۴	۷. استقلال تک‌تک خواهرزادگان و برادرزادگان در جانشینی (رَدِّ تقسیم یک سهم بین همه)
۲۷	۸. تعمیم حکم «عَرَقِی» به تمام مرگ‌های همزمان (رَدِّ انحصار به آب و آوار)
۳۰	<b>فصل دوم؛ طبقات ارث و مقادیر سهام</b>
۳۰	بخش اول؛ نقشه راه طبقات سه‌گانه (در یک نگاه)
۳۰	۱. طبقه اول؛
۳۰	۲. طبقه دوم؛
۳۰	۳. طبقه سوم؛
۳۰	بخش دوم؛ جدول جامع انواع سهام شرعی (فرائض) و مستحقین آن‌ها
۳۰	قاعده کلی فرائض الهی؛

۳۱	جدول، شش سهم ثابت قرآنی؛
۳۲	طبقه اول؛ جدول جامع سهام طبقه اول (پدر، مادر، اولاد و نوادگان)
۳۳	بخش اول ؛ قاعده کلی ورود به طبقه اول (مستحکم‌ترین دژ ارث)؛
۳۳	بخش دوم ؛ جدول، شش سهم ثابت قرآنی؛
۴۵	طبقه دوم؛ اجداد و اِخْوَه (پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها، برادران و خواهران)
۴۵	بخش اول ؛ قاعده کلی ورود به طبقه دوم؛
۴۵	۱. ارث برادران و خواهران (تَنی و نَاتَنی)
۴۷	۲. تنزیل (جایگزینی) اجداد و جدّات به منزله برادران و خواهران
۴۸	۳. قائم مقام شدن اولادِ اِخْوَه در مقام پدران و مادرانشان
۴۹	بخش دوم؛ جدول جامع سهام طبقه دوم (اجداد، برادران، خواهران و فرزندان آنها)
۵۶	بخش سوم ؛ و اما تبصره مهم رفع اختلاف ظاهری در حکم ارث «اجداد مادری» در ردیف ۷
۵۸	طبقه سوم؛ اَعْمَام و اَخْوَال (عموها، عمه‌ها، دایی‌ها و خاله‌ها)
۵۸	بخش اول ؛ قاعده کلی ورود به طبقه سوم؛
۶۴	بخش دوم؛ جدول جامع سهام طبقه سوم (اَعْمَام، اَخْوَال و اولادِ آنها)
۶۸	<b>فصل سوم؛ احکام ارث زوج و زوجه (زن و شوهر)</b>
۶۸	بخش اول ؛ قاعده کلی از احکام ارث زوج و زوجه
۶۸	۱. سهم پایه‌ی زوج و زوجه (در صورت وجود و عدم «ولد»)
۷۰	۲. حکم انحصار وراثت به زوج یا زوجه
۷۱	۳. محرومیت زوجه از عین املاک (ارث از قیمتِ هوایی و مصالح)
۷۳	۴. توارث در انواع طلاق (رجعی، بائن و طلاق مریض)
۷۴	۵. حکم ارث در شرایط خاص ازدواج (نکاح مریض و متعه)
۷۵	۶. حکم مشتبه شدن زن مطلقه (ناشناس ماندن همسرِ طلاق‌داده‌شده)
۷۶	بخش دوم ؛ جدول جامع احکام و سهام ارث زوج و زوجه (زن و شوهر)
۸۰	<b>فصل چهارم؛ موانع ارث (کفر، ارتداد، قتل، زنا و لعان)</b>
۸۰	بخش اول ؛ قاعده کلی از موانع ارث
۸۰	۱. کفر و ارتداد

۸۱	۲. قتل (عمدی و خطایی).....
۸۲	۳. زنا (ولادت نامشروع).....
۸۳	۴. لعان (نفی فرزند توسط شوهر).....
۸۶	بخش دوم ؛ جدول جامع موانع ارث و احکام مستثنیات آن.....
۸۸	<b>فصل پنجم؛ احکام خاص و مستحدثه در ارث.....</b>
۸۸	بخش اول ؛ قاعده کلی از احکام خاص.....
۸۸	۱. حَمْل (جنین و طفل سقط شده).....
۸۹	۲. مفقودالخبر (شخص غایب).....
۹۰	۳. غَرَقَى و مَهْدومِ عَلَیْهِمْ (مرگ همزمان در حوادث).....
۹۲	۴. خُنْثی و اشخاص دارای شرایط خاص جسمی.....
۹۴	بخش دوم ؛ جدول جامع احکام خاص و مستحدثه در ارث.....
۹۷	<b>فصل ششم؛ اموال بلاوارث و حقوق بیت المال.....</b>
۹۷	بخش اول ؛ قاعده کلی از اموال بلاوارث.....
۹۷	تعلق مال بدون وارث به امام زمان (عج) و انفال و فقرا.....
۱۰۰	بخش دوم ؛ جدول جامع احکام اموال بلاوارث و حقوق بیت المال.....
۱۰۲	<b>در پایان.....</b>

## مقدمه و رسالت نامه

### بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَ هَذَا الْعَبْدَ الْحَقِيرَ الْفَانِيَّ لِتَأْلِيفِ كِتَابِ «خُلَاصَةُ الْمَوَارِيثِ» — وَ هُوَ تَلْخِيصٌ لِمُؤَلَّفَاتِ الْعَالِمِ الرَّبَّانِيِّ السَّيِّدِ الْحُسَيْنِ الْمَوْسَوِيِّ الشَّهِيرِ عَرَبِ بَاغِي رِضْوَانِ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي بَابِ أَحْكَامِ الْإِرْثِ — فِي بَيَانِ الْأَحْكَامِ الْحَقَّةِ لِلْفَرَائِضِ وَ الْمَوَارِيثِ، وَ الرَّدِّ عَلَى بَدْعِ الْعَوْلِ وَ التَّعْصِيبِ، كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ الْمُبِينِ، وَ نَطَقَ بِهِ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ بِأَوْصَحِ التَّبْيِينِ، وَ بَيَّنَّهُ أَوْصِيَاؤُهُ الظَّاهِرُونَ قِسْطاً وَ عَدْلًا لِلْعَالَمِينَ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ وَ أَحْصَاهُ كِتَابُهُ. وَ اللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلَى مُحَرِّفِي أَحْكَامِ الدِّينِ، وَ عَلَى كُلِّ مَنْ اتَّبَعَ سَبِيلَهُمْ وَ غَضَبَ بِفِتَاوَاهُ حُقُوقَ الْوَارِثِينَ وَ الْأَيْتَامِ، وَ مَا يَظْلُمُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ هُمْ الْخَاسِرُونَ.

شکر و سپاس خداوندی را سزااست که حقیر فانی را بر جمع و تألیف کتاب «خُلَاصَةُ الْمَوَارِيثِ» که تلخیص تألیفات عالم ربانی، سید حسین موسوی مشهور به عرب باغی رضوان الله علیه در باب احکام ارث است موفق نمود؛ در بیان احکام برحق فرائض و موارث و رد بر بدعت های عول و تعصیب؛ همان گونه که خداوند آن را در کتاب مبینش نازل فرموده و سرور فرستادگان با روشن ترین بیان به آن سخن گفته، و اوصیای پاک او برای برپایی قسط و عدل برای جهانیان آن را تبیین کرده اند. درود خداوند بر او و خاندانش باد به عدد آنچه علمش بدان احاطه دارد و کتابش آن را برشمرده است. و لعنت دائمی خداوند بر تحریف کنندگان احکام دین و بر هر کس که از راه آنان پیروی کند و با فتاوی خود حقوق وارثان و یتیمان را غصب نماید؛ و ایشان ستم نمی کنند مگر بر خودشان و ایشان همان زیانکارانند.

### اهمیت و جایگاه علم فرائض (ارث)

در مکتب غنی اسلام، آگاهی از احکام ارث چنان جایگاه والایی دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فراگیری آن را معادل «نصف دین» دانسته و بر آموزش آن به دیگران تأکید فرموده اند. ارث، خط اتصال حقوق شرعی و مدنی است و اجرای صحیح آن، ضامن برقراری عدالت اقتصادی، حفظ شیرازه خانواده و صیانت از حقوق مستضعفان، یتیمان و زنان در جامعه است. با این حال، به دلیل پیچیدگی های ذاتی محاسبات و کثرت تبصره ها، این علم همواره برای عموم مردم و حتی برخی از پویندگان مسیر فقه، دشوار و دیرپاب بوده است.

## انگیزه تألیف و احیای یک گنجینه

ناآگاهی از قوانین دقیق الهی در باب میراث، در طول تاریخ موجب پایمال شدن حقوق حقه انسان‌ها، دست‌اندازی به اموال صغار و تصرفات غاصبانه شده است؛ دردی که عالم ربانی و فقیه صمدانی، مرحوم آیت‌الله سید حسین موسوی عرب‌باغی رحمت الله علیه، در آثار ارزشمند خود با سوز دل و صلابت قلم از آن گلایه کرده و انحرافات تاریخی در تخصیص سهام (همچون عول و تعصیب) را با استناد محکم به آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام باطل دانسته‌اند. آثار ایشان — به‌ویژه در مجلدات «قانون الاسلام»، «قواعد الاسلام» و «اساس الاسلام» — دریایی از استدلال‌های ناب فقهی است. اما پراکندگی مباحث در این کتب و تکرار برخی احادیث، ضرورت تدوین اثری جامع، منسجم و همه‌فهم را ایجاب می‌کرد.

## ویژگی‌ها و ساختار این کتاب

کتاب پیش رو، تلاشی است برای ساده‌سازی و قابل‌فهم کردن احکام پیچیده ارث، بدون آنکه ذره‌ای از اصالت و عمق استدلالات آن عالم بزرگوار کاسته شود. در این مسیر، اصول زیر به عنوان خط قرمز تألیف رعایت شده است؛

- **تنقیح و تجمیع روایات؛** عصاره مباحث ارث از سه کتاب یادشده، با حذف احادیث تکراری و انتخاب جامع‌ترین بیانات مؤلف، در یک ساختار واحد گردآوری شده است.
- **دقیق‌سازی و تنظیم جداول فرائض؛** برای درک بهتر مخاطب، مباحث ثقیل فقهی در قالب «جداول تفکیکی و راهنما» (شامل سهم‌الارث هر طبقه، شرایط استحقاق و مستندات روایی) تنظیم شده است.
- **تبیین اصطلاحات فقهی؛** مفاهیم و اصطلاحات خاص فقهی که در کلام مؤلف آمده، در جدولی مجزا و با زبانی ساده رمزگشایی شده‌اند تا ذهن خواننده برای ورود به احکام آماده شود.
- **حفظ امانت و اصالت؛** این کتاب مطلقاً از افزودن شروح و فتاوی خارج از بیان و قلم مرحوم سید حسین عرب‌باغی رحمت الله علیه پرهیز نموده و صرفاً هنر دسته‌بندی و ساده‌سازی ساختاری را برای انتقال بهتر مفاهیم به کار گرفته است.
- **عبارت مؤلف در این کتاب؛** در این کتاب هر جا اسمی از مؤلف به کار برده شده از جهت اختصار است و مراد عالم بزرگوار سید حسین عرب‌باغی رحمت الله علیه می‌باشد.

## سخن پایانی

امید است این تلخیص و تنظیم ، گامی مؤثر در جهت احیای فقه اصیل آل محمد صلی الله علیه و آله، جلوگیری از تضییع حقوق بازماندگان، و راهنمایی روشن برای جویندگان حقیقت، پژوهشگران و عموم مومنین باشد. «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ».

## فصل اول؛ کلیات و مبانی

## کلید فهم فرائض و موارد

علم ارث (الفرائض) در میان علوم اسلامی، جایگاهی بس رفیع دارد و دارای زبان و اصطلاحاتِ مختص به خود است. ورود به دریای عمیق احکام الهی در باب میراث، بدون شناختِ دقیق این واژگان، همچون گام نهادن در مسیری تاریک است.

باید دانست که بسیاری از بدعت‌ها و انحرافاتِ تاریخی در تقسیم ارث — که منجر به پیامال شدنِ حقوقِ قطعیِ ورثه و ایتم‌گردید — ریشه در تفسیرِ به رأی و تغییرِ معنای همین اصطلاحاتِ بنیادین دارد؛ مفاهیمی که کج‌اندیشان آن‌ها را از معنای اصیلِ قرآنی و روایی خود خارج ساختند.

از این رو، پیش از ورود به احکام تفصیلی و قواعدِ مستحکمِ عالم ربانی سید حسین عرب‌باغی رضوان الله علیه، بر هر طالبِ حق و جویای فقه نابِ آل محمد صلی الله علیه و آله واجب است که ابتدا شاکله‌ی ذهنی خود را با ادبیاتِ صحیح این علم همسو سازد.

آنچه در ادامه‌ی این فصل و در قالب دو جدول جامع گردآوری شده است، در حقیقت «کلیدهای طلایی» برای فهم استدلال‌ها و قواعدِ کتاب است. در این جداول، تلاش شده تا اصطلاحات و واژگان در جدول بخش اول و شناخت نسبت‌های فامیلی در جدول بخش دوم، نه صرفاً بر اساس لغتِ عامیانه، بلکه دقیقاً مبتنی بر هندسه‌ی فقه اصیل شیعه و بیاناتِ ائمه هدی علیهم السلام بازتعریف شوند.

## بخش اول؛ جدول جامع برای اصطلاحات فقهی ارث

اصطلاح فقهی	معنای لغوی	توضیح (طبق مبانی شیعه و بیانات مؤلف عزیز)
۱	فَرَض / فَرِيضَه	سهم مخصوص و تغییرناپذیری که خداوند در قرآن برای ورثه تعیین فرموده است. این سهام شرعی از شش حالت خارج نیستند؛ نصف (۱/۲)، رُبْع (۱/۴)، ثُمْن (۱/۸)، ثُلُث (۱/۳)، ثُلُثَان (۲/۳)، و سُدُس (۱/۶) و یا تمام ترکه؛
۲	فَرَضَ بَر	و به کسانی که این سهم ها را می‌برند «فَرَضَ بَر» می‌گویند.
۳	عَوَّل	سهم بر / ارث بر زمانی است که جمع سهم‌های ثابت ورثه از کل پول میت بیشتر شود. اهل جماعت در این حالت از سهم همه وراثت کم می‌کنند، اما در فقه شیعه و طبق استدلال مؤلف، این کسر مال فقط از سهم دخترها یا خواهرها کم می‌شود و سهم بقیه کامل داده می‌شود.
۴	تَعْصِيب	خویشان پدری (عصبه) زمانی است که بعد از دادن سهم‌های ثابت، مقداری پول اضافه بیاید. اهل جماعت این اضافه را به مردهای فامیل پدری (عموها) می‌دهند. اما در فقه شیعه طبق احادیث و استدلال مؤلف، این قانون باطل است و پول اضافه دوباره بین همان ورثه نزدیک تقسیم می‌شود.
۵	حَجَب / حَاجِب	یعنی محروم کردن یا کم کردن سهم دیگری. مثلاً برادران میت با وجود طبقه اول ارث نمی‌برند، اما با وجودشان مثل یک پرده عمل می‌کنند و باعث می‌شوند سهم مادر میت از ۱/۳ به ۱/۶ کاهش پیدا کند. (به این حالت حجب نقصان می‌گویند).
۶	تَرَكَه	به جا مانده کل اموال، دارایی‌ها و حتی بدهی‌هایی که از شخص مُرده (میت) به جا مانده است.
۷	حَبْوَةٌ / حَبَا	هدیه دادن / بخشش اموال اختصاصی پدر (مثل انگشتر، شمشیر، قرآن، لباس شخصی یا اسب سواری و ...) که بدون تقسیم شدن بین بقیه، به عنوان هدیه و احترام مستقیماً به پسر ارشد (بزرگتر) می‌رسد.
۸	كَلَالَه	احاطه‌کننده(خویشانی غیر از ریشه و شاخه) برادران و خواهران متوفی؛ به بیان مؤلف، ارث کلاله تنها زمانی موضوعیت دارد که برای میت، هیچ یک از پدر، مادر و یا اولاد (طبقه اول) زنده نباشند.

۹	تَنْزِيل	جانشین کردن	قرار دادن یک وارث در جایگاه وارثی دیگر به حکم شرع. مثلاً وقتی میت برادر ندارد، «پسر برادر» دقیقاً جای او می‌نشیند و سهم او را می‌گیرد. یا عمه جای پدر می‌نشیند و خاله جای مادر و ...
۱۰	طُعْمَه	هدیه	یک ششم از مال که پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> از روی لطف و حق ولایت به پدربزرگ یا مادربزرگ میت می‌دادند، چون در قرآن سهم مستقیمی برای آن‌ها نیامده است.
۱۱	أَنْفَال (بلاوارث)	غنیمت‌ها / اموال عمومی	اموالی که مالک و وارث مشخصی ندارند. از انفال است و مؤلف این اموال را مخصوص خدا، رسول و پیشوای مسلمین می‌داند که باید حتماً در «مصالح عامه و اعانت فقرای مسلمین» صرف گردد.
۱۲	رَدَّ (قاعده رَدَّ)	بازگرداندن / پس دادن	این اصطلاح دقیقاً نقطه مقابل «تَعْصِيب» است. زمانی که پس از دادن سهم‌های ثابت، مقداری مال اضافه بیاید، در فقه شیعه این مال اضافی به خویشان دورتر داده نمی‌شود، بلکه دوباره با نسبت مشخص به همان ورثه نزدیک «رد» می‌شود و برمی‌گردد.
۱۳	نُقْصَان	کم شدن / کاستی پذیرفتن	این اصطلاح دقیقاً نقطه مقابل «عَوْل» است. زمانی که مال میت برای پرداخت تمام سهم‌های ثابت کم بیاید، این کمبود به همه سرشکن نمی‌شود، بلکه «نقصان» فقط بر سهم دختران (در طبقه اول) یا خواهران (در طبقه دوم) وارد می‌شود و بقیه ورثه سهمشان را کامل می‌گیرند.
۱۴	قَرَابَت	خویشاوندی / خونی بودن	ارث بردن در مقابل «فرض». وارث قرابتی کسی است که سهم کسر مشخصی (مثل ۱/۲ یا ۱/۴) در قرآن ندارد (مثل پسر میت یا برادر میت)، بلکه به واسطه نزدیکی خونی، هر چه از سهام ثابت دیگران باقی بماند را به ارث می‌برد.
۱۵	نَصِيبِ أَعْلَى و أَدْنَى	سهم بالاتر و سهم پایین‌تر	مؤلف تأکید دارند که چهار نفر (زوج، زوجه، پدر و مادر) در قرآن دارای دو سهم متغیر (بالا و پایین) هستند (مثلاً شوهر گاهی نصف و گاهی ربع می‌برد). چون سهم این افراد از پیش کم و زیاد می‌شود، دیگر در زمان کمبود مال، «نقصان» به آن‌ها وارد نمی‌شود.

خویشاوندانی که با هم در یک حادثه ناگهانی (مثل سیل، زلزله، وبا و طاعون و یا تصادف) فوت می‌کنند و مشخص نیست کدام زودتر مرده‌اند. مؤلف تأکید دارند که این افراد از اصل مال یکدیگر (نه از مالی که تازه به ارث برده‌اند) متقابلاً ارث می‌برند.	غرق‌شدگان و زیر آوار ماندگان	غَرَقَى و مَهْدُومٌ عَلَيَّه	۱۶
وارث یا مورثی که ناپدید شده است. طبق بیان مؤلف، مال او تا ۴ سال حبس و پس از جستجو از مسافران، اگر پیدا نشد، بین ورثه تقسیم می‌گردد (و زوجه‌اش نیز در شرایطی عده نگه می‌دارد).	گم‌شده / بی‌خبر	مَفْقُودُ الْخَبَرِ / غایب	۱۷

## بخش دوم؛ جدول شناخت شخصیت‌ها و نسبت‌های فامیلی در احادیث ارث

توضیح دقیق نسبت او با میت	معادل فارسی	شخصیت‌ها	
والدین بی‌واسطه (اصلی) شخص فوت‌شده که همیشه جزء طبقه اول ارث هستند.	پدر و مادر	أَبَوَيْنِ / وَالِدَيْنِ	۱
در استدلال محکم مؤلف، این کلمه صرفاً به فرزندِ صُلبی (بی‌واسطه) محدود نمی‌شود، بلکه «حقیقتاً» شامل نوه‌ها (فرزندِ پسر و فرزندِ دختر) نیز می‌گردد و آن‌ها هم وُلَدِ میت محسوب می‌شوند.	فرزند / فرزندان	وَلَدٍ / أَوْلَادٍ	۲
در تقسیم ارث، کلمه «ذکور» برای اشاره به فرزندان و خویشان مرد و کلمه «اناث» (و گاهی نِساء) برای اشاره به فرزندان و خویشان زن به کار می‌رود.	مردان (پسران) / زنان (دختران)	ذُكُورٍ / أُنْثَاءٍ	۳
فرزندِ ذکور و اناثِ میت. (در احادیث این کلمات ترکیب می‌شوند؛ مثلاً ابْنُ الْأَخِ یعنی برادرزاده‌ی پسر، یا بِنْتُ الْأُخْتِ یعنی خواهرزاده‌ی دختر).	پسر / دختر	ابْنٍ / بِنْتٍ	۴
خواهر و برادرهای شخص فوت‌شده که در فقه به آن‌ها «گلاله» هم می‌گویند و در طبقه دوم ارث قرار دارند.	برادر / خواهر (برادران / خواهران)	أَخٍ / أُخْتٍ (إِخْوَةٌ / أَخَوَاتٌ)	۵
خواهر و برادرهایی که هم از پدر و هم از مادر با میت مشترک هستند. (مؤلف تأکید دارد که این گروه در ارث بر بقیه برادر و خواهرها مقدم‌اند).	برادران و خواهران تَنّی	أَعْيَانُ بَنِي الْأُمِّ (ابوینی)	۶

۷	بَنِي الْعَلَاتِ (آبی)	برادران و خواهران ناتنی (پدري)	خواهر و برادرهایی که فقط پدرشان با میت یکی است اما مادرشان فرق دارد (مثلاً فرزندانِ همسرِ دیگرِ پدر). این‌ها با وجود برادرانِ تنی، ارث نمی‌برند.
۸	إِخْوَةُ أُمِّي (أُمِّي)	برادران و خواهران ناتنی (مادری)	خواهر و برادرهایی که فقط مادرشان با میت یکی است اما پدرشان فرق دارد. در این گروه، سهم زن و مرد با هم مساوی است.
۹	جَدِّ / جَدَّة	پدربزرگ / مادربزرگ	پدرِ پدر، پدرِ مادر، مادرِ پدر و مادرِ مادرِ میت که در طبقه دوم هستند. (در بحث «تنزیل» مؤلف تأکید دارد که در احادیث، جدّ به منزله برادرِ پدري و جدّه به منزله خواهرِ پدري فرض می‌شود).
۱۰	زَوْجِ / زَوْجَةٍ	شوهر / همسر (زن)	همسر شرعی و دائمی شخص فوت‌شده. (همسر همیشه و در کنار تمام طبقات ارث می‌برد، اما طبق احادیث و بیان مؤلف، زوجه از عین زمین و هوایی ارث ندارد و فقط از قیمت مصالح ارث می‌برد).
۱۱	أَعْمَامِ / عَمَّات	عموها / عمه‌ها	برادران و خواهرانِ پدرِ میت (خویشاوندان سمت پدري) که در طبقه سوم ارث قرار دارند. (عمِ ابوینی یعنی عموی تنی، عمِ آبی یعنی عموی ناتنی).
۱۲	أَخْوَالِ / خَالَات	دایی‌ها / خاله‌ها	برادران و خواهرانِ مادرِ میت (خویشاوندان سمت مادری) که در طبقه سوم ارث قرار دارند.
۱۳	بَنَاتُ الْأَخِّ / بَنَاتُ الْأَخْتِ	دخترِ برادر / دخترِ خواهر	برادرزاده یا خواهرزاده‌ی دختری که به عنوان جانشین (تنزیل) پدر یا مادر خود ارث می‌برند.
۱۴	إِبْنُ الْعَمِّ / إِبْنُ الْأَخْلِ	پسرعمو / پسردایی	فرزندانِ ذکورِ عمو و دایی. (طبق بیان مؤلف، با وجود خودِ عمو یا دایی، این پسران هیچ ارثی نمی‌برند و با وجود خویشاوند نزدیک‌تر محروم‌اند).
۱۵	عَصَبَةٍ	خویشاوندانِ مردِ پدري	مردهای فامیل از سمت پدر. اهل جماعت اگر پولی اضافه بیاید به این گروه می‌دهند، اما مؤلف عزیز طبق احادیث صحیحه این رسم را باطل دانسته و مال را به خودِ ورثه نزدیک برمی‌گرداند.
۱۶	خُنْتَى / شَبِيه خُنْتَى	دوجنسه / بیناجنس	شخصی که همزمان اندام تناسلی مردانه و زنانه دارد، یا اصلاً هیچ‌کدام را ندارد. (سهم او با بررسی مجرای بول یا قرعه مشخص می‌شود).

<p>تمام کسانی که به واسطه نسبت خونی با میت فامیل هستند. مؤلف عزیز با استناد به این آیه ثابت می‌کند که هر کس به میت نزدیک‌تر است، در ارث بردن اولویت دارد.</p>	<p>صاحبان رَجَم / خویشاوندان خونی</p>	<p>أُولُوا الْأَرْحَامِ / ذَوِي الْأَرْحَامِ</p>	<p>۱۷</p>
---	---	--	-----------

بخش سوم؛ اصول و قواعد بنیادین ارث ( شاه‌کلیدها و قانون و قواعد طلایی عالم بزرگوار سید حسین عرب باغی رحمت الله علیه )

### ۱. بطلان «عَوْل» و ورود نُقصان بر دختران و خواهران

در مکتب شیعه، سهام فریضه هرگز از عدد شش بالاتر نمی‌رود. اگر در تقسیم ارث مال کم بیاید، این کمبود از سهم شوهر، زن، پدر یا مادر کسر نمی‌شود؛ بلکه نقصان مال فقط و فقط بر عهده دختران در طبقه اول و یا خواهران در طبقه دوم متوفی است.

#### • منبع و مستندات؛

- این اصل در قواعد الاسلام (جلد ۳، قواعد موجبات ارث، قاعده ۴ و ۵) و در قانون الاسلام (ماده ۷۹) به تفصیل بیان شده است.
- عالم بزرگوار سید حسین موسوی عرب باغی رضوان الله علیه در کتب مربوطه تأکید می‌کنند که تغییر فریضه‌ها با رأی شخصی و ایجاد «عول»، خلاف حکم صریح خداوند است.

#### • بیان و استدلال در حدیث یا آیه ؛

- در کتب اربعه از ابوبصیر روایت نموده اند که با امام محمد باقر علیه السلام گفتم که؛ بسا میشود که سهام ارث را زیادت‌ر میکنند مردمان تا به صد و زیادت‌ر و کمتر؟ فرمود؛ از شش زیادت‌ر نمیشود بعد از آن فرمود که امیرالمؤمنین علیه السلام همیشه می‌فرمود که آن خداوندی که عدد ریگ صحرا عالج را می‌داند البته میداند که سهام

فریضه ها از شش زیادتر نمیشود، و اگر بصیرت داشته باشند به راه آنها تجاوز نمیکند از شش.<sup>۱</sup>

و همچنین است سایر احادیث از جمله حدیث ابن عباس که عالم بزرگوار در قواعد الاسلام بیان فرموده. (رجوع شود)

### • و اما بیان و فقاہت مؤلف عزیز؛

👉 از حدیث امیرالمومنین و ابن عباس معلوم میشود که فریضه های خداوند را که شش بوده در کتاب خداوند و در طریقه رسول الله صلی الله علیه و آله زیاد تر کرده بودند و طریق آن را ندانسته بودند، و از امیر المؤمنین که معدن علوم و باب مدینه علم رسول الله صلی الله علیه و آله بوده سؤال نمیکردند، و علم دین و احکام اسلام را یاد نگرفته بودند، و با وجود این جهل و نادانی به امورات دین رسیدگی میکردند ...<sup>۲</sup>

👉 و از این حدیث ابن عباس (حدیث در قواعد الاسلام ج ۳ قاعده ۵) شکایت او معلوم می شود از عمر؛ که ندانسته در حقوق مردمان حکم کرده و از کسی نپرسید که باعث تغییر دادن فرایض خداوند شد و تعجب از مردمان آن زمان است زیرا که عمر خودش گفت که من مقدم و مؤخر یکی از شما را نمی دانم و با وجود این اقرار او باز حکم او را قبول کردند و بعد از آن نیز با حکم ندانستن او عمل کردند و حالا نیز جمعی از فقهاء مسلمانان به حکم او عمل می کنند و با احادیث اهل بیت عمل نمی کنند و آیه « إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى » را گویا در قرآن ندیده اند.<sup>۳</sup>

👉 و در هر صورت نقصان ترکه از سهام ایشان... پس نقص در نزد ما جماعت شیعه وارد می شود به دخترها و خواهرها زیرا که از برای هر یکی از پدر و مادر و زوج و زوجه دو سهم است یکی اعلا و دیگری ادنی... و اما از برای دختران و خواهران فقط یک سهم است... مخالفان ما جماعت شیعه در نقصان ترکه بر عول و زیاده کردن سهام قائل شده و وارد می کنند نقص را به جمیع ورثه از زوج و زوجه و پدر و مادر نسبت به سهام ایشان.<sup>۴</sup>

(۳) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۲۹

(۴) بیان مولف در قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۷ خط ۱۴

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۲۶ ق ۴ ج ۲ | کافی ج ۷

ص ۷۹ ج ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۲۴۷ ج ۶۶۰

(۲) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۲۷

## ۲. بطلان «تَعْصِيب» و وجوبِ قاعده «رَدِّ»

اگر بعد از دادن سهم‌های ثابت، مقداری مال اضافه بیاید، آن مال به خویشانِ دورِ پدری (عموها و مردان فامیل که عَصَبه نامیده می‌شوند) داده نمی‌شود، بلکه دوباره به همان ورثه نزدیک (مثل دختر یا مادر) «رد» (برگردانده) می‌شود.

### • منبع و مستندات؛

- این اصل در قانون الاسلام (جلد ۱ ماده ۸۴) و قواعد الاسلام (جلد ۳، قواعد موجبات ارث، قاعده ۳) و در اساس الاسلام به تفصیل بیان شده است .
- مؤلف عزیز، عالم بزرگوار سید حسین موسوی عرب‌باغی رضوان الله علیه دادن مال به خویشاوند دورتر را خلاف عقل و شرع می‌دانند و با استناد به آیات و احادیث، تعصیب را باطل می‌کنند.

### • بیان و استدلال مؤلف در حدیث یا آیه؛

- خداوند متعال می‌فرماید؛ «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» . یعنی ؛ « اقوام هر کس بعضی از ایشان از بعض دیگر مقدم و اولی ترند در ارث بردن از او در کتاب خداوند و هر که به کسی نزدیک تر است در ارث بردن نیز اولی تر است از دیگران ».<sup>۱</sup>
- در «کافی» و «تهذیب» از ابن بکیر از بزاز روایت کرده اند گفت امر کردم به کسی که از حضرت صادق علیه السلام سؤال بکند ؛ آیا میراث میت از برای اقرب و نزدیک ترین مردمان به او است یا از برای عصبه و سایر اقربای او است؟
- حضرت فرمود ؛ مال میت برای اقرب مردمان است به سوی میت و با وجود اقرب بر دهان غیر اقرب خاک است .<sup>۲</sup>

(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۴ ح ۳ | قواعد الاسلام ج ۳ ص ۷۵ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۷ ح ۱۱۷۶

(۱) سوره احزاب آیه ۶ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۱ م ۸۴ | قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۷

• 📌 و اما بیان و فقاہت مؤلف عزیز؛

○ 📌 و از این احادیث معلوم شد که با وجود اقرب به میت کسی دیگر در میراث آن میت حق ندارد ... و علاوه بر این احادیث صحیحہ آیه ی شریفه ی « وَ أَوْلُوا الْأَرْحَامَ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ » در این مسئله کفایت میکند چنان که بیان آن گذشت، بلکه این مطلب از واضحات عقول و از لائحات منقول در بین علمای اعلام و بلکه از فطریات انام و معلومات خاص و عام است که با وجود اقرب و اولی دیگر غیر اقرب و ابعد ارث نمیبرد...<sup>۱</sup>

○ 📌 و این مسئله عقلی و عقلائی و وجدانی است که با وجود اقرب به میت، ارث او بر ابعد از او نمیرسد، نه اینکه فقط شرعی باشد، و صاحب شرع انور همان حکم عقل را تصدیق کرده، نه اینکه حکم تعبدی محض فرموده، و از این احادیث و از امثال اینها معلوم میشود که جمعی از مسلمانان بر تعصیب قائلند، و مال میت را بر ابعد از میت میدهند بنا بر وجود اقرب، و از آیه « أَوْلُوا الْأَرْحَامِ » اعراض کرده اند.<sup>۲</sup>

### ۳. قاعده «الْأَقْرَبُ يَمْنَعُ الْأَبْعَدَ» (تقدم خویشاوند نزدیک‌تر)

هرکس به لحاظ خونی و درجه نسب به میت نزدیک‌تر باشد، تمام خویشاوندان دورتر را از ارث محروم می‌کند. بر همین اساس، با وجود «عموی ناتنی»، ارث به «پسرعموی تنی» نمی‌رسد.

• 📌 منبع و مستندات؛

○ این اصل مهم در قانون الاسلام (ماده ۸۴) و کتاب اساس الاسلام، و همچنین قواعد الاسلام مستدل شده است .

○ مرحوم عرب‌باغی در یک استدلال تاریخی و کوبنده، با اثبات این قاعده نشان می‌دهند که نزدیکی طبقه و درجه، بر «تنی یا ناتنی بودن» ارجحیت دارد.

### • بیان و استدلال در حدیث یا آیه؛

- در حدیث مباحثه هارون الرشید با امام موسی کاظم علیه السلام آمده است که آن حضرت به هارون فرمود؛  
در فرمایش پدر ما علی ابن ابیطالب است و اغلب مردمان نیز به این مسئله عالم اند که شرعاً با وجود اولاد صلبی برای میت از برای احدی از اقربای میت ارث نیست مگر برای پدر و مادر و زوج و زوجه و فاطمه سلام الله علیها دختر آن است در حال حیات بود وقتی که پدرش وفات کرد و ما از آن جهت اولی به ارث شدیم و ثابت نکرده است کتاب خداوند نطق نمی کند به این که با وجود ولد صلبی برای عم سهمی است از ارث و لکن تیمی و عدی و بنی امیه گفتند که عم به جای پدر است و ارث می برد و این فتوی را از رأی خودشان دادند بدون استناد آن به کتاب خدا و خبر رسول او... (تا آخر حدیث) <sup>۱</sup>

### • و اما بیان مختصر و فقاقت مؤلف عزیز؛

- لاجرم از این حدیث (مباحثه هارون الرشید با امام موسی کاظم علیه السلام) معلوم شد که با وجود عم پدری، پسر عم پدری و مادری وارث نمی شود و این هم واضح گردید که در بین حضرات ائمه علیهم السلام و خلفای بنی عباس گفتگوها شده در اقریبیت هر یک از آن دو خانواده به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و نظر عباسیان در زمان خلافت خودشان بر این بود که افتخار کنند بر این که آن ها پسر عم رسول الله صلی الله علیه و آله اند و اولاد امیرالمومنین علیه السلام پسر عم رسول خدا صلی الله علیه و آله اند و حضرت صادق علیه السلام نیز برای رد دعوی ایشان فرموده که اگر بنا باشد به آن که کسی فخر نماید به این که او پسر عم رسول الله است، پس ما اهل بیت علیهم السلام قطع نظر از این که اولاد عم پدر و مادری آن حضرتیم از بطن صدیقه ی طاهره علیها السلام که صبیّه ی مرضیه ی او است اولاد آنحضرت نیز هستیم و علی هذا قرابت ما از همه کس به آنحضرت بیشتر و نزدیک تر است.... <sup>۲</sup>

(۲) بیان مولف در قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۸

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۷ | قواعد الاسلام ج ۳  
ص ۱۴۲ | عیون الاخبار الرضا ج ۱ ص ۸۱ ح ۹ |  
احتجاج ج ۲ ص ۳۸۹

👉 پس از آنچه حقیر در اینجا در شرح حدیث حسن بن عماره بیان کرد معلوم شد که با وجود عم پدری ابن عم پدری و مادری ارث نمی‌برد و لفظ عم در این حدیث مضاف الیه است، و تقدیرش اینست «ابن عم لاب وام او ابن عم لاب» نه اینکه «او عم» با ضم میم باشد که صدوق خیال کرده و جمعی بر او تابع شده اند... فخذہ و کن من الشاکرین. (بحث و استدلال بی نظیر مؤلف در رد استدلالات بعضی علما که بر خلاف آیه و احادیث در مورد این موضوع فتوای داده اند ... حتما در کتب مطالعه فرمایید)<sup>۱</sup>

#### ۴. نگاه ویژه و قرآنی به ارث نواده‌ها (حقیقت بودن وُلد)

یکی از مباحث بسیار مهم و بنیادین که عالم بزرگوار سید حسین عرب باغی رحمت الله علیه با غیرت تمام و با استناد به آیات قرآن بر آن پافشاری می‌کنند، این است که نوادگان (چه از پسر باشند و چه از دختر)، فرزندان حقیقی و صلبی شخص محسوب می‌شوند. در نتیجه، در صورت نبودن فرزند صلبی بی‌واسطه، نوه‌ها مستقیماً وارث طبقه اول هستند و سهم می‌برند (نوه پسری دو سهم، نوه دختری یک سهم) یعنی نوه پسری دو سهم می‌برد هر چند از دختر باشد، و نوه دختری یک سهم می‌برد هر چند از پسر باشد.

#### • منبع و مستندات در کتب سه‌گانه؛

این اصل و فقاہت بی‌نظیر، با عناوین و سرفصل‌های زیر در آثار ایشان تدوین و مستدل شده است؛

- در کتاب قواعد الاسلام (جلد ۳)
  - تحت عنوان دقیق «قاعده هشتم در حقیقت بودن ولد در اولاد دختران میت با صراحت آیات قرآن»<sup>۲</sup>
- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق «ماده ی هشتاد و یکم در ارث طبقه ی دوم از اولاد که نواده اند»<sup>۳</sup>
- در کتاب اساس الاسلام
  - در بحث جانشینی نواده‌ها و شمول آیه ارث بر آنان<sup>۴</sup>

(۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۰ م ۸۱

(۴) اساس الاسلام ص ۲۳۹ و ۲۴۰

(۱) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۳

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۸ ق ۸

برخی گمان می‌کنند فرزندی که از دخترِ انسان به دنیا می‌آید، فرزندِ خانواده‌ی داماد است و از پدربزرگِ مادرش ارث نمی‌برد یا کمان می‌کنند سهم ارث نوه پسر که از دختر هست نصف است؛ بطلان این عقاید از شاهکارهای استدلالی مرحوم سید حسین موسوی الشهیر به عرب باغی رحمت الله علیه است. مؤلف با آوردن ده‌ها آیه از قرآن (از جمله آیات محارم و آیه مباحله) می‌فرماید همان‌طور که حضرت عیسی علیه السلام از طریق مادرش فرزند حقیقی پیامبران پیشین است، و امام حسن و امام حسین علیه السلام فرزندان حقیقی رسول‌الله صلی الله علیه و آله هستند، پس دخترِ دختر و پسرِ دختر نیز «ولد حقیقی» محسوب می‌شوند و انکار این مسئله را معادل «انکار قرآن» می‌دانند.

### • بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه به اختصار

- در آیات که بیش از ده‌ها آیه است مولف عزیز بر اثبات اولاد حقیقی بودن نواده‌ها بر پدربزرگ و مادربزرگ نگاشته است در هر سه کتاب شریف قانون و قواعد و اساس و ذکر آنها در این جا طول کلام است.<sup>۱</sup>
- اما به اختصار یکی از احادیثی که مولف عزیز در اثبات این موضوع نگاشته است حدیث ابوجارود از امام محمد باقر علیه السلام است در اثبات اولاد حقیقی بودن نواده‌ها در قواعد الاسلام؛
- چنانکه در کافی و در تفسیر علی بن ابراهیم از ابوجارود روایت کرده امام محمد باقر علیه السلام فرمود که؛
- یا ابا جارود چه می‌گویند این مردمان به شما در اولاد بودن امام حسن و امام حسین علیه السلام برای رسول الله صلی الله علیه و آله؟
- گفتم؛ انکار می‌کنند اولاد بودن آن حضرت را بر رسول الله صلی الله علیه و آله در حقیقت؛ فرمود؛ پس شما چه دلیل اقامه کردید بر آن جماعت در این خصوص؟
- گفتم؛ بفرمایش خداوند در عیسی بن مریم « وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ - وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى »<sup>۲</sup> که در این آیه نوح قرار داده، چنانکه داود و سلیمان و یحیی و جمعی از پیغمبران را از ذریه نوح قرار داده؛
- آن حضرت فرمود؛ پس به شما چه جواب دادند از این آیه؟

(۲) سوره انعام آیه ۸۴ و ۸۵

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۸ ق ۸ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۰ م ۸۱ | اساس الاسلام ص ۲۳۹ و ۲۴۰

گفتم؛ می‌گویند در بعض اوقات اولاد دختر شخص اولاد می‌شود، ولیکن از صلب او نمی‌شود؛

فرمود؛ چه دلیل اقامه کردید بر آن جماعت؟

گفتم؛ به این آیه « فَقُلْ تَعَالُوا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ »<sup>۱</sup>

فرمود؛ پس چه جواب گفتند به شما در این آیه؟

گفتم؛ می‌گویند که در کلام عرب اولاد کسی دیگر را اولاد می‌گویند؛

پس آن حضرت فرمود؛ ای ابو جارود هر آینه اولاد حقیقی بودن امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را از کتاب خداوند برای آن جماعت می‌آورم که آن حضرات از صلب رسول الله صلی الله علیه و آله بوده اند، که آن را رد نمی‌کند مگر کافر؛

گفتم؛ در کدام آیه است این؟

فرمود؛ در آن آیه که خداوند فرموده « حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ » تا اینکه

فرموده « وَ خَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ »<sup>۲</sup> پس تو از آن جماعت بپرس آیا

حلال بوده از برای رسول الله صلی الله علیه و آله تزویج کردن زن‌های امام حسن علیه السلام و

امام حسین علیه السلام؟ اگر گفتند حلال بوده پس دروغ گفته اند، و فاجر شده اند، و

اگر بگویند که حلال نبوده زن امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بر آن حضرت،

پس معلوم می‌شود که آن حضرات از برای رسول الله صلی الله علیه و آله اولاد صلبی بوده

اند، و حرام نشده زن‌های آن دو امام بر آن حضرت مگر از جهت اینکه اولاد صلبی آن

حضرت بودند.<sup>۳</sup>

## • بیان و استدلال آقا به اختصار

○ و در قانون الاسلام جلد اول مولف عزیز بعد از آیات و احادیث بیان فرمودند که؛

👉 پس معلوم شد که پسر دختر میت دو سهم میبرد و دختر پسر میت یک سهم ارث دارد

و دو نفر دختر با زیادتر از نواده های میت دو ثلث و یک دختر ایشان نصف میبرند چه آن

نواده ها از پسر میت باشند و یا از دختر او شوند و این مسئله را با تفصیل در کتاب الدرّة

الغریه و در کتاب مسائل النجفیه با جمیع احادیث بیان کردم و شبهه را رفع نمودم.<sup>۴</sup>

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۵۰ ح ۲ | کافی ج ۸ ص

۳۱۸ ح ۵۰۱ | تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۰۹

(۴) بیان مولف در قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۵

(۱) سوره آل عمران آیه ۶۱

(۲) سوره نساء آیه ۲۳

- و در قواعد الاسلام جلد سوم مولف عزیز بیان فرمودند که؛  
 📌 پس وقتی که معلوم شد و یقین گردید که اولاد دختر شخص اولاد حقیقی شخص است، پس حکم ارث اولاد دختر و اولاد پسر بدون فرق از این آیه شریفه معلوم می‌شود که فرموده؛ « يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنَ »<sup>۱</sup>؛ پس پسرِ دخترِ شخص دو سهم و دخترِ پسرِ او یک سهم خواهد برد.<sup>۲</sup>
- آیا ممکن است که کسی بگوید که حضرت عیسی بن مریم از بنی اسرائیل نیست، زیرا که او از اولاد اناث است و از اولاد ذکور اسرائیل نبوده، و یا اینکه آن حضرت از بنی آدم نیست از جهت این که از اولاد ذکور آدم نبود، و بلکه از اولاد اناث بوده، و یا اینکه گفته شود که عیسی بن مریم ولد حقیقی آدم و اسرائیل نیست، و بلکه ولد مجازی است، هیهات از این طور سخنان ...<sup>۳</sup>
- 📌 و در آیات سوره نساء و احزاب در هشت مورد لفظ بنات بوده، و به اجماع فریقین مراد از آن‌ها بنات و دختران شخص است از صلب خود، و از صلب اولاد او، چه از ذکور و چه از اناث و آیا بنات در آیات که حرام است مراد از آن دختر صلبی و دختر پسر است فقط؟ و آیا دختر دختران شخص بخودش حرام نیست؟ حاشا و کلا از این سخنان در دین خداوند...<sup>۴</sup>
- 📌 و مثل این احادیث (حدیث ابو جارود) در عیون و احتجاج و در اختصاص شیخ مفید در فرمایشات امام موسی کاظم علیه السلام با هارون، و در عیون و مجالس در احتجاج امام رضا علیه السلام با مأمون، و در مجالس با علماء وارد شده در احادیث مفصل، و اگر کسی این آیات و این احادیث را قبول نکند پس از اسلام خارج می‌گردد...<sup>۵</sup>
- 📌 پس از این آیات و احادیث معلوم شد که اولاد دختر شخص مثل اولاد پسر او است در ولد حقیقی بودن، و مثل اولاد صلبی خود است در اولاد بودن به حقیقت نه مجازی، و اگر کسی این را انکار بکند پس او قرآن را انکار کرده و امامان اهل بیت را رد کرده، و کفر او از کفر ابلیس واضحتر و عناد او از عناد فرعون روشن تر است...<sup>۶</sup>

(۴) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۹ خط ۹

(۵) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۵۱ خط ۱۰

(۶) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۵۱ خط آخر

(۱) سوره نساء آیه ۱۱

(۲) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۵۲ خط ۴

(۳) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۹ خط ۴

- و مولف عزیز در اساس الاسلام نیز بیان میفرماید که؛  
 🍷 پس بنا به آنچه ذکر شد از نص آیات اگر نواده پسر دختر شود و نواده دختر پسر باشد دو سهم مال جد و جده ارث پسر دختر است و یک سهم ارث دختر پسر است مثل این که خود میت یک پسر و یک دختر داشته باشد ...<sup>۱</sup>

## ۵. محرومیت زوجه از عین زمین و هوایی (قاعده قیمت‌گذاری فرضی و نقض)

زن از اصل زمین و عین املاک شوهرش ارث نمی‌برد. او تنها از «قیمت» مصالح ساختمان (خشت، چوب، در) و اشجار ارث می‌برد.

### • منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هفتاد و هفتم در عدم ارث زوجه از زمین و خانه ی زوج »<sup>۲</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده پنجم در عدم ارث زوجه از املاک زوج »<sup>۳</sup>
- در کتاب اساس الاسلام
  - در خصوص ارث زنان از مردان خودشان<sup>۴</sup>

عالم بزرگوار سید حسین عرب باغی رحمت الله علیه حکمت این حکم را این‌گونه بیان می‌کنند که زن ممکن است شوهر دیگری کند و بیگانگان را وارد حریم خانواده متوفی نماید. در اساس الاسلام با یک مثال دقیق می‌فرمایند؛ برای محاسبه حق زن، نباید ساختمان را پابرجا و سالم قیمت‌گذاری کرد؛ بلکه باید فرض کرد ساختمان «تخریب و نقض شده» است. مثلاً اگر ساختمانی هزار تومان می‌ارزد، قیمت ضایعات و چوب و خشت آن شاید ۵۰ تومان شود و زن تنها یک‌چهارم یا یک‌هشتم از آن ۵۰ تومان فرضی را می‌برد؛ ایشان تأکید می‌کنند که «تضییع حقوق ایتمام در این مسئله حرام است و تقلید از اسلاف جایز نیست».

(۳) قواعد الاسلام ص ۱۳۲ تا ۱۳۳ ق ۵

(۴) اساس الاسلام از ص ۲۳۲ تا ۲۳۶

(۱) اساس الاسلام ص ۲۳۹ خط ۱۹

(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۳ م ۷۷

### • بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه به اختصار

- و در کافی و تهذیب از زراره روایت کرده اند که حضرت باقر علیه السلام فرمود ؛  
به درستی که زوجه ارث نمی برد از ترکه ی زوج خود از دهات و از خانه ها و از اسلحه و از حیوانات او ، و ارث می برد از نقد و فرش و لباس و متاع خانه ی او و قیمت می شود نقض شده ها از بناها و درهای آن ها و چوب های عمارات و قصب و داده می شود حق زوجه از قیمت آن ها.<sup>۱</sup>
- و در کافی از محمد بن مسلم و زراره روایت کرده که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که ؛  
زن کسی ارث نمی برد از اصل خانه ها چیزی ولکن قیمت می شود بنا و خشت و داده می شود ربع و یا ثمن آن قیمت شده را و فرمود تا بر شوهر دیگر نروند پس فاسد بکنند بر اهل میراث ارث ایشان را.<sup>۲</sup>
- در فقیه و تهذیب و عیون الاخبار و علل الشرایع در صحیحہ ابن سنان از حضرت رضا علیه السلام است که ؛  
علت این که زوجه ارث نمی برد از اصلها چیزی را مگر قیمت خشتها و نقض شدهها را زیرا که زمین و عقار ممکن نمی شود تغییر و تبدیل آنها و زوجه ممکن است که قطع شود عصمت او از زوج خود و جایز است تغییر و تبدیل زوجه (تا آخر)<sup>۳</sup>

### • بیان و استدلال آقا

- و احادیث در این خصوص بسیار است و قیمت کردن نقض شده ها و خشت و چوب عمارات راجع است به اهل خبره و کار هر کس نیست و از این که جهلای ناس ولو بعضاً در لباس علماء هم باشند معانی این گونه احادیث را ندانسته اند و بلکه ندیده اند و قیمت نمودن را ندانسته اند لهذا اموال بسیاری از ارباب حقوق و موقوفه و صدقات و وصایا و نذور به دست ناهلان افتاده و در غیر جاها مصروف

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۳ خط ۱۰ | کافی ج ۷ ص ۱۲۹ ح ۶ | وافی ج ۲۵ ص ۷۸۴ ح ۲۴۹۹۱  
(۳) اساس الاسلام ص ۲۳۴ ح ۶ | تهذیب ج ۹ ص ۳۰۰ ح ۱۰۷۳ | فقیه ج ۴ ص ۳۴۸ ح ۵۷۴۹ | عیون ج ۲ ص ۸۸ ح ۱ | علل الشرایع ج ۲ ص ۵۷۲ ح ۲

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۳ م ۷۷ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۲۷ ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۲۹۷ ح ۱۰۶۵ | فقیه ج ۴ ص ۳۴۸ ح ۵۷۵۲ | استبصار ج ۴ ص ۱۵۱ ح ۵۷۱ | وسائل الشیعه ج ۲۶ ص ۲۰۵ ح ۳۲۸۳۶

شده و بلکه غالباً ارث صغار و ضعفاء در معرض تلف و ضیاع شده... (تا این که بیان فرمودند) ... و بالجمله اگر در مقابل این احادیث ، یک حدیث وارد شود که زوجه از تمامی ترکه زوج ارث می برد و یا این که زوجه ی ذات ولد از جمیع املاک شوهرش وارث می شود ، پس آن حدیث و نحو آن محمول اند بر تقیّه ، زیرا که مذهب اهل سنت آن طور است.<sup>۱</sup>

👉 و مثل اینها است احادیث دیگر و از این احادیث ظاهر می شود که زوجه از قیمت اعیان در همان روز وفات زوج هر چه باشد ارث می برد نه اینکه از قیمت آنها مبنیاً و بنا شده علی الدوام تا فانی شدن آنها ارث می برد، چنانکه بعضی از علماء احتمال داده زیرا که همه ورثه آنچه موجود است از آن ارث می برند.<sup>۲</sup>

👉 و بنا بر این احادیث عمارتی که یک هزار تومان در تعمیر و بنای آن خرج شده و صاحبش مصرف نموده قیمت آلات و اسباب و خشت و درخت آن بعد از بیرون کردن آنها فرضاً و آنها را نقض شده فرض کردن نهایت بر پنجاه تومان می رسد و همچنین باغات که قیمت یک قطعه مخصوص آن ممکن است که یک هزار تومان بوده باشد و اما ارث زوجه از قیمت آلات و از قیمت درخت های کروم (درخت انگور) آن شاید ده تومان باشد زیرا که قیمت جمیع آنچه در آن باغ از درخت و خشت و کروم است بعد از فرض کردن آنها منقوض و بریده شده که معنای احادیث است با ضم کردن بعضی بر بعض دیگر چهل تومان می شود و چهار یک آن ده تومان است که حق زوجه است در صورت عدم اولاد زوج و هشت یک آن پنج تومان است و آن حق او است در صورت وجود اولاد زوج و عمارت و بناها و باغات چنانکه قوام و دوام و استحکام دارند قیمت نمی شود و الا لازم می شود که زوجه از اساس و عقار و خانه ها وارث شود و بلکه از قیمت آلات و ادوات و اسباب آنها ارث می برد و از این جهت است که فرمودند قیمت می شود درختها و خشتها و اگر عمارات و باغات همین طور که بودند قیمت می شدند احتیاج به قیمت درخت و خشت و نی و غیر از اینها نبوده است.<sup>۳</sup>

👉 و بالجمله آنچه احادیث فرموده حق همان است نه آن که یک نفر عالم در زمان سابق چیزی گفته باید حق باشد و این مسئله از جمله حقوق الناس است و دقت در این بسیار لازم است و تقلید در این صحیح نیست و تزییع حق مردمان حرام و باعث اشتغال ذمه است.<sup>۴</sup>

(۳) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۳۵ پاراگراف آخر

(۴) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۳۶ خط ۱۷

(۱) بیان مولف در قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۴ خط ۲  
(۲) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۳ خط

## ۶. توسعه در مفهوم «حَبَّوَه» و عدم انحصار آن به چهار چیز

### • حَبَّوَه چیست؟

○ در قانون ارث، قبل از آنکه اموال متوفی بین ورثه تقسیم شود، یک‌سری از وسایل شخصی و اختصاصی پدر، بدون آنکه جزء ترکه محاسبه و تکه‌تکه شود، به عنوان هدیه، احترام و نشانه‌ی جان‌شینی، مستقیماً به پسر ارشد (بزرگ‌ترین فرزند ذکور) داده می‌شود.

### • چه چیزهایی شامل حَبَّوَه می‌شود؟ (نگاه ویژه مؤلف)

برخلاف فتوای مشهور برخی از علما، که هدایای اختصاصی پسر ارشد (حَبَّوَه) را تنها در ۴ چیز (شمشیر، انگشتر، قرآن و لباس) محصور کرده‌اند، عالم ربانی سید حسین موسوی عرب‌باغی رحمت الله علیه با استناد به احادیث اثبات می‌کنند که حَبَّوَه شامل تمامی اموال و وسایل اختصاصی پدر (بر اساس عرف هر زمان) می‌شود و محدود کردن آن به (شمشیر، انگشتر، قرآن و لباس) خلاف سنت ائمه علیه السلام است.

عالم بزرگوار بیان میدارند که در احادیث متعددی از ائمه اطهار علیهم السلام اقلامی مانند؛ شمشیر، زره، انگشتر، قرآن، کتاب‌ها، لباس تن، اسب سواری (راجله) و وسایل سفر (رحل) به عنوان حَبَّوَه نام برده شده‌اند. اما این اقلام موضوعیت انحصاری ندارند و فقط محدود به همین چند مورد نیستند، بلکه معیار اصلی، « وسایل اختصاصی پدر در هر زمان و مکان » است؛

### • منبع و مستندات مؤلف:

#### • در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)

○ تحت عنوان دقیق « ماده ی هشتماد در آن چه به پسر بزرگ میت اختصاص دارد »<sup>۱</sup>

#### • در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)

○ تحت عنوان دقیق « قاعده سوم در حَبَّوَه بردن پسر بزرگ میت »<sup>۲</sup>

#### • در کتاب اساس الاسلام

○ در خصوص ارث حَبَّوَه<sup>۳</sup>

(۳) اساس الاسلام از ص ۲۴۰ تا ۲۴۱

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۹ م ۸۰  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ از ص ۱۳۹ تا ۱۴۰ ق سوم

مولف عزیز تأکید دارند که ذکر نام شمشیر و زره در احادیث، از باب مثال و اقتضای آن زمان بوده است، نه برای انحصار؛ زیرا مراد بیان «مختصات میت» است که برحسب اشخاص و زمان‌ها تغییر می‌کند .

### • بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه به اختصار

○ چنانکه در «کافی» و «تهذیب» از حریری روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام فرمود؛

زمانی که کسی فوت شد و چند نفری از او اولاد ماند پس از برای بزرگ ترین اولاد ذکور او است شمشیر و زره و انگشتر و قرآن او ... (تا آخر حدیث) <sup>۱</sup>

○ در کتب اربعه از ربعی روایت کرده اند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود؛  
زمانی که کسی وفات کند پس شمشیر او و قرآن و انگشتر و کتاب‌ها و لباس بدن او و لوازم و اسباب سفر و حیوان سواری او از برای پسر بزرگ او است... (تا آخر حدیث) <sup>۲</sup>

○ و چنانکه در کتاب کافی و تهذیب در صحیحه ابن اذینه از حضرت صادق علیه السلام است که ؛

زمانی که ترکه بگذارد مرد شمشیر و سلاح را پس آن‌ها از برای پسر او است و اگر بوده باشد اولاد او زیاده از یک پسر پس از برای بزرگترین پسران او است. <sup>۳</sup>

### • بیان و استدلال آقا؛

○ و از این احادیث ظاهر می‌شود که مختصات پدر هر چه باشد بر حسب ازمنه و امکان بر بزرگ ترین اولاد ذکور می‌رسد و اختصاص به مذکورات فوق ندارد چنان که این مسأله را با تفصیل در « کتاب الدرّة الغریة » در احکام ارث بیان کرده ام؛ و بعضی از علماء که از همه ی آن‌ها بر چهار چیز قائل شده اند با فرمایش

(۳) اساس الاسلام ص ۲۴۱ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۸۵  
ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۶ ح ۹۹۸

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۹ ح آخر | کافی ج ۷ ص ۸۵ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۵ ح ۹۹۴  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۹ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۸۶ ح ۴ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۵ ح ۹۹۷ | فقیه ج ۴ ص ۳۴۶ ح ۵۷۴۶ | استبصار ج ۴ ص ۱۴۴ ح ۵۴۱

حضرات ائمه علیهم السلام در احادیث صحیحه مخالف است زیرا که مراد در همه جا بیان مختصات میت است که بر پسر بزرگ او برسد و مختصات به حسب اشخاص و ازمه و امکانه مختلف می گردد ، پس محصور کردن آن ها به چهار چیز صحیح نیست و باید تبعیت احادیث ائمه علیهم السلام کرد نه تقلید برای غیر ایشان. « اَللّٰهُمَّ اَعْطِ الْمُسْلِمِينَ بَصِيْرَةً دِيْنِكَ وَ فَهْمًا فِي حُكْمِكَ وَ فَقْهًا عِلْمِكَ. »<sup>۱</sup>

👉 و از این حدیث معلوم می شود که مختصات میت هر چه باشد بر پسر بزرگ او می رسد هر چه باشد، و از این جهت در این احادیث بر چیزی مختص نکرده اند، و در هر حدیث محل حاجت راویان را بیان فرموده اند، و تا نه چیز در این احادیث بیان کرده اند... (تا آخر بیان مولف)<sup>۲</sup>

👉 و مثل این احادیث است احادیث دیگر در بودن حبوه از برای پسر بزرگ میت و از همه احادیث ظاهر می شود که حبوه عبارت است از مختصات خود میت که در عرف اهل خانه او مال آقا می گویند زیرا که در هر یکی از احادیث دو چیز و سه چیز و چهار چیز ذکر شده و حدیث جامع حدیث ربعی بود که ذکر شد و در احادیث محل حاجت راوی را بیان فرمودند مثل درع که زره باشد و مفهوم از همه مال مختصی آقا است از ساعت و کمربند و کلاه و عمامه و رختخواب و اسب مختصی و غیر از این ها هر چه به آقا منسوب و مال خاص شود و آن در عرف و عادت معین است.<sup>۳</sup>

#### • شرایط مهم دادن حبوه به پسر ارشد؛

👉 مؤلف عزیز مرحوم سید حسین عرب باغی رحمت الله علیه بر اساس روایات، سه شرط و نکته اساسی را برای دریافت حبوه ذکر می کنند؛

#### ۱. تقدم جنسیت مرد بر سن؛

اگر فرزند اول خانواده (فرزند ارشد مطلق) یک دختر باشد، حبوه به او نمی رسد، بلکه به «بزرگترین فرزند پسر» تعلق می گیرد.

(۳) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۱ پاراگراف ۲

(۱) بیان مولف در قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۰ خط ۱۳

(۲) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۰

پاراگراف آخر

📖 **مستند روایی؛** حدیث ربعی از امام صادق علیه السلام؛ (تا این که فرمود) اگر بزرگ ایشان دختر شد، برای بزرگی که پسر است خواهد شد.<sup>۱</sup>

### ۲. سلامتِ پسر ارشد (عدم عارضه)؛

اگر پسر بزرگ‌تر دچار عارضه‌ای (حَدَث) باشد که صلاحیت جانشینی پدر را نداشته باشد (مانند مرگ در زمان حیات پدر، جنون یا سفیه بودن)، حبه به پسر بزرگ بعدی منتقل می‌شود.

📖 **مستند روایی؛** حدیث حریر از امام صادق علیه السلام؛ اگر به پسر بزرگ حادثه‌ای عارض شود، پس بعد از او از برای بزرگ‌تر اولاد ذکور او می‌رسد.<sup>۲</sup>

### ۳. حکمت حبه (میراث علمی)؛

مؤلف با اشاره به داستان حضرت خضر علیه السلام در حدیث ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام، در مورد گنجی که زیر دیوار برای دو یتیم پنهان شده بود، می‌فرماید؛ که آن گنج از نقره و طلا نبود، بلکه «علم و حکمت» بود که به پسر بزرگ‌تر رسید. یعنی حبه در واقع نمادی از انتقال میراث علمی، معنوی و مدیریت خانواده به پسر ارشد است.<sup>۳</sup>

## ۷. استقلال تک تک خواهرزادگان و برادرزادگان در جانشینی (ردّ تقسیم یک سهم بین همه)

یکی از شگفت‌انگیزترین و دقیق‌ترین استدلال‌های مؤلف عالم بزرگوار سید حسین عرب باغی (رحمت الله علیه) این است که اگر مثلاً خواهر میت فوت کرده باشد و از او ۱۰ فرزند مانده باشد، این ۱۰ نفر سهم یک خواهر را بین خود تقسیم نمی‌کنند؛ بلکه طبق قانون «تَنْزِيل»، هر یک از این فرزندان به منزله یک خواهر مستقل برای میت محسوب می‌شوند و به اندازه ۱۰ خواهر سهم می‌برند.

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۹ خط ۱۷ | کافی ج ۷ ص ۸۵ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۵ ح ۹۹۴  
(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۰ خط ۱۰ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۶ ح ۱۰۰۰

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۰ | کافی ج ۷ ص ۸۶ ح ۴ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۵ ح ۹۹۷ | فقیه ج ۴ ص ۳۴۶ ح ۵۷۴۶

- منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)

- این حکم در داخل « ماده هشتاد و دویم در ارث اخوت و اخوات است »<sup>۱</sup>

- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)

- تحت عنوان دقیق « قاعده سیم در قائم مقام شدن اولاد اخوة از طرفین در مقام پدران و مادران خودشان »<sup>۲</sup>

- در کتاب اساس الاسلام

- در خصوص ارث اولاد برادر و خواهر<sup>۳</sup>

مؤلف عزیز می‌فرمایند؛ در احادیث آمده «پسر خواهر به منزله خواهر است» (مفرد)، نه اینکه «تمام فرزندان خواهر به منزله یک خواهر باشد».

- بیان و استدلال مؤلف در حدیث یا آیه به اختصار

در کتب اربعه در احادیث وارد شده است که؛ «كُلُّ ذِي رَحِمٍ بِمَنْزِلَةِ الرَّحِمِ الَّذِي يُجَرُّ بِهِ...» (هر صاحب رحمی به منزله همان رحمی است که به واسطه آن به میت متصل می‌شود).

- چنانکه در کافی و تهذیب از خزاز روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام فرمود؛

بدرستیکه هر ذی رحم بمنزله آن رحم است که به سوی آن کشیده میشود مگر اینکه یک وارث باشد که از او اقرب باشد بر میت که او را منع بکند از ارث بردن.<sup>۴</sup>

- و همچنین در قواعد الاسلام در حدیث ابوالایوب روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که؛

در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام است که (تا این که فرمود) و دختر برادر به منزله برادر است، و فرموده و هر ذی رحم به منزله آن رحم است که کشیده شود بر آن رحم... (تا آخر حدیث)<sup>۵</sup>

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۷ خط ۱۴ | کافی ج ۷ ص ۷۷ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۶۹ ح ۹۷۶  
(۵) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۸ ق ۲ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۵ ح ۱۱۷۰

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۵ م ۸۲  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۲ ق سوم  
(۳) اساس الاسلام از ص ۲۴۷ تا ۲۵۰

## • بیان و استدلال آقا؛

○ و در کتاب **قانون الاسلام** بعد از ذکر احادیث مربوطه بیان میفرماید که؛

👉 پس از این احادیث معلوم میشود که هر یکی از اولاد برادر و خواهر پدري و مادري بمنزله ی همان برادر و خواهر است ... (تا این که فرمودند) ... نه اینکه همه ایشان بمنزله ی یک برادر و یک خواهر میباشند ... (تا این که فرمودند) ... و این مسئله به اهل علم و فهم در غایت وضوح است اگر در مفاهیم احادیث مذکوره دقت و تأمل فرمایند و از تقلید اسلاف صرف نظر نمایند.<sup>۱</sup>

○ و در کتاب **قواعد الاسلام** بعد از ذکر احادیث مربوطه بیان میفرماید که؛

👉 در حدیث ابوالایوب دختر برادر را به منزله برادر قرار داده تا ظاهر گردد حکم پسر برادر و از پائین به بالا ترقی می شود و قتیکه دختر به منزله برادر شد، پسر پسر اولی به منزله برادر خواهد شد، و از این دو حدیث که دختر برادر و پسر برادر به منزله برادر است ظاهر می شود که چنانکه برادر و خواهران پدري در میان ایشان ارث را با تفاوت قسمت می کنند پس اولاد برادر و خواهر پدري نیز باید در بین خودشان مثل پدران خودشان تقسیم نمایند.<sup>۲</sup>

👉 و اما حکم قسمت کردن مال میت در میان اولاد برادر در میان ذکور و اناث آنها، پس ظاهر احادیث تنزیل این است که هر یکی از اولاد ذکور و اناث برادر حکم برادر دارد زیرا که دختر برادر را صاحب شرع برادر قرار داده تا چه رسد بر پسر او، و قتیکه دختر برادر میت برادر شد در حکم ارث بردن پس دختر برادر با برادر خود با مساوات قسمت می کنند نه با تفاوت، و همچنین است اولاد خواهر میت که همه آنها خواهند به میت و خواهران مساوی قسمت می کنند یعنی پسر خواهر با دختر خواهر با مساوات می شوند، زیرا که هر دو دخترند با حکم تنزیل، پس بنابراین احادیث منزله اگر از خواهر میت ده نفر و یا زیاده تر اولاد ذکور و اناث بوده باشند پس میت ده نفر خواهر دارد، و ارث آنها دو ثلث است در بین ذکور و اناث آنها مساوی است، و اگر اولاد برادر یک نفر شد پس او ارث یک برادر را می برد، و اگر پنج دختر داشته باشد پس آنها جای پنج برادران است.<sup>۳</sup>

(۳) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۹ خط ۱

(۱) بیان مولف در قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۸ خط ۴

(۲) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۸ خط ۱۶

○ و در کتاب اساس الاسلام بعد از ذکر احادیث مربوطه بیان می‌فرماید که؛

👉 و از این احادیث معلوم می‌شود که پسر و دختر برادر و خواهر به منزله برادر و خواهر است در ذکور بودن دختر برادر و اناث بودن پسر خواهر ... (تا این که فرمودند) ... نه این که همه اولاد برادر به منزله یک برادر باشد و همه اولاد خواهر به منزله یک نفر خواهر شود چنانکه بعضی علماء ذکر فرموده زیرا که در احادیث سابقه بیان فرموده‌اند که دختر برادر به منزله برادر است و پسر خواهر به منزله خواهر است و فرمودند که همه اولاد برادر و خواهر به منزله یک برادر و یک خواهر است و بلکه ضد این را فرمودند که هر صاحب رحم به منزله آن رحم است که به سبب آن رحم کشیده و منسوب است بر میت...<sup>۱</sup>

## ۸. تعمیم حکم «عَزْقَى» به تمام مرگ‌های همزمان (ردّ انحصار به آب و آوار)

اگر دو نفر از خویشاوندان با هم بمیرند و مشخص نباشد کدام زودتر فوت کرده (تا از دیگری ارث ببرد)، قانون اسلام می‌گوید آن‌ها از اصل مال یکدیگر متقابلاً ارث می‌برند. برخی علما این قانون را فقط مخصوص غرق شدن یا زیر آوار ماندن (هدم) می‌دانند، اما عالم بزرگوار سید حسین موسوی عرب‌باغی رحمت الله علیه با رد این نگاه، آن را یک قاعده کلی برای «هر مرگ همزمان و ناگهانی» می‌داند.

### • منبع و مستندات مؤلف؛

#### • در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)

○ این حکم در « ماده ی هشتاد و ششم ارث کسانی که بعد از فوت سابق و لاحق آن ها معلوم نمی‌شود » است.<sup>۲</sup>

#### • در کتاب اساس الاسلام

○ در خصوص ارث کسانی که غرق شده‌اند و یا در زیر سقف و دیوار مانده‌اند و یا ....<sup>۳</sup>

مؤلف فقیه و عزیز انحصار این حکم به تصادفات خاص را خلاف عقل و شرع می‌داند و معتقدند ذکر غرق شدن در حدیث، فقط بیان یک مصداق بوده است نه تمام موضوع، یعنی فقط حکم غرق شدن را صدق نمی‌کند و در موت فرق نیست در میان غرق و حریق و هدم و موت وباء و طاعون و قتل و غیر ذلک.

(۳) اساس الاسلام از ص ۲۵۵ تا ۲۵۶

(۱) بیان مؤلف در اساس الاسلام ص ۲۴۹ خط ۸

(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۰ م ۸۶

### • بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه به اختصار

- در «فقیه و تهذیب از ابن قیس از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده اند ؛ که حضرت امیرالمومنین علیه السلام حکم فرموده در خصوص زن و شوهری که در زیر سقف مانده و فوت شده اند و معلوم نشده اند که کدام یک از آن‌ها قبل از دیگری وفات کرده ؟
- حضرت فرمود ؛ هر یک از آن‌ها از دیگری ارث می‌برد و بعد از آن که از هم دیگر ارثیه‌ی آن‌ها معلوم شد پس به ورثه‌ی آن‌ها می‌رسد.<sup>۱</sup>
- در «کافی» و «تهذیب» از ابن حجاج روایت کرده اند که گفت عرض کردم به حضرت صادق علیه السلام ؛
- زوج و زوجه در زیر سقف مانده و مردند؟
- حضرت فرمود ؛ زوج از زوجه‌ی خود ارث می‌برد و زوجه از زوج خودش وارث می‌شود از اصل مال هم دیگر.
- گفتم ؛ در این مسئله ابوحنیفه چیزی داخل کرده؛
- حضرت فرمود ؛ چه گفته؟
- عرض کردم ؛ در دو نفر برادر عجمی که وارث ندارند مگر مولای ایشان و از برای یکی صد هزار درهم ارث بوده و برای دیگری نبوده و هر دو با هم سوار کشتی شده غرق گشتند و آن صد هزار درهم به دست آمد. ابوحنیفه می‌گوید ؛ آن دراهم مال آن برادر است که بی چیز بوده و بعد از آن به مولای او می‌رسد و به مولای صاحب دراهم چیزی از آن نمی‌رسد.
- آن حضرت فرمود ؛ در نظر تو چیز بدی گفته، لکن راست گفته و حکم این مسأله همان است که گفته.
- بعد فرمود ؛ آن دراهم داده می‌شود به مولای آن که چیزی نداشته و از برای مولای صاحب دراهم چیزی داده نمی‌شود.<sup>۲</sup>

(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۰ م ۸۶ ح ۳ | کافی ج ۷ ص ۱۳۷ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۶۰ ح ۱۲۸۷ | وسائل الشیعه ج ۲۶ ص ۳۰۹ ح ۳۳۰۵۹

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۰ م ۸۶ ح ۱ | فقیه ج ۴ ص ۳۰۷ ح ۵۶۵۸ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۹ ح ۱۲۸۳ | وسائل الشیعه ج ۲۶ ص ۳۰۸ ح ۳۳۰۵۴

## • بیان و استدلال آقا؛

👉 و در این حدیث (حدیث ابن حجاج)، اول مسئله ی هدم را گفته و بعد از آن مسئله ی غرق را بیان کرده و در جواب هر دو فرموده که اموات فوت شده با هدم و غرق هر دو از یکدیگر ارث می‌برند و از این حدیث و از حدیث سابق ظاهر می‌شود که ارث بردن اموات از یکدیگر اختصاص به مورد هدم و غرق ندارد و بلکه مقصود رفع اشتباه است از این که وراثت از حق خود محروم نگردد و غیر وارث هم به ناحق ارث نبرد ... (تا این که بیان فرمودند) ... و بعضی از علما فرموده که این احادیث اختصاص دارد به مورد هدم و غرق که محل ورود نص حدیث است و این قول ضعیف است و به اتفاق علمای اعلام و فقهای اسلام بدون نقض و ابرام در این مرام ... (تا این که بیان فرمودند) ... و علی‌هذا مورد غریق و مهدوم علیه اختصاص به کشتی و سقف و پایه ی دیوار و انهار ندارد بلکه در مطلق آب و گل و خاک و ریک و آتش و چاه و وبا و طاعون و غیر ذلک همین که دو نفر فوت شدند و مقدم و مؤخر ایشان در موت معلوم نگردید حکم احادیث مذکوره در حق آن‌ها جاری و واقع است.<sup>۱</sup>

👉 و اما ارث کسانی که غرق شده‌اند و یا در زیر سقف و دیوار مانده‌اند پس معلوم نشده که کدام یکی از وراثت اول فوت شده و در این فرض از هم دیگر ارث می‌برند ... (بعد از ذکر احادیث مربوطه و بیانات تا این که بیان فرمودند) ... و هم‌چنین در موت فرق نیست در میان غرق و حریق و هدم و موت و بقاء و طاعون و قتل و غیر ذلک زیرا که مورد سؤال غرق و هدم شده نه این که حکم انحصار به آن دو مورد دارد چنانکه بعضی‌ها خیال کرده‌اند.<sup>۲</sup>

(۲) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۵۵ و ۲۵۶

(۱) بیان مولف در قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۱ و ۱۲۲

## فصل دوم؛ طبقات ارث و مقادیر سهام

### بخش اول؛ نقشه راه طبقات سه‌گانه (در یک نگاه)

در احکام فقهی ارث، ورثه نسبی (خونی) به سه طبقه اصلی تقسیم می‌شوند. بر اساس قاعده طلایی «الْأَقْرَبُ يَمْنَعُ الْأَبْعَدَ»، تا زمانی که حتی یک نفر از طبقه بالاتر زنده باشد، هیچ‌کس از طبقه پایین‌تر ارث نمی‌برد. (البته همسر دائمی میت، در کنار تمام این طبقات ارث خود را می‌برد).

#### ۱. طبقه اول؛

○ پدر، مادر، و فرزندان میت (و در صورت نبودِ فرزند، نوادگانِ میت جای آن‌ها می‌نشینند).

#### ۲. طبقه دوم؛

○ پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها، برادران و خواهران میت (و در صورت نبودِ برادر و خواهر، برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها جای آن‌ها می‌نشینند).

#### ۳. طبقه سوم؛

○ عموها، عمه‌ها، دایی‌ها و خاله‌های میت (و در صورت نبودِ آن‌ها، فرزندان‌شان جای آن‌ها می‌نشینند).

### بخش دوم؛ جدول جامع انواع سهام شرعی (فرائض) و مستحقین آن‌ها

#### قاعده کلی فرائض الهی؛

پیش از بررسی مقادیر ارث، باید دانست که سهم بُرَدَنِ ورثه در قرآن کریم بر دو گونه است؛ «به فَرَضٍ» و «به قَرَابَتٍ».

#### • سهم بَرَانِ فَرَضٍ (ذَوَى الْفُرُوضِ)؛

○ کسانی هستند که خداوند متعال در قرآن سهم آن‌ها را با یک کسرِ ریاضی دقیق و ثابت (مثل ۱/۲، ۱/۴، ۱/۶ و...) مشخص فرموده است. این سهام شش‌گانه، پایه‌ی محاسباتِ ارث هستند.

• سهم بران قرابت (خویشاوندی)؛

○ کسانی هستند که سهم ریاضی ثابتی در قرآن ندارند، بلکه به واسطه‌ی نزدیکی خونی به میت، هرآنچه از سهام ثابت (فریضه‌ها) باقی بماند را طلب می‌کنند.

عالم ربانی سید حسین موسوی عرب‌باغی رحمت الله علیه با تکیه بر آیات و روایات تأکید می‌فرمایند که اشتباه بزرگ پیروان «عول و تعصیب» این بود که فرق میان این دو گروه را ندانستند؛ و گمان کردند که فریضه‌ها (سهم‌های ثابت) قابل تغییر، کم شدن یا زیاد شدن هستند. در حالی که فریضه‌ی الهی هرگز تغییر نمی‌کند و هرگونه نقصان یا اضافه‌ای در مال، فقط و فقط به صاحبان «قرابت» برمی‌گردد.

جدول، شش سهم ثابت قرآنی؛

جدول زیر، خلاصه‌ای از تمام کسانی است که از این شش سهم ثابت قرآنی (فرایض) بهره‌مند می‌شوند؛

نام سهم	وارثین و شرایط استحقاق (چه کسانی این سهم را می‌برند؟)
۱ نصف (۱/۲) (یک‌دوم)	۱. شوهر (زوج)؛ در صورتی که همسرش (میت) هیچ اولاد و نواده‌ای نداشته باشد. ۲. یک دختر به تنهایی؛ در صورتی که میت پسر نداشته باشد (نصف دیگر هم به عنوان رد به او برمی‌گردد). ۳. یک خواهر پدري؛ در صورتی که میت اولاد و پدر و مادر و برادر نداشته باشد.
۲ رُبْع (۱/۴) (یک‌چهارم)	۱. شوهر (زوج)؛ در صورتی که همسرش (میت) اولاد یا نواده داشته باشد. ۲. زن (زوجه - یک یا چند نفر)؛ در صورتی که شوهرش (میت) هیچ اولاد و نواده‌ای نداشته باشد.

<p>۱. زن (زوجه - یک یا چند نفر)؛ در صورتی که شوهرش (میت) اولاد یا نواده داشته باشد. (نکته؛ اگر مرد ۴ زن هم داشته باشد، همه در همین یک‌هشتم شریکند).</p>	<p>ثُمَّن (۱/۸) (یک‌هشتم)</p>	<p>۳</p>
<p>۱. دو دختر یا بیشتر؛ در صورتی که میت اصلاً پسر نداشته باشد. ۲. دو خواهر پدري یا بیشتر؛ در صورتی که میت اولاد و والدین و برادر نداشته باشد. ۳. پدر میت؛ در صورتی که میت فرزند و نواده نداشته باشد و وارث فقط پدر و مادر باشند (مادر ۱/۳ و پدر ۲/۳ می‌برد). ۴. سمت پدري (در طبقات دوم و سوم)؛ مانند جد پدري (در تقابل با جد مادری) و یا عمو و عمه (در تقابل با دایی و خاله)، که دوسوم مال به خویشان سمت پدري می‌رسد.</p>	<p>ثُلثَان (۲/۳) (دوسوم)</p>	<p>۴</p>
<p>۱. مادر؛ در صورتی که میت فرزند و نواده نداشته باشد و برادر/خواهر (حاجب) هم نداشته باشد. ۲. برادران و خواهران مادری (دو نفر یا بیشتر)؛ در صورتی که میت اولاد و والدین نداشته باشد، این افراد در یک‌سوم مال به طور مساوی شریکند. ۳. سمت مادری (در طبقات دوم و سوم)؛ مانند جد/جده مادری (در تقابل با اجداد پدري) و یا دایی و خاله (در تقابل با عمو و عمه)، که یک‌سوم مال به خویشان سمت مادری می‌رسد.</p>	<p>ثُلُث (۱/۳) (یک‌سوم)</p>	<p>۵</p>
<p>۱. پدر؛ در صورتی که میت فرزند (ذکور) داشته باشد. ۲. مادر؛ در دو حالت؛ الف) میت فرزند داشته باشد. ب) میت فرزند نداشته باشد اما برادر/خواهر (حاجب) داشته باشد. ۳. یک برادر یا یک خواهر مادری؛ در صورتی که میت اولاد و والدین نداشته باشد و از طرف مادر فقط یک برادر یا خواهر داشته باشد. ۴. پدربزرگ و مادربزرگ (به عنوان طُعْمَه)؛ در زمان حیات والدین میت، مستحب است از سهم والدین یک‌ششم به اجداد به عنوان هدیه داده شود.</p>	<p>سُدُس (۱/۶) (یک‌ششم)</p>	<p>۶</p>
<p>۱. هر تک وارثی از طبقه اول؛ (فقط یک پسر، فقط یک دختر، فقط پدر، یا فقط مادر) اگر تنها باشند، تمام مال را می‌برند و دیگران محرومند. ۲. شوهر (زوج)؛ در صورتی که همسرش فوت کند و هیچ وارث خونی (نسبی) در هیچ‌یک از طبقات نداشته باشد، شوهر تمام مال زن را می‌برد. ۳. هر تک وارث از طبقات دیگر؛ در صورت نبودن طبقات بالاتر، اگر وارث منحصر به یک برادر، یک عمو، یا یک جد باشد، تمام مال به او می‌رسد.</p>	<p>تَمَام تَرَكَة (كُلُّ الْمَالِ)</p>	<p>۷</p>

## طبقه اول؛ جدول جامع سهام طبقه اول (پدر، مادر، اولاد و نوادگان)

بخش اول ؛ قاعده کلی ورود به طبقه اول (مستحکم‌ترین دژ ارث)؛

○ شامل «پدر، مادر، و فرزندان میت (و نوادگان در صورت نبود فرزند)» است. این طبقه مستحکم‌ترین حلقه‌ی خویشاوندی است. قاعده بنیادین این طبقه — که مرحوم سید عرب‌باغی رحمت الله علیه در تمام استدلال‌های خود بر آن پافشاری می‌کنند — این است که؛ «تا زمانی که حتی یک نفر از اعضای این طبقه زنده باشد (چه پدر باشد، چه مادر، چه پسر، چه دختر، و چه حتی یک نواده از آن‌ها)، ارث هرگز از این حلقه خارج نمی‌شود و تمام خویشاوندان طبقات بعدی (مثل برادر، خواهر، عمو، دایی و...) از ارث کاملاً محروم (مَحْجُوب) خواهند بود.»

## بخش دوم ؛ جدول جامع سهام طبقه اول ؛

جدول زیر تمامی حالت‌های ممکن تقسیم ارث در میان اعضای این طبقه را بر اساس قواعد دقیق فقه اصیل و ابطال انحرافات، نشان می‌دهد؛

وارث	مقدار سهم و قسمت	شرایط و زمان استحقاق
پدر و مادر (با هم در کنار فرزند)	سهم شرعی؛ پدر؛ یک‌ششم (۱/۶) مادر؛ یک‌ششم (۱/۶) تعداد قسمت؛ ترکه حداقل ۶ قسمت می‌شود (پدر ۱ قسمت، مادر ۱ قسمت، و باقیمانده برای فرزندان است).	سهم پایه و ثابت (فریضه) در صورتی که میت فرزند (یا نوه) داشته باشد.
۱	در کتاب <b>قانون الاسلام</b> ؛ «وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ. یعنی؛ از برای هر یکی از پدر و مادر میت شش یک است از ترکه ی میت اگر میت اولاد داشته باشد.» <sup>۱</sup> در کتاب <b>قواعد الاسلام</b> ؛ در حدیث سالم از امام باقر <small>علیه السلام</small> که فرمودند؛ «خداوند داخل کرده والدین را بر جمیع اهل میراث و آنها را ناقص نکرده از سدس... (تا آخر)» <sup>۲</sup> در کتاب <b>اساس الاسلام</b> ؛ «وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدُسُ... یعنی از برای پدر و مادر میت از برای هر یکی در صورت جمع شدن شش یک است از آن‌چه میت ترکه گذاشته هرگاه از او اولاد باشد.» <sup>۳</sup>	

(۳) اساس الاسلام ص ۲۳۸ خط ۸ | سوره نساء آیه

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۵ خط ۹ | سوره نساء آیه

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۲۷ ق ۵ ح ۱ | کافی ج ۷

ص ۸۲ ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۲۵۰ ح ۹۶۶

<p>در صورتی که میت فرزند و نوه نداشته باشد و برادر/خواهر (حاجب) هم نداشته باشد. در این حالت پدر دو برابر مادر ارث می‌برد.</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> مادر؛ یک سوم (۱/۳) پدر؛ باقیمانده مال (۲/۳) تعداد قسمت؛ ترکه ۳ قسمت می‌شود (مادر ۱ قسمت، پدر ۲ قسمت).</p>	<p>پدر و مادر (میت فرزند ندارد، حاجب هم ندارد)</p>	۲
<p>در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ آیه «فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَ وَّرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلَأُمُّهُ التَّلُّثُ... یعنی؛ اگر میت اولاد و نواده نداشته باشد و ورثه او منحصر باشد به پدر و مادرش، پس از برای مادر او یک ثلث از ترکه ی او است و دو ثلث دیگر (باقیمانده) حق پدر او است.»<sup>۱</sup></p> <p>در کتاب <b>قواعد الاسلام</b>؛ در حدیث ابو بصیر از امام صادق <small>علیه السلام</small> که عرض کردم؛ «کسی پدر و مادر خود را ترک کرده؟ فرمود؛ ترکه ی او از سه سهم است برای مادرش یکی و برای پدرش دو تا»<sup>۲</sup></p> <p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ در بیان مولف؛ «اگر اولاد نداشته باشد و وارث میت منحصر شود بر پدر و مادرش پس یک ثلث مال مادرش است و باقی حق پدر است.»<sup>۳</sup></p>			
<p>میت فرزند ندارد، اما حضور دو برادر و یا چهار خواهر پدری (به عنوان حاجب) سهم مادر را از ۱/۳ به ۱/۶ کاهش می‌دهد و مابقی تماماً به پدر می‌رسد.</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> مادر؛ یک ششم (۱/۶) پدر؛ باقیمانده مال (۵/۶) تعداد قسمت؛ ترکه ۶ قسمت می‌شود (مادر ۱ قسمت، پدر ۵ قسمت).</p>	<p>پدر و مادر (میت فرزند ندارد، اما حاجب دارد)</p>	۳
<p>در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ آیه «فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلَأُمُّهُ الشُّدُسُ» یعنی؛ اگر از برای میت دو نفر برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر باشد پس از برای مادر آن میت از شش یک است» ... (و همچنین مولف بعد از ذکر احادیث فرمود) ... و از برای پدر پنج سهم است.»<sup>۴</sup></p> <p>در کتاب <b>قواعد الاسلام</b>؛ حدیث ابوالعباس از امام صادق <small>علیه السلام</small> به اختصار؛ «زمانی که میت ترک کند دو برادر خود را پس آن دو برادر اخوه اند و مادر را منع می‌کنند از بردن ثلث ... (تا این که فرمود) ... و زمانی که خواهران میت چهار نفر شدند پس آن‌ها نیز منع می‌کنند مادر را از ثلث، زیرا که آن چهار خواهر بمنزله دو برادرند ... (و مولف بیان فرمودند که) ... پس وجود آن‌ها مانع است از ثلث بردن مادر و بلکه حق مادر در این شش یک است.»<sup>۵</sup></p> <p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ پس اگر از برای میت دو نفر برادر باشد در این فرض از برای مادرش شش یک است و در حکم دو برادر است چهار نفر خواهر و یا یک برادر و دو نفر خواهر، و در صورت بودن برادران و خواهران از برای میت مادرش شش یک می‌برد و پنج سهم برای پدرش می‌باشد...<sup>۶</sup></p>			

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۴ م ۷۸ خط ۱۶ و ص ۹۵

خط ۱ | سوره ی نساء آیه ی ۱۰

(۵) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۵۷ ق ۹ ح ۱ خط ۲ و

بیان مولف آن در ص ۱۵۶ خط ۱۶ | تهذیب ج ۹ ص

۲۸۱ ح ۱۰۱۵

(۶) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۳۸ خط ۱۳

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۴ م ۷۸ خط ۱۳ | سوره

ی نساء آیه ی ۱۰

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۵۶ ق ۹ خط ۳ | کافی

ج ۷ ص ۹۱ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۰ ح ۹۷۹

(۳) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۳۸ خط ۱۱

<p>در صورتی که میت پسر نداشته باشد و فقط یک دختر داشته باشد. ۱/۲ را به عنوان فرض، و ۱/۲ باقیمانده را به عنوان رد می‌برد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> دختر؛ نصف (۱/۲) به عنوان فرض + نصف باقیمانده به عنوان رد. <b>تعداد قسمت؛</b> تمام مال (ترکه ۲ قسمت شده و هر ۲ قسمت به او می‌رسد).</p>	<p><b>یک دختر به تنهایی</b></p>	
<p>۴ در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ در آیه شریفه؛ «وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ» اگر ورثه منحصر شود به یک دختر برای او نصف ترکه است.<sup>۱</sup> در کتاب <b>قواعد الاسلام</b>؛ در حدیث بن محرز از امام صادق <small>علیه السلام</small> به اختصار؛ «گفتم؛ کسی مرده ... و یک دختر دارد؟ ... (بعد از فرمایشاتی در مورد تقیه) ... حضرت فرمود؛ همه مال میت را بده به دختر او.»<sup>۲</sup> در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ «و اگر وارث منحصر باشد به یک دختر جمیع ترکه از او است و لکن نصف آن از بابت قرار داد آیه شریفه و نصف دیگر از بابت رد.»<sup>۳</sup></p>			
<p>در صورتی که میت چند دختر داشته باشد اما اصلاً پسر نداشته باشد. ۲/۳ را به عنوان فرض، و ۱/۳ باقیمانده را به عنوان رد می‌برند.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> دختران؛ دوسوم (۲/۳) به عنوان فرض + یک سوم باقیمانده به عنوان رد. <b>تعداد قسمت؛</b> تمام مال (ترکه ۳ قسمت شده و هر ۳ قسمت به آن‌ها می‌رسد).</p>	<p><b>چند دختر</b></p>	
<p>۵ در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ در آیه شریفه؛ «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ...» منحصر شود ورثه به دو نفر دختر یا زیاده از دختران او پس از برای آنها دو ثلث از ترکه است.<sup>۴</sup> در کتاب <b>قواعد الاسلام</b>؛ در حدیث عبدالله بن عتبّه «و از برای زیاده بر یک نفر دو ثلث است.»<sup>۵</sup> در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ «و اگر دختر از یک نفر زیاده شود دو ثلث ترکه مال ایشان است به قرار داد آیه و یک ثلث دیگر از جهت رد کردن که غیر از فرض است.»<sup>۶</sup></p>			

(۴) سوره نساء آیه ۱۱ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۶  
خط ۱ و ۴

(۵) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۲۹ خط ۱۶ | کافی ج ۷  
ص ۷۹ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۲۴۸ ح ۹۶۳ | فقیه  
ج ۴ ص ۲۵۵ ح ۵۶۰۲

(۶) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۱ خط ۱۶

(۱) سوره نساء آیه ۱۱ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۶ م  
۷۹ خط ۱

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۱ ق ۴ ح ۳ | کافی ج  
۷ ص ۸۶ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۷ ح ۱۰۰۴

(۳) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۱ خط ۱۴

<p>پسران فریضه (سهام ثابت) ندارند. بر اساس قرابت، تمام مال حق آنهاست.</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> پسران؛ تمام ترکه (فریضه ثابت ندارند، بر اساس قرابت می‌برند). <b>تعداد قسمت؛</b> تمام مال به تعداد پسران به تساوی قسمت می‌شود.</p>	<p>فقط پسر (یک یا چند پسر) (بدون دختر)</p>	<p>۶</p>
<p>در کتاب اساس الاسلام؛ «و اگر شخصی فوت شود و از برای او پدر و یا مادر و یا پسر و یا دختر، تنها باشد پس جمیع ترکه میت مال او است.»<sup>۱</sup></p>			
<p>در صورتی که میت هم پسر داشته باشد و هم دختر.</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> پسر دو برابر دختر <b>تعداد قسمت؛</b> ترکه بر اساس (هر پسر ۲ قسمت، هر دختر ۱ قسمت) تقسیم می‌شود.</p>	<p>پسران و دختران (با وجود هم)</p>	<p>۷</p>
<p>در کتاب قانون الاسلام؛ در آیه شریفه؛ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ...» یعنی؛ خداوند در خصوص ارث اولاد شما سفارش می‌فرماید که از ترکه ی پدر و مادر دو سهم از برای پسر و یک سهم از برای دختر بوده باشد...<sup>۲</sup></p> <p>در کتاب قواعد الاسلام؛ در حدیث مومن طاق؛ «تا این که امام جعفر صادق علیه السلام در آخر حدیث بعد از علت سهم فرمود... پس از این جهت دختر میت یک سهم و پسر او دو سهم می‌برد.»<sup>۳</sup></p> <p>در کتاب اساس الاسلام؛ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ...» یعنی خداوند تعالی در خصوص ارث اولاد به شما وصیت فرموده که از برای پسر دو مقابل دختر است و دختر یک سهم می‌برد و پسر دو سهم.»<sup>۴</sup></p>			

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۸ خط آخر ق ۲ | کافی ج ۷ ص ۸۵ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۵ ح ۹۹۳  
(۴) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۳۸ خط ۶

(۱) اساس الاسلام ص ۲۳۸ خط آخر  
(۲) سوره نساء آیه ۱۱ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۵ و ۹۶ م ۷۹

<p>در صورتی که میت فرزند بی‌واسطه (صلبی) نداشته باشد (یعنی میت فقط نوه دارد)</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> نوه پسر (هرچند از دختر میت)؛ ۲ سهم نوه دختر (هرچند از پسر میت)؛ ۱ سهم <b>تعداد قسمت؛</b> بر اساس نسبت ذکور و اناث نوادگان قسمت می‌شود.</p>	<p><b>نوادگان (فرزند پسر یا فرزند دختر)</b></p>		
<p>در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ بیان مولف در ذیل آیات شریفه؛ « پس بنا به صراحت آیات سابقه ... اگر از پسر میت یک دختر باشد و از دختر میت یک پسر بماند (یعنی نوه ی دختر از پسر میت و نوه ی پسر از دختر میت) پس دو سهم مال همین پسری است که از دختر زاده و یک سهم حق دختری است که از پسرش مانده از جهت حکم « لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ »...»<sup>۱</sup></p> <p>در کتاب <b>قواعد الاسلام</b>؛ بیان مولف در ذیل آیات و احادیث؛ «پس پسر دختر شخص دو سهم و دختر پسر او یک سهم خواهد برد، نه اینکه هر کدام از نواده ها سهم پدر و مادر خود را ارث ببرند زیرا که نواده ها از پدر و مادر خودشان ارث نمی‌برند و بلکه از پدر بزرگ خودشان ارث می‌برند.»<sup>۲</sup></p> <p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ بیان مولف؛ «نواده‌ها قائم مقام پدران و مادران خودشان می‌شوند ... اگر نواده پسر دختر شود و نواده دختر پسر باشد دو سهم مال جد و جده ارث پسر دختر است و یک سهم ارث دختر پسر است.»<sup>۳</sup></p>				<p>۸</p>
<p>میت فقط یک وارث طبقه اول داشته باشد. یعنی (یا فقط پدر، و یا فقط مادر، و یا فقط یک پسر، و یا فقط یک دختر) دارد. تمام مال بدون کسر شدن به همان یک نفر می‌رسد و فامیل‌های دورتر محروم‌اند.</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> تمام ترکه (كُلُّ الْمَالِ) <b>تعداد قسمت؛</b> ترکه ۱ قسمت می‌شود.</p>	<p><b>تک وارث (انحصار وراثت)</b></p>		
<p>در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ (مستفاد از عمومیت ماده ۷۸ و ۷۹ در عدم وجود وارثین دیگر).<sup>۴</sup></p> <p>در کتاب <b>قواعد الاسلام</b>؛ در حدیث سلمة بن محرز از امام صادق <small>علیه السلام</small> به اختصار «گفتم؛ کسی مرده ... و یک دختر دارد؟ ... (بعد از فرمایشاتی در مورد تقیه) ... حضرت فرمود؛ همه مال میت را بده به دختر او.»<sup>۵</sup></p> <p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ بیان مولف؛ «و اگر در طبقه اول که حق اولاد و پدر و مادر است وارث منحصر شود به یک پسر جمیع ترکه مال او است و همچنین پدر و مادر در فرض انحصار.»<sup>۶</sup></p>				<p>۹</p>

(۴) قانون الاسلام ج ۱ م ۷۸ و ۷۹ ص ۹۴ و ۹۵  
(۵) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۱ ق ۴ ح ۳ | کافی ج ۷ ص ۸۶ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۷ ح ۱۰۰۴  
(۶) اساس الاسلام ص ۲۴۱ خط ۱۳

(۱) بیان مولف، ذیل آیات شریفه در قانون الاسلام ج ۱ م ۸۱ ص ۱۰۳ پاراگراف اول  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ق ۸ ص ۱۵۲ خط ۷  
(۳) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۳۹ خط ۴ و خط ۱۹

<p>چون میت پسر دارد، پدر و مادر فریضه ثابت خود (سُدس) را می‌برند و تمام مابقی ترکه بر اساس «قربان» به پسر (یا بین پسران) می‌رسد.</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> پدر؛ یک‌ششم (۱/۶) مادر؛ یک‌ششم (۱/۶) پسران؛ باقیمانده مال (۴/۶) <b>تعداد قسمت؛</b> ترکه ۶ قسمت می‌شود (پدر ۱، مادر ۱، پسران ۴ قسمت).</p>	<p><b>پدر + مادر + پسر (یا چند پسر)</b></p>	۱۰
<p>در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ «وَّ لِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدُّسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَوَلَدٌ» یعنی؛ از برای هر یکی از پدر و مادر میت شش یک است از ترکه ی میت اگر میت اولاد داشته باشد.<sup>۱</sup> در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ در بیان مولف ذیل آیه شریفه؛ «از برای پدر و مادر میت از برای هر یکی در صورت جمع شدن (یعنی با وجود پسر) شش یک است...»<sup>۲</sup></p>			
<p>اگر میت دو برادر (یا چهار خواهر) داشته باشد برادران میت برای مادر مثل یک پرده عمل میکنند و حاجب مادر میشوند. برادران میت ارث نمی‌برند، اما باعث می‌شوند سهم مادر روی همان (۱/۶) قفل شود و از پول اضافه‌ای که دوباره «رد» میشود، محروم گردد. پول اضافه فقط بین «پدر و دختر» تقسیم می‌شود.</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> مادر؛ یک‌ششم (۱/۶) قفل شده پدر؛ یک‌ششم (۱/۶) + تمام سهم از ردّ دختر؛ نصف (۱/۲) + تمام سهم از ردّ <b>تعداد قسمت؛</b> مادر همان ۱/۶ را می‌برد و باقیمانده مال همان رد فقط بین پدر و دختر ۴ قسمت می‌شود (پدر ۱ قسمت، دختر ۳ قسمت).</p>	<p><b>پدر + مادر + یک دختر (با وجود حاجب برای مادر)</b></p>	۱۱
<p>در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ آیه شریفه در خصوص وجود حاجب برای مادر و سهم آن؛ «فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمَّهِ الشُّدُّسُ» یعنی؛ اگر از برای میت دو نفر برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر باشد پس از برای مادر آن میت از شش یک است»<sup>۳</sup> در کتاب <b>قواعد الاسلام</b>؛ حدیث ابوالعباس به اختصار؛ «زمانی که میت ترک کند دو برادر خود را پس آن دو برادر اخوه اند و مادر را منع می‌کنند از بردن ثلث ... (تا این که فرمود) ... و زمانی که خواهران میت چهار نفر شدند پس آن‌ها نیز منع می‌کنند مادر را از ثلث، زیرا که آن چهار خواهر بمنزله دو برادرند ... (و مولف بیان فرمودند که) ... پس وجود آن‌ها مانع است از ثلث بردن مادر و بلکه حق مادر در این شش یک است.»<sup>۴</sup> در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ پس اگر از برای میت دو نفر برادر باشد در این فرض از برای مادرش شش یک است و در حکم دو برادر است چهار نفر خواهر و یا یک برادر و دو نفر خواهر، (پس) در صورت بودن برادران و خواهران از برای میت مادرش شش یک می‌برد و پنج سهم برای پدرش می‌باشد...<sup>۵</sup></p>			

(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۵۷ ح ۱ از ق ۹ و بیان مولف در ص ۱۵۶ خط ۱۶ | کافی ج ۷ ص ۹۲ ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۲۸۱ ح ۱۰۵  
(۵) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۳۸ خط ۱۳

(۱) سوره نساء آیه ۱۱ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۵ خط ۹  
(۲) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۳۸ خط ۸  
(۳) سوره نساء آیه ۱۱ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۴ م ۷۸ خط ۱۶ و ص ۹۵ خط ۱

<p>اگر وارث فقط همین سه نفر باشند و حاجبی برای مادر نباشد. در این حالت سهم ثابت آن‌ها کمتر از کل مال است و پول اضافه‌ای که قرار است دوباره بینشان «رد» شود، به نسبت سهام بین هر سه تقسیم می‌شود.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b>          پدر؛ یک‌ششم (۱/۶) + سهم از ردّ          مادر؛ یک‌ششم (۱/۶) + سهم از ردّ          دختر؛ نصف (۱/۲) + سهم از ردّ  <b>تعداد قسمت؛</b>          ترکه ۵ قسمت می‌شود (پدر ۱، مادر ۱، دختر ۳ قسمت).</p>	<p><b>پدر + مادر + یک دختر (بدون وجود حاجب)</b></p>
<p>۱۲ در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ در حدیث ابن مسلم از امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>؛ «در آن جا دیدم که ورثه ی او پدر و مادرش هر دو با دخترش باشند در این فرض ترکه پنج سهم می‌شود یک سهم برای پدر میت و یکی به مادرش و سه سهم بر دخترش می‌رسد.»<sup>۱</sup></p> <p>در کتاب <b>قواعد الاسلام</b>؛ در حدیث محمد بن مسلم از امام محمد باقر <small>علیه السلام</small> «کسی پدر و مادر خود را با یک دخترش ترک کرده، پس از برای دختر نصف ترکه او است، و از برای هر یکی از پدر و مادر یک سدس است، و باقی می‌ماند یک سدس و آن را پنج قسمت می‌کنند، سه قسمت آن حق دختر و دو قسمت آن حق پدر و مادر است.»<sup>۲</sup></p> <p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ بیان مولف؛ «... و اگر از سهم پدر و مادر که یک سدس است برای هر یکی و از سهم یک دختر که نصف است ... چیزی زیادتر شد پس همان زیاده بر پدر و مادر و به دختران نسبت بر سهم ایشان رد خواهد شد و در این خصوص احادیث بسیار است.»<sup>۳</sup></p>		
<p>آن یک نفر از والدین سهم ثابت خود (سدس) را می‌برد و تمام پنج‌ششم باقیمانده به پسر (یا پسران) می‌رسد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b>          یک والد؛ یک‌ششم (۱/۶)          پسران؛ باقیمانده مال (۵/۶)  <b>تعداد قسمت؛</b>          ترکه ۶ قسمت می‌شود (یک والد ۱ قسمت، پسران ۵ قسمت).</p>	<p><b>یک والد + پسر (یا چند پسر)</b>   <b>یک والد یعنی (یا فقط پدر - یا فقط مادر)</b></p>
<p>۱۳ در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ در حدیث ابن مسلم حضرت باقر <small>علیه السلام</small> فرموده؛ «(تا این که فرمود) زیرا که او اگر پسر می‌شد باز برای او پنج سهم می‌شد، به علت این که پدر و مادر از برای هر یک از یک سدس کم تر نمی‌شود ... (تا آخر حدیث)»<sup>۴</sup></p> <p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ «از برای پدر و مادر میت از برای هر یکی در صورت جمع شدن شش یک است از آن چه میت ترکه گذاشته هرگاه از او اولاد باشد ...»<sup>۵</sup></p>		

(۳) اساس الاسلام ص ۲۴۲ خط ۱۰

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ماده ۷۹ ص ۹۸ خط ۸ | کافی

ج ۷ ص ۹۶ ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۲۸۸ ح ۱۰۴۲

(۵) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۳۸ خط ۸

(۱) قانون الاسلام ج ۱ م ۷۸ ص ۹۵ خط ۱۹ | کافی ج

۷ ص ۹۳ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۰ ح ۹۸۲

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ق ۷ ص ۱۴۶ خط ۴ از آخر ا

کافی ج ۷ ص ۹۳ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۰ ح ۹۸۲

<p>اگر وارث فقط همین دو نفر باشند مادر و دختر میت (یا) پدر و دختر میت (ترکه به ۴ سهم تقسیم میشود).</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> یک والد؛ یک‌ششم (۱/۶) + سهم از ردّ دختر؛ نصف (۱/۲) + سهم از ردّ <b>تعداد قسمت؛</b> ترکه ۴ قسمت می‌شود (یک والد ۱ قسمت، دختر ۳ قسمت).</p>	<p>یک والد + یک دختر یک والد یعنی (یا فقط پدر - یا فقط مادر)</p>	
<p>۱۴</p> <p>در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ در حدیث ابن مسلم از حضرت باقر علیه السلام «اگر کسی بمیرد و ورثه ی او مادرش و یک دخترش باشد پس مال چهار سهم می شود و یک سهم آن حق مادرش و سه سهم آن ارث دخترش می شود و هم چنین بوده در وجود پدر میت با دختر او...»<sup>۱</sup></p> <p>در کتاب <b>قواعد الاسلام</b>؛ در حدیث ابن مسلم از حضرت باقر علیه السلام «کسی پدر و دختر خود را ترک کرد و از برای دختر او نصف مال او است سه سهم، و از برای پدرش یک سدس و مال او چهار قسمت می‌شود و سه قسمت آن حق دختر و یکی حق پدر است.»<sup>۲</sup></p> <p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ «... اگر با یک نفر دختر پدر و یا مادر بوده باشد یک سدس حق پدر و یا مادر است و باقی بعد از نصف ترکه رد می‌شود به دختر و پدر و یا به مادر به این نحو که یک سهم باقی را بر پدر و یا به مادر می‌دهند و سه سهم آن را به دختر رد می‌کنند مثلاً جمیع ترکه را چهار سهم می‌کنند و یک سهم به پدر و یا به مادر رد می‌کنند و سه سهم به دختر می‌دهند...»<sup>۳</sup></p>			
<p>چون سهم ثابت یک والد (۱/۶) و چند دختر (۴/۶) است که جمعاً ۵/۶ می‌شود. آن یک‌ششم باقیمانده، دوباره به نسبت سهام بین آنها «رد» می‌شود.</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> یک والد؛ یک‌ششم (۱/۶) + سهم از ردّ دختران؛ دوسوم (۲/۳) + سهم از ردّ <b>تعداد قسمت؛</b> ترکه ۵ قسمت می‌شود (یک والد ۱ قسمت، دختران ۴ قسمت).</p>	<p>یک والد + چند دختر یک والد یعنی (یا فقط پدر - یا فقط مادر)</p>	<p>۱۵</p>
<p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ «... و اگر دختر دو نفر و یا زیادتر باشد جمیع ترکه پنج سهم می‌شود یک سهم مال پدر و یا مادر است و چهار سهم مال دختران است...»<sup>۴</sup></p>			

(۳) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۱ خط آخر و ص ۲۴۲ خط ۱  
(۴) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۲ خط ۴

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ماده ۷۸ ص ۹۵ خط ۱۷ | کافی ج ۷ ص ۹۳ ج ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۰ ج ۹۸۲  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۶ ق ۷ خط ۱۹ | کافی ج ۷ ص ۹۳ ج ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۷۰ ج ۹۸۲

<p>در این حالت، سهم ثابت برای دو دختر (دوسوم) و پدر و مادر (هر کدام یک‌ششم)، دقیقاً کل مال را پوشش می‌دهد. چیزی اضافه نمی‌آید که «رد» شود و چیزی هم کم نمی‌آید که «نقصان» وارد شود.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> پدر؛ یک‌ششم (۱/۶) مادر؛ یک‌ششم (۱/۶) دختران؛ دوسوم (۲/۳) <b>تعداد قسمت؛</b> ترکیه ۶ قسمت می‌شود (پدر ۱، مادر ۱، دختران ۴ قسمت).</p>	<p><b>چند دختر + پدر + مادر</b></p>	<p>۱۶</p>
<p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ «و اگر پدر و مادر هر دو با دو نفر دختر جمع شوند پس در این فرض ترکیه شش سهم می‌شود دو سهم مال پدر و مادر است و چهار سهم مال دختران است و از برای هر یکی از پدر و مادر یک سدس و برای دختران دو ثلث است موافق آیه.»<sup>۱</sup></p>			
<p>در اینجا مال کم می‌آید (قاعده عول). مؤلف با قاطعیت می‌فرماید شوهر، پدر و مادر سهمشان را کامل می‌برند، اما «نقصان فقط بر دختر وارد می‌شود» و او به جای ۶ قسمت (نصف)، تنها ۵ قسمت می‌برد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> شوهر؛ یک‌چهارم (۱/۴) پدر؛ یک‌ششم (۱/۶) مادر؛ یک‌ششم (۱/۶) دختر؛ نصف (۱/۲) که نقصان می‌پذیرد. <b>تعداد قسمت؛</b> ترکیه ۱۲ قسمت می‌شود (شوهر ۳، پدر ۲، مادر ۲، دختر ۵ قسمت).</p>	<p><b>یک دختر + پدر + مادر + شوهر (زوج)</b></p>	<p>۱۷</p>
<p>در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ «زمانی که ناقص شد ترکیه از سهام پس نقص در نزد ما جماعت شیعه وارد می‌شود به دخترها و خواهرها...»<sup>۲</sup></p> <p>در کتاب <b>قواعد الاسلام</b>؛ در حدیث محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام «...در زنیکه مرده و زوج و پدر و مادر و یک دختر دارد؟ فرمود؛ از برای زوج یک ربع است که سه سهم از دوازده سهم است، و از برای پدر و مادر دو سدس است چهار سهم از دوازده سهم، پنج سهم از برای دختر»<sup>۳</sup></p> <p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ در صحیح ابن مسلم از حضرت باقر علیه السلام «... از برای زوج چهار یک است زیرا که اولاد دارد و سهم او سه عدد است از دوازده عدد ترکیه و از برای مادر و پدر دو سدس دوازده است که چهار عدد از دوازده باشد و از برای هر یکی دو عدد است و باقی بعد از سهم زوج و پدر و مادر پنج عدد است و آن نیز از برای دختر است و سهم او نصف ترکیه بود و در این فرض برای او نقص وارد شده زیرا که اگر در جای دختر پسر می‌شد پس برای پسر نیز پنج سهم از دوازده سهم زیادتر نمی‌شد و بر پسر نیز نقص وارد می‌گردید از جهت این که پدر و مادر از یک سدس خودشان کمتر نمی‌برند و نقص بر ایشان وارد نمی‌شود و همچنین است زوج از یک ربع کمتر نمی‌برد و بر او نقص وارد نیست..»<sup>۴</sup></p>			

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۷ ق ۷ خط ۹ | کافی ج ۷ ص ۹۶ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۸۸ ح ۱۰۴۱  
(۴) اساس الاسلام ص ۲۴۲ خط ۱۵ | کافی ج ۷ ص ۹۶ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۸۸ ح ۱۰۴۱

(۱) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۲ خط ۶  
(۲) بیان مولف در قانون الاسلام ج ۱ ماده ۷۹ ص ۹۷  
خط ۱۷

<p>اینجا شدیدترین حالتِ کمبود مال (عول) رخ می‌دهد. سهم ثابت دختران باید ۸ قسمت (دوسوم) باشد، اما چون در شیعه عول باطل است، تمام ۳ قسمتِ کمبود مال از سهم دختران کسر می‌شود (نقصان) و آن‌ها فقط همان ۵ قسمتِ باقیمانده را می‌برند.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> شوهر؛ یک‌چهارم (۱/۴) پدر؛ یک‌ششم (۱/۶) مادر؛ یک‌ششم (۱/۶) دختران؛ دوسوم (۲/۳) که شدیداً نقصان می‌پذیرد. <b>تعداد قسمت؛</b> ترکه ۱۲ قسمت می‌شود (شوهر ۳، پدر ۲، مادر ۲، دختران ۵ قسمت).</p>	<p>چند دختر + پدر + مادر + شوهر (زوج)</p>	<p>۱۸</p>
<p>در کتاب <b>قواعد الاسلام</b>؛ در حدیث محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام «... و اگر دختر میت با وجود زوج و پدر مادر او دو نفر شدند پس از برای دو دختر میت نیز پنج سهم است زیرا که اگر آن دو دختر دو پسر می‌شدند باز سهم دو پسر از دوازده سهم پنج سهم می‌شد که باقی از سهم زوج و پدر و مادر است...»<sup>۱</sup></p> <p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ در حدیث زراره از حضرت صادق علیه السلام «از زنی که مرده و زوج و مادر و دو نفر دختر دارد فرمود برای زوج یک ربع است که سه سهم از دوازده سهم باشد و از برای مادرش یک سدس که دو سهم از دوازده سهم است و از برای دو نفر دختر هفت سهم باقی است...» ( و نقصان بر دختران ثابت است).<sup>۲</sup></p>			
<p>جمع سهم این دو نفر می‌شود سه‌چهارم (۳/۴). پس دقیقاً ۱/۴ از پول اضافه می‌آید. اهل جماعت این پول اضافی را به عموها می‌دهند. اما آقا می‌فرمایند این پول اضافه فقط به دختر «رَد» می‌شود و شوهر هیچ سهمی از پول اضافه نمی‌برد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> شوهر؛ یک‌چهارم (۱/۴) دختر؛ نصف (۱/۲)+باقیمانده به عنوان رَد <b>تعداد قسمت؛</b> ترکه ۴ قسمت می‌شود (شوهر ۱ قسمت، دختر ۳ قسمت).</p>	<p>یک دختر + شوهر (زوج)</p>	<p>۱۹</p>
<p>احادیث مقدار سهم‌ها در دو ردیف بالا ذکر شده است. در کتاب <b>قانون الاسلام</b>؛ «اگر ... از سهم زوج و یک دختر چیزی زیاد شود (باقی بماند) پس آن زیاده بر ... دختر بر می‌گردد و به زوج و زوجه رد نمی‌شود...»<sup>۳</sup></p> <p>در کتاب <b>اساس الاسلام</b>؛ «و بالجمله از برای زوج و زوجه رد نیست ... و به دختران نسبت بر سهم ایشان رد خواهد شد.»<sup>۴</sup></p>			

(۳) بیان مولف در قانون الاسلام ج ۱ ماده ۷۹ ص ۹۷ خط ۱۲

(۴) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۲ خط ۹

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۷ ق ۷ خط ۱۳ | کافی ج ۷ ص ۹۶ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۸۸ ح ۱۰۴۱

(۲) اساس الاسلام ص ۲۴۲ خط آخر و ۲۴۳ خط ۱ | کافی ج ۷ ص ۹۷ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۲۸۸ ح ۱۰۴۳

<p>جمع سهم این دو نفر می‌شود پنج‌هشتم (۵/۸). پس دقیقاً ۳/۸ از پول اضافه می‌آید. آقا می‌فرمایند این پول اضافه فقط و فقط به دختر «رد» می‌شود و زوجه هیچ سهمی از پول اضافه نمی‌برد و فقط همان سهم ثابت خودش را می‌گیرد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b>                  زوجه؛ یک‌هشتم (۱/۸)                  دختر؛ نصف (۱/۲) + باقیمانده به عنوان ردّ  <b>تعداد قسمت؛</b>                  ترکه ۸ قسمت می‌شود (زوجه ۱ قسمت، دختر ۷ قسمت).</p>	<p><b>یک دختر + همسر (زوجه)</b></p>	<p>۲۰</p>
<p>در کتاب <b>قانون الاسلام؛</b> در آیه شریفه ؛ «از برای زنان شما از ترکه شما ... اگر برای شما اولاد و نواده بوده باشد از برای آنها ثمن (۱/۸) هست...»<sup>۱</sup>                  در کتاب <b>قانون الاسلام ؛</b> «اگر ... از سهم زوجه و دو نفر دختر ... چیزی زیاد شود (چیزی باقی بماند) پس آن زیاده بر ... دختر بر می‌گردد و به زوج و زوجه رد نمی‌شود...»<sup>۲</sup>                  در کتاب <b>اساس الاسلام ؛</b> «از برای زوج و زوجه رد نیست.»<sup>۳</sup></p>			
<p>برعکس حالت شوهر، در اینجا مال اضافه می‌آید. زوجه فقط همان فریضه خود را می‌برد (بدون ردّ)، و باقیمانده‌ی مال دوباره بین پدر، مادر و دختر «رد» می‌شود.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b>                  زوجه؛ یک‌هشتم (۱/۸)                  پدر؛ یک‌ششم (۱/۶) + سهم از ردّ                  مادر؛ یک‌ششم (۱/۶) + سهم از ردّ                  دختر؛ نصف (۱/۲) + سهم از ردّ  <b>تعداد قسمت؛</b>                  زوجه ۱/۸ خود را برمی‌دارد. باقیمانده مال بین پدر، مادر و دختر ۵ قسمت می‌شود.</p>	<p><b>یک دختر + پدر + مادر + زوجه (بدون حاجب برای مادر)</b></p>	<p>۲۱</p>
<p>در کتاب <b>قانون الاسلام؛</b> در حدیث ابن مسلم از حضرت باقر علیه السلام ؛ «زمانی که از برای زوج و زوجه اولاد و نواده باشد در آن صورت از برای زوج یک ربع (۱/۴) و از برای زوجه یک ثمن (۱/۸) خواهد شد.»<sup>۴</sup>                  در کتاب <b>اساس الاسلام ؛</b> «... از برای زوج و زوجه رد نیست و از برای پدر و مادر در بعض فرض‌ها رد است و در بعض دیگر رد نیست ...»<sup>۵</sup></p>			

(۳) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۲ خط ۹  
 (۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۹ خط ۸ | کافی ج ۷ ص ۸۲ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۵۱ ح ۹۶۹  
 (۵) اساس الاسلام ص ۲۴۲ خط ۹

(۱) سوره نساء آیه ۱۵ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۹ خط ۱  
 (۲) بیان مولف در قانون الاسلام ج ۱ ماده ۷۹ ص ۹۷ خط ۱۲

<p>در اینجا دو محرومیت از ردّ همزمان اتفاق می‌افتد؛ هم زوجه از ردّ محروم است، و هم مادر (به دلیل وجود حاجب) روی ۱/۶ قفل شده و از ردّ محروم است (مسئله حاجب در شماره ۱۱ این جدول گفته شده). بنابراین پولی که اضافه می‌آید، فقط بین پدر و دختر به نسبت سهامشان (۱ به ۳) تقسیم می‌شود.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b>  زوجه؛ یک‌هشتم (۱/۸)  مادر؛ یک‌ششم (۱/۶) قفل شده  پدر؛ یک‌ششم (۱/۶) + سهم از ردّ  دختر؛ نصف (۱/۲) + سهم از ردّ  <b>تعداد قسمت؛</b>  زوجه ۱/۸ خود را می‌برد. مادر نیز دقیقاً ۱/۶ خود را می‌برد. باقیمانده‌ی مال فقط بین پدر و دختر ۴ قسمت می‌شود.</p>	<p>یک دختر + پدر  + مادر + زوجه  (با وجود حاجب  برای مادر)</p>	۲۲
<p>احادیث مقدار سهم‌ها در ردیف‌های بالا ذکر شده. احادیث و مسئله حاجب برای مادر و عدم دریافت سهم از رد برای او در ردیف شماره ۱۱ این جدول نیز گفته شده است.  در کتاب <b>اساس الاسلام؛ «از برای زوج و زوجه رد نیست.»</b><sup>۱</sup></p>			
<p>با اینکه پدربزرگ و مادربزرگ در طبقه دوم هستند، اما اگر در زمان حیات «پدر و مادر میت» زنده باشند، ارث نمی‌برند ولی مستحب است پدر میت، از سهم خودش یک‌ششم به آنها به عنوان «طعمه» هدیه دهد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b>  پدربزرگ/مادربزرگ؛ یک‌ششم (۱/۶) به عنوان هدیه  <b>تعداد قسمت؛</b>  مستحب است پدر میت، از سهم خودش ۱/۶ به آنها هدیه دهد.</p>	<p>حق «طعمه»  (هدیه به  پدربزرگ و  مادربزرگ)</p>	۲۳
<p>در کتاب <b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث جمیل از امام صادق علیه السلام؛ «رسول الله صلی الله علیه و آله طعمه داد بر جدّه که مادر میت است سدس (۱/۶) را و حال این که پسر او که پدر میت است زنده بوده و نیز طعمه داد به مادر میت یک سدس (۱/۶) را با وجود زنده بودن مادر میت.»<sup>۲</sup></p>			

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ق ۱۱ ص ۱۵۸ خط ۹ | کافی ج ۷ ص ۱۱۴ ح ۱۲ | تهذیب ج ۹ ص ۳۱۱ ح ۱۱۱۸ | فقیه ج ۴ ص ۲۸۰ ح ۵۶۲۶

(۱) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۲ خط ۹

## طبقه دوم؛ اجداد و إخوة (پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها، برادران و خواهران)

### بخش اول ؛ قاعده کلی ورود به طبقه دوم؛

مرحوم سید حسین موسوی عرب‌باغی رحمت الله علیه با استناد به روایات صحیحه تأکید می‌فرمایند که شرط اصلی ارث بردن اهل طبقه دوم، نبودن حتی یک نفر از اهل طبقه اول است.

• منبع؛ اساس الاسلام

○ با وجود طبقه اولی که پدر و مادر و اولاد میت باشد، طبقه دویم که اجداد و اخوه است وارث نخواهند شد به نص روایات صحیحه کثیره.<sup>۱</sup>

### ۱. ارث برادران و خواهران (تنی و ناتنی)

در فقه ارث، برادران و خواهران متوفی (که به آنها کلالة می‌گویند) به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ مادری، پدری، و پدری و مادری (ابوینی).

• منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هشتاد و دویم در ارث اخوت و اخوات است »<sup>۲</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « در قواعد ارث طبقه دوم قاعده اول در ارث بردن برادران و خواهران پدری میت »<sup>۳</sup>
- در کتاب اساس الاسلام
  - در خصوص طبقه دوم<sup>۴</sup>

• بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه به اختصار

○ إخوة مادری؛

مرحوم مؤلف با استناد به آیه ۱۲ سوره نساء « وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدُسُ ۚ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ... » می‌فرمایند؛ « اگر مردی و یا زنی وفات کند و ورثه آنها یک نفر برادر و یا خواهر

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۰ ق ۱

(۴) اساس الاسلام از ص ۲۴۳ تا ۲۴۵

(۱) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۳ خط ۱۳

(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۵ م ۸۲

مادری شود پس از برای هر یکی سدس (۱/۶) است و اگر از یک نفر زیادتر شدند پس همه آن برادران و خواهران در ثلث (۱/۳) میت شریکند.<sup>۱</sup>

### ○ إخوة پدری؛

مؤلف بزرگوار با استناد به آیه ۱۷۶ سوره نساء «إِنَّ أُمَّرُؤَ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَوَلَدٌ...» می‌فرماید؛ «اگر ورثه منحصر شود به خواهر پدری پس برای یک خواهر نصف (۱/۲) ترکه است... و اگر دو نفر باشند دو ثلث (۲/۳)... و اگر برادران و خواهران پدری باشند پس برای برادرها دو سهم و برای خواهرها یک سهم است.»<sup>۲</sup>

### • 📌 تاکید و استدلال آقا (قاعده تقدم تني بر ناتني)؛

مؤلف بزرگوار تأکید دارند که برادران و خواهران «ابوینی» (تنی) باعث محرومیت برادران «ابی» (ناتنی پدری) می‌شوند.

### ○ 📖 حدیث؛

در «تهذیب» از حسن بن عماره روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود؛ «أَيُّمَا أَقْرَبُ ابْنُ عَمٍّ لَابٍ وَ أُمٌّ أَوْ عَمٌّ لَابٍ؟» یعنی؛ کدام یکی به میت نزدیک تر است پسر عم پدری و مادری یا عم پدری فقط؟

حسن گفت که عرض نمودم؛ به ما نقل نموده ابواسحاق سبیعی از حارث اعور از حضرت امیرالمومنین علیه السلام که فرموده؛

«أَعْيَانُ بَنِي الْأُمِّ أَقْرَبُ مِنْ بَنِي الْعَلَاتِ» یعنی؛ برادران و خواهران پدری و مادری نزدیک ترند از برادران و خواهران پدری فقط.<sup>۳</sup>

### ○ 📌 بیان آقا؛

پس از این احادیث معلوم شد که با وجود برادر و یا خواهر پدری و مادری، برادر و یا خواهر پدری فقط ارث ندارد.<sup>۴</sup>

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۶ خط ۶ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۵ خط ۲۰ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۶ ح ۱۱۷۲  
(۴) بیان مولف در قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۶ خط ۶

(۱) سوره نساء آیه ۱۲ | قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۱ ق ۲  
(۲) سوره نساء آیه ۱۷۶ | قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۰ ق ۱

## ۲. تنزیل (جایگزینی) اجداد و جدّات به منزله برادران و خواهران

یکی از شاهکارهای فقهی در طبقه دوم، هم‌تراز بودن پدربزرگ و مادربزرگ با برادر و خواهر است. چون اجداد در قرآن فریضه (سهم ثابت) ندارند، مستقیماً جایگزین خواهر و برادر می‌شوند.

### • منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هشتاد و سوم در ارث جد و جده است »<sup>۱</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده چهارم در اینکه اجداد به منزله برادران است در ارث بردن »<sup>۲</sup>
- در کتاب اساس الاسلام
  - در خصوص ارث جد و جده پدری<sup>۳</sup>

### • بیان و استدلال مؤلف در حدیث یا آیه به اختصار

و در «فقیه» از ابی الربیع از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده ؛  
که حضرت امیرالمومنین علیه السلام سهم می داد برادر پدری را مانند سهمی که به جدّ می داد و نازل می فرمود جدّ را به منزله ی برادر پدری.<sup>۴</sup>

### • بیان و استدلال آقا؛

○ و از این احادیث معلوم شد که در صورت اجتماع جدّ با برادران و خواهران پدری، مثل یک نفر برادر خواهد شد و جدهی پدری نیز مثل یک نفر خواهر پدری خواهد شد و اما جدّ و جدهی مادری پس آنها نیز مثل خواهر و برادر مادری است، ذکور و اناث ایشان فرق ندارد و جدهی مادری مثل خواهر مادری و جدّ مادری مثل برادر مادری است.<sup>۵</sup>

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۹ م ۸۳ ح ۲ | فقیه ج ۴ ص ۲۸۴ ح ۵۶۳۸  
(۵) بیان مؤلف در قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۰ خط ۵

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۹ م ۸۳  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۳ ق ۴  
(۳) اساس الاسلام از ص ۲۴۵

### ۳. قائم مقام شدن اولادِ إخوة در مقام پدران و مادرانشان

اگر برادر یا خواهر میت زنده نباشند، فرزندانِ آنها (برادرزاده و خواهرزاده) دقیقاً جای پدر و مادرشان می‌نشینند و سهم آنها را می‌گیرند.

#### • منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده هشتاد و دویم در ارث اخوت و اخوات است »<sup>۱</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده سیم در قائم مقام شدن اولاد اخوة از طرفین در مقام پدران و مادران خودشان »<sup>۲</sup>
- در کتاب اساس الاسلام : در خصوص ارث برادر زادگان و خواهر زادگان<sup>۳</sup>

#### • بیان و استدلال در حدیث به اختصار؛

در تهذیب از خزاز روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود؛

در کتاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که... « هر ذی رحم بمنزله‌ی آن رحم است که بسوی آن کشیده میشود... »<sup>۴</sup>

#### • بیان و استدلال آقا؛

○ «پس از این احادیث معلوم میشود که هر یکی از اولاد برادر و خواهر پدری و مادری بمنزله‌ی همان برادر و خواهر است...»<sup>۵</sup>

این جانشینی به حدی دقیق است که مؤلف در اساس الاسلام ص ۲۴۹ طبق احادیث می‌فرماید که؛ «دختر برادر به منزله برادر است و پسر خواهر به منزله خواهر است»<sup>۶</sup> یعنی؛ دختر برادر، چون جای پدرش نشسته، سهم مردانه (دو برابر) می‌برد، و پسر خواهر، چون جای مادرش نشسته، سهم زنانه (یک برابر) می‌برد.

○ «اگر برادر پدری و مادری و یا تنها پدری ده نفر اولاد داشته باشد پس هر یکی از ایشان یک نفر برادر پدری است مثل این که خود میت ده نفر برادر دارد.»<sup>۷</sup>

(۵) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۸ خط ۴  
 (۶) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۹ خط ۱۶  
 (۷) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۵۰ خط ۱

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۵ م ۸۲  
 (۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۲ ق ۳  
 (۳) اساس الاسلام از ص ۲۴۷ تا ۲۵۰  
 (۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۷ خط ۱۷ | تهذیب ج ۹  
 ص ۳۲۵ ج ۱۱۷۱

**بخش دوم؛ جدول جامع سهام طبقه دوم (اجداد، برادران، خواهران و فرزندان آنها)**

نکته مهم؛ این طبقه تنها زمانی ارث می‌برد که هیچ‌کس از طبقه اول زنده نباشد؛

شرایط و نحوه تقسیم	مقدار سهم و قسمت	وارث
اگر میت در طبقه اول وارث نداشته باشد و در طبقه دوم وارث منحصر به یک برادر باشد، تمام مال به او می‌رسد.	سهم شرعی؛ تمام ترکه (کُلُّ الْمَالِ). تعداد قسمت؛ ترکه ۱ قسمت می‌شود.	فقط یک برادر (چه پدری، چه مادری، چه ابوینی)
<p><b>قانون الاسلام؛</b> در ذیل آیه شریفه «... و اما وقتیکه ورثه منحصر شود به یک نفر از اینها و یا یک نفر از اخوه ی پدری چه ذکور باشد و یا اناث پس همه ی ترکه مال اوست...»<sup>۱</sup></p> <p><b>اساس الاسلام؛</b> «... و از برای برادر پدری و یا مادری در صورت انحصار وارث بر هر یکی از آنها جمیع ترکه است...»<sup>۲</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث ابن سنان از امام محمد باقر علیه السلام ... کسی که مرده و یک برادر دارد و به غیر از او ورثه ندارد، فرمود همهٔ مال میت برای برادر او است...<sup>۳</sup></p>		
اگر وارث منحصر به یک خواهر باشد. (اگر خواهر مادری باشد، فقط ۱/۶ فرض می‌برد و بقیه به او رد می‌شود).	سهم شرعی؛ نصف (۱/۲) به عنوان فرض + نصف باقیمانده به عنوان ردّ. تعداد قسمت؛ تمام مال (ترکه ۲ قسمت شده و هر ۲ قسمت به او می‌رسد).	فقط یک خواهر (پدری یا ابوینی)
<p><b>قانون الاسلام؛</b> در معنی آیه شریفه ؛ «... ورثه ی او منحصر شود به خواهر پدری پس برای یک خواهر نصف ترکه ی اوست و اما اگر خواهر وفات نماید و ورثه ی او منحصر باشد بر برادر پدری پس تمام ترکه را میبرد...»<sup>۴</sup></p> <p><b>اساس الاسلام؛</b> «... اگر وارث منحصر گردید به یک نفر خواهر از جانب پدر پس از برای او نصف ترکه است ... و باقی اگر زوج و زوجه نباشد و اخوه مادری نشود به ایشان رد می‌شود..»<sup>۵</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث بکیر از امام محمد باقر علیه السلام ؛ «... زمانیکه مردی وفات کرد و خواهر پدری دارد پس نصف مال او را خواهرش اخذ می‌کند با آیه ... و نصف مال برادرش را می‌برد به ردّ کردن بر رحم میت زمانی که برای میت ورثهٔ اقرب از آن خواهر نباشد...»<sup>۶</sup></p>		

(۴) سوره نساء آیه ۱۷۶ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۵  
خط ۱۴  
(۵) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۴ خط ۲  
(۶) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۱ خط ۱ | تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۵۹

(۱) سوره نساء آیه ۱۵ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۶  
خط ۲  
(۲) اساس الاسلام ص ۲۴۳ خط ۱۷  
(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۰ خط ۱۶ | کافی ج ۷ ص ۱۱۱ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۰۷ ح ۱۰۹۶ | فقیه ج ۴ ص ۲۸۳ ح ۵۶۳۴

<p>اخوه مادری (أُمّی) همیشه سهمشان را به تساوی می‌برند و بین زن و مردشان فرقی نیست.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b>                  • اگر یکی باشد؛ یک‌ششم (۱/۶)                  • اگر چند نفر باشند؛ یک‌سوم (۱/۳)                  • الباقی به آنها «رَد» می‌شود.  <b>تعداد قسمت؛</b>                  در صورت تعدد، ترکه ۳ قسمت می‌شود و مساوی بین زن و مرد تقسیم می‌گردد.</p>	<p><b>برادران و خواهران (مادری) بدون حضور پدری‌ها</b></p>	
<p><b>قانون الاسلام؛</b> نص آیه شریفه ؛ هر گاه یک نفر مرد وفات نماید و یا یک نفر زنی فوت شود و از برای آن مرد و یا آن زن، برادر و یا خواهر بوده باشد پس از برای هر یکی از برادر و یا خواهر او شش یک خواهد شد پس اگر برادر و خواهر آن مرد یا زن، از یک نفر زیادتر بوده باشند پس همه آنها در یک ثلث از ترکه ی آن مرد و یا آن زن بالسویه شریک هستند و ذکور و اناث ایشان در قسمت ثلث فرق ندارند.<sup>۱</sup></p> <p><b>اساس الاسلام؛</b> در حدیث مسموع از حضرت صادق <small>علیه السلام</small> ؛ ... از برای برادر و خواهر مادری یک ثلث است در بین ایشان مساوی.<sup>۲</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام ؛</b> نص آیه شریفه ؛ اگر مردی و یا زنی وفات کند و ورثه آنها یک نفر برادر و یا خواهر مادری شود پس از برای هر یکی از آنها یک سدس است و اگر از یک نفر زیادتر شدند پس همه آنها برادران و خواهران در ثلث میت شریکند.<sup>۳</sup></p>			
<p>اگر فقط برادران/خواهران پدری باشند، یا فقط ابوینی (تنی) باشند. (چون با وجود ابوینی، پدری‌ها ارث نمی‌برند).</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b>                  تمام مال (بر اساس قرابت).  <b>تعداد قسمت؛</b>                  ترکه طوری تقسیم می‌شود که مرد دو برابر زن ببرد (لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنَ).</p>	<p><b>برادران و خواهران (پدری یا ابوینی)</b></p>	
<p><b>قانون الاسلام؛</b> نص آیه شریفه ؛ ... و اگر ورثه ی میت منحصر شد به برادران و خواهران پدری پس برای برادرها دو سهم و برای خواهرها یک سهم از ترکه است.<sup>۴</sup></p> <p><b>اساس الاسلام؛</b> و اگر بوده باشد از برای میت برادر و خواهر پدری پس از برای ذکور دو مقابل اناث است.<sup>۵</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> نص آیه شریفه ؛ ... اگر ورثه میت برادران و خواهران او شدند پس از برای برادران دو سهم و بر خواهرانش بر هر یکی یک سهم است.<sup>۶</sup></p>			

(۴) سوره نساء آیه ۱۷۶ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۵  
خط ۱۷

(۵) اساس الاسلام ص ۲۴۴ خط ۱۳

(۶) سوره نساء آیه ۱۷۶ | قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۰  
خط ۱۲

(۱) سوره نساء آیه ۱۵ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۵ خط ۲۱

(۲) اساس الاسلام ص ۲۴۵ خط ۸ | کافی ج ۷ ص ۱۱۱ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۰۷ ح ۱۰۹۸

(۳) سوره نساء آیه ۱۵ | قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۱

<p>قاعده مهم؛ «أَعْيَانُ بَنِي الْأُمِّ أَقْرَبُ مِنْ بَنِي الْأَعْلَاتِ». برادر تنی حاجب و مانع برادر پدری است. پس با وجود برادر و یا خواهر پدری و مادری، برادر و یا خواهری که تنها پدری است ارث نمیبرد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> تمام مال برای ابوینی (تنی). برادران/خواهران ابی (پدری) محرومند. تعداد قسمت؛ فقط بین تنی‌ها (مرد ۲ برابر زن) تقسیم می‌شود.</p>	<p>اخوه ابوینی (تنی) + اخوه ابی (ناتنی پدری)</p>	
<p><b>۵ قانون الاسلام؛</b> حدیث حارث اعور از حضرت امیرالمومنین <small>علیه السلام</small>؛ برادران پدری و مادری وارث می‌شوند نه برادران تنها پدری ... و در همان حدیث؛ اولاد پدری و مادری اقرب است از اولاد پدری فقط ... و در روایت فقیه از حضرت رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small>؛ برادر پدری و مادری احق است به ارث از برادری که تنها پدری است.<sup>۱</sup> <b>اساس الاسلام؛</b> با وجود برادر پدری و مادری، برادر پدری تنها ارث نمی‌برد ...؛ و در صحیحہ کناسی از حضرت صادق <small>علیه السلام</small>؛ ... برادر پدری و مادری تو اولی است بر تو از برادر پدری تو...<sup>۲</sup> <b>قواعد الاسلام؛</b> ... با وجود برادر و یا خواهر پدری و مادری، برادر و یا خواهر پدری فقط ارث ندارد.<sup>۳</sup></p>			
<p>در اینجا مادری‌ها فریضه خود را می‌برند و پدری‌ها (یا ابوینی‌ها) به عنوان «قرابت» بقیه را می‌برند.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> • اخوه مادری؛ یک‌ششم (اگر یکی باشد) یا یک‌سوم (اگر چندتا باشند). • اخوه ابوینی (یا پدری)؛ تمام باقیمانده. تعداد قسمت؛ ابتدا سهم مادری‌ها (۱/۶) یا (۱/۳) داده می‌شود و بقیه بین پدری‌ها (مرد ۲ برابر زن) تقسیم می‌شود.</p>	<p>اخوه ابوینی (یا پدری) + اخوه مادری</p>	<p><b>۶</b></p>
<p><b>قانون الاسلام؛</b> ... در صورت اجتماع برادر و خواهر مادری با برادر و خواهر پدری حق ایشان یک سدس (۱/۶) و یا یک ثلث (۱/۳) است و باقی ترکه حق برادر و خواهر پدری و حق زوج و یا زوجه است.<sup>۴</sup> <b>باز در قانون الاسلام؛</b> ... اگر زنی بعد از وفات خودش زوج و دو نفر برادر مادری و دو نفر خواهر پدری داشته باشد پس از برای زوج او نصف ترکه است که سه سهم از شش سهم است و از برای برادران مادری ثلث است که دو سهم باشد و باقی میماند یک سهم از شش و آن یک سهم حق دو نفر خواهر پدری است...<sup>۵</sup></p>			

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۶ خط ۶

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۶ خط ۶

(۵) قانون الاسلام ص ۱۰۶ خط ۱۹

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۳ سه حدیث آخر ۱

تهذیب ج ۹ ص ۳۲۶ ح ۱۱۷۲

(۲) اساس الاسلام ص ۲۵۰ خط ۱۹ و خط ۲۳

**قواعد الاسلام؛** در حدیث بکیر از امام جعفر صادق علیه السلام؛ که عرض کردم که زنی مرده و زوج و برادر مادری و خواهر پدری دارد؟ آن حضرت فرمود؛ از برای زوج نصف ترکه او است و نصف دیگر برای برادر و خواهر مادری ثلث آن، و ذکور و اناث مساوی است، و باقی یک سهم است از شش سهم، و آن نیز در میان برادر و خواهر پدری از ذکور دو قسمت و برای اناث یک قسمت است...<sup>۱</sup>

این زمانی است که یا تنها اجداد پدری حضور دارند و یا نه و فقط اجداد مادری حضور دارند و پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری و مادری جمع نیستند . اجداد در ارث دقیقاً حکم «کلاله» (برادر و خواهر) را دارند. سمت مادری مساوی، سمت پدری متفاوت.	<p><b>سهم شرعی؛</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• اجداد (پدر بزرگ و مادر بزرگ) پدری؛ کل مال (مرد ۲ برابر زن).</li> <li>• اجداد مادری؛ کل مال (مساوی).</li> </ul> <p><b>تعداد قسمت؛</b> اجداد پدری ؛ پدر بزرگ ۲ سهم / مادر بزرگ ۱ سهم اجداد مادری ؛ (تقسیم مساوی)</p>	<p>اجداد (جدّ و جدّه) / (تنها اجداد پدری / یا تنها اجداد مادری) (قاعده تنزیل)</p>
--	---	---

**قانون الاسلام؛** از آن جایی که جدّ و جدّه مثل برادر و خواهر فریضه ی مستقله یعنی سهم مخصوص ولا یتغیّری ندارند، لهذا ارث ایشان به قرار ارث برادر و خواهر قرار داده شده است چنانکه در احادیث فرمودند.<sup>۲</sup>

**اساس الاسلام؛** و اما ارث جد و جدّه پدری که با برادران و خواهران در یک طبقه می‌باشند پس ایشان به منزله برادر و خواهر پدری هستند به نص و صریح احادیث کثیره .<sup>۳</sup>

و اما تبصره مهم در اساس الاسلام؛ و از این‌ها معلوم می‌شود که جد و جدّه مادری به منزله برادران مادری نیست (البته از لحاظ میزان سهم ها نه از لحاظ تقسیم سهم بین ذکور و اناث) و بلکه از برای ایشان بعد از فریضه برادران در فرض اجتماع با ایشان باقی ترکه است (که مساوی بین جد و جدّه مادری تقسیم میشود)، و جد و جدّه پدری به منزله برادر و خواهر پدری است فقط، نه جد و جدّه مادری زیرا که فرض ایشان و یا یکی از آنها ثلث است.<sup>۴</sup>

**قواعد الاسلام؛** پس از این احادیث معلوم می‌شود که اجداد و جدّات پدری مثل برادران پدری است، و ارث آنها از برای ذکور دو سهم و از برای اناث یک سهم؛ و جدّ و جدّه مادری مثل برادر و خواهر مادری است (از لحاظ تقسیم سهم) که ذکور و اناث مساوی است، نه این که با زیادت باشد.<sup>۵</sup>

**نکته مهم:** (جهت رفع این تناقض ظاهری که در اساس الاسلام است که فرموده « جد و جدّه مادری به منزله برادران مادری نیست » و در قواعد الاسلام که فرموده « جدّ و جدّه مادری مثل برادر و خواهر مادری است » در بین گفتار مولف اختلاف نیست؛ بعد از پایان جدول کامل توضیح داده خواهد شد تا رفع شبهه شود).

(۳) اساس الاسلام ص ۲۴۵ خط ۲

(۴) اساس الاسلام ص ۲۴۷ خط ۵

(۵) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۴ خط ۷

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۴ ح آخر | کافی ج ۷

ص ۱۰۱ ح ۳

(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۹ خط ۱۰

<p>این حکم مخصوص زمانی است که «اجداد مادری» و «برادر و خواهر مادری» همزمان حضور داشته باشند (در فرض اجتماع).</p> <p>و باقیمانده‌ای که به اجداد مادری می‌رسد، بین پدربزرگ مادری و مادربزرگ مادری به طور مساوی تقسیم می‌شود.</p>	<p><b>سهم شرعی:</b></p> <p>برادر و خواهر مادری (کلالة مادری): سهم ثابت (فريضة) خود را می‌برند؛ اگر یک نفر باشد ۱/۶ (سدس) مال، و اگر چند نفر باشند ۱/۳ (ثلث) مال.</p> <p>اجداد مادری: باقیمانده ترکه (پس از کسر سهم کلالة) به آنها می‌رسد.</p>	<p>اجداد (جدّ و جدّه) مادری + برادر و خواهر مادری (یا همان کلالة مادری) (در فرض جمع اجداد مادری با کلالة مادری)</p>	۸
<p>اساس الاسلام (حکم تقسیم در اجتماع): «و اما حکم جد و جدّه مادری پس ایشان اگر با برادران و خواهران مادری جمع شوند و وارث منحصر به ایشان باشد پس یک ثلث از برای برادر و خواهر مادری است و باقی مال جد و جدّه مادری است و اگر برادر و یا خواهر یک نفر باشد یک سدس مال او است و باقی مال جد و یا جدّه است...»<sup>۱</sup></p>			
<p>قاعده تنزیل؛ «الجدّ بمنزلة الأخ».</p> <p>پدربزرگ هیچ مزیتی بر برادر ندارد و هیچ‌کدام دیگری را حذف نمی‌کنند.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b></p> <p>شریک در کل مال.</p> <p><b>تعداد قسمت؛</b></p> <p>جدّ دقیقاً مثل یک برادر حساب می‌شود و مال بین آنها (اگر همه مرد باشند) مساوی، و اگر خواهر باشد (مرد ۲ برابر زن) تقسیم می‌شود.</p>	<p>جدّ (پدری) + برادر (پدری یا ابوینی)</p>	۹
<p><b>قانون الاسلام؛ ... حضرت امیرالمومنین علیه السلام سهم می‌داد برادر پدری را مانند سهمی که به جدّ می‌داد و نازل می‌فرمود جدّ را به منزله ی برادر پدری.</b><sup>۲</sup></p> <p><b>اساس الاسلام؛</b> در صحیح حریز از امام صادق علیه السلام؛ به درستی که جد شریک برادران است و حظ جد مثل حظ یکی از ایشان است در هر عدد باشند یا کثیر و یا قلیل.<sup>۳</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام؛ جدّ میت با برادران پدری مثل یکی از آنها است ... در حدیث حریز از امام صادق علیه السلام؛ جدّ میت شریک برادران اویند و نصیب او مثل نصیب یکی از برادران است.<sup>۴</sup></p>			

(۳) اساس الاسلام ص ۲۴۵ خط ۱۰ | فقیه ج ۴ ص ۲۸۴ ح ۵۶۴۱

(۱) اساس الاسلام ص ۲۴۶ خط ۶

(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۹ م ۸۳ ح ۲ | فقیه ج ۴

(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۳ ح ۳ و ۴ | فقیه ج ۴ ص ۲۸۴ ح ۵۶۳۹ | فقیه ج ۴ ص ۲۸۴ ح ۵۶۴۱

ص ۲۸۴ ح ۵۶۳۸

<p>وقتی اجداد دو طرف جمع شوند، سهم اجداد مادری ثلث و اجداد پدری ثلثان است.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b>                  اجداد مادری؛ یک سوم (۱/۳)                  اجداد پدری؛ دو سوم (۲/۳)                  تعداد قسمت؛ پدری‌ها (۲ به ۱)                  مادری‌ها مساوی</p>	<p>اجداد (جدّ و جدّه)                  (اجداد پدری + اجداد مادری)</p>	
<p><b>قانون الاسلام؛</b> اگر جدّ و یا جدّه ی پدری با جدّ و یا جدّه ی مادری اجتماع نماید پس از برای اجداد و جدّات مادری یک ثلث است یک نفر باشد یا زیادتر و دو ثلث دیگر حق پدری خواهد شد.<sup>۱</sup></p> <p><b>اساس الاسلام؛</b> در صحیحه ابن مسلم از حضرت باقر علیه السلام؛ زمانی که نبوده باشد برای میت وارث مگر جد پدری و جده مادری او پس از برای جده مادری او یک ثلث است و از برای جد پدری او باقی مال است.<sup>۲</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام؛ پس از برای مادر مادرش یک ثلث است، و دو ثلث دیگر از برای پدر پدرش است که جدّ باشد.<sup>۳</sup></p>			
<p><b>تعداد قسمت؛</b> ابتدا سهم همسر و مادری‌ها داده می‌شود. هرچه ماند برای پدری‌هاست (که ممکن است کم بیاید و نقصان فقط به پدری‌ها وارد می‌شود).                  در طبقه دوم، چون میت فرزند ندارد، همسران «نصیب اعلی» (بیشترین سهم) را می‌برند.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b>                  همسر؛ نصیب اعلی (۱/۲) زوج   ۱/۴ (زوجه)                  اخوه مادری؛ سهم ثابت (۱/۶ یا ۱/۳).                  اخوه پدری؛ باقیمانده مال.</p>	<p>همسر (زوج/زوجه)                  + طبقه دوم</p>	
<p><b>قانون الاسلام؛</b> در حدیث بکیر از حضرت صادق علیه السلام؛ ... زوج از نصف و اخوه ی مادری از ثلث کمتر نخواهد شد... سهم اخوات و اخوه ی پدری زیاد میشود و ناقص نیز میشود.<sup>۴</sup></p> <p><b>اساس الاسلام؛</b> نقصان برای آن کسان است که زیادتر برای ایشان است از پدر و اولاد و اخوه پدری...<sup>۵</sup></p> <p><b>اساس الاسلام؛</b> در حدیث زراره؛ ... و اما زوج و اخوه مادری پس به درستی که به ایشان نقصان وارد نمی‌شود...<sup>۶</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> نقصان داخل می‌شود بر آن کسانی که از برای آنها زیادتر می‌رسد ... و اما زوج و زوجه و برادران و خواهران مادری پس برای آنها نقص وارد نمی‌شود.<sup>۷</sup></p>			

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۶ خط ۱۳ و خط ۱۷ | کافی ج ۷ ص ۱۰۱ ح ۳  
 (۵) اساس الاسلام ص ۲۴۳ خط ۱۲  
 (۶) اساس الاسلام ص ۲۴۳ خط ۹ | کافی ج ۷ ص ۸۲ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۵۰ ح ۹۶۵  
 (۷) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۴۷ خط ۱۸

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۰ خط ۱۱  
 (۲) اساس الاسلام ص ۲۴۶ خط آخر | تهذیب ج ۹ ص ۳۱۳ ح ۱۱۲۴  
 (۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۶ ق ۷ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۱۳ ح ۱۱۲۴

<p>قاعده؛ «بَنَاتُ الْأَخِ بِمَنْزِلَةِ الْأَخِ». (دخترِ برادر به منزله برادر است). در اینجا جنسیتِ خودِ وارث مهم نیست، جایگاه کسی که جای او نشسته مهم است.</p> <p><b>نکته؛</b> اگر برادر میت ۳ دختر داشته باشد، مثل این است که میت ۳ برادر دارد؛</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> هر یک فرزند = یک برادر/خواهر مستقل. (نه اینکه همه با هم سهم پدر را ببرند). <b>تعداد قسمت؛</b> اگر برادرِ میت فوت کرده و ۳ دختر دارد، این ۳ دختر مثل «۳ برادر» برای میت حساب می‌شوند (نه اینکه سهم یک برادر را بین خود تقسیم کنند).</p>	<p>اولادِ إخوة (فرزندان برادر و خواهر) (استدلال خاص آقا)</p>	<p>۱۲</p>
<p><b>قانون الاسلام؛</b> هر یکی از اولاد برادر و خواهر پدری و مادری بمنزله ی همان برادر و خواهر است.<sup>۱</sup>  <b>اساس الاسلام؛</b> پس بنابر این اگر برادر پدری و مادری و یا تنها پدری ده نفر اولاد داشته باشد پس هر یکی از ایشان یک نفر برادر پدری است مثل این که خود میت ده نفر برادر دارد و اگر خواهر پدری میت ده نفر اولاد داشته باشد مثل این است که خود میت ده نفر خواهر پدری دارد.<sup>۲</sup>  <b>قواعد الاسلام؛</b> قاعده سوم در قائم مقام شدن اولاد اخوة از طرفین در مقام پدران و مادران خودشان.<sup>۳</sup></p>			
<p>جنسیت خودشان مهم نیست، جایگاه کسی که جای او نشسته‌اند مهم است.</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> دخترِ برادر = حکم برادر (۲ سهم) پسرِ خواهر = حکم خواهر (۱ سهم)</p>	<p>دخترِ برادر + پسرِ خواهر</p>	<p>۱۳</p>
<p><b>قانون الاسلام؛</b> در کتاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است که عمه بمنزله ی پدر و خاله بمنزله ی مادر و دختر برادر بمنزله ی برادر است.<sup>۴</sup>  <b>اساس الاسلام؛</b> دختر برادر به منزله برادر است و پسر خواهر به منزله خواهر است... و در این احادیث معلوم می‌شود که پسر و دختر برادر و خواهر به منزله برادر و خواهر است در ذکور بودن دختر برادر و اناث بودن پسر خواهر.<sup>۵</sup>  <b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث ابوالایوب از امام جعفر صادق علیه السلام ؛ ... دختر برادر به منزله برادر است...<sup>۶</sup></p>			

(۵) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۴۹ خط ۱۶  
 (۶) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۸ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۵ ح ۱۱۷۰

(۱) بیان مولف در قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۸ خط ۴  
 (۲) بیان مولف در اساس الاسلام ص ۲۵۰ خط ۱  
 (۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۲ ق ۳  
 (۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۰۷ خط ۱۸ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۵ ح ۱۱۷۰

## بخش سوم ؛ و اما تبصره مهم رفع اختلاف ظاهری در حکم ارث «اجداد مادری» در ردیف ۷

اگر دقت کرده باشد در جدول بالا در ردیف ۷ ، مولف در اساس الاسلام برای اجداد مادری بیان می‌فرماید که « جد و جده مادری به منزله برادران مادری نیست » اما در قواعد الاسلام بیان فرمودند که « جدّ و جدّه مادری مثل برادر و خواهر مادری است » ؛

این تفاوت بیان ممکن است این توهم را ایجاد کند که مؤلف در کتاب‌های خود دچار تناقض‌گویی شده یا فتوای ایشان تغییر کرده است؛ در حالی که با بررسی دقیق استدلال‌های ایشان، متوجه می‌شویم هیچ تناقضی در کار نیست، بلکه مؤلف در هر کتاب با فقهاء تمام از «زاویه‌ای متفاوت» به موضوع نگریسته است تا مخاطب با خواندن این حکم در کتاب‌ها یک موضوع مهم دیگری رو از دست ندهد. و این موضوع مهم هم حکم سهم بری برادر و خواهر مادری یا همان کلاله مادری است.

## در مرحله اول بیابید حکم سهم بری برادر و خواهر مادری و اجداد مادری رو بشناسیم

- برادر و خواهر مادری؛ در قرآن، سهم برادر یا خواهر مادری متغیر است. اگر یک نفر باشد سهمش  $\frac{1}{6}$  (سدس) است، و اگر چند نفر باشند سهمشان  $\frac{1}{3}$  (ثلث) است. پس برای برادر و یا خواهر مادری از لحاظ سهم تفاوت داریم. یک نفر باشد سهمش  $\frac{1}{6}$  و اگر چند نفر باشند سهمشان  $\frac{1}{3}$  است. دقت کنید که از لحاظ میزان سهم متفاوت هستند نه از لحاظ تقسیم سهم ؛ خب تقسیم سهم هم اگر مثلا ۳ نفر باشند یک دختر و دو پسر برای هر نفر  $\frac{1}{3}$  میرسد مساوی.

- اجداد مادری ؛ و اجداد مادری یا همان (پدربزرگ مادری و مادربزرگ مادری) هم دارای فرض (سهم ثابت)  $\frac{1}{3}$  (ثلث) هستند؛ یعنی میزان سهم  $\frac{1}{3}$  برای جد مادری و  $\frac{1}{3}$  برای جده مادری هست؛ اما از لحاظ تقسیم سهم پس برای هر کدام به طور مساوی  $\frac{1}{3}$  میرسد.

## خب رفع شبه اول

- آنجا که در کتاب قواعد الاسلام تصریح شده است که « جدّ و جدّه مادری، مثل برادر و خواهر مادری است»، منظور از لحاظ تقسیم سهم ارث است نه از لحاظ میزان سهم.

به عبارت دیگر، همان‌گونه که برادر و خواهر مادری سهمشان را به طور مساوی بین خود تقسیم می‌کنند، پدربزرگ مادری و مادربزرگ مادری نیز سهم اختصاص یافته به خود را کاملاً مساوی (بالسویه) تقسیم می‌کنند.

- و اما آن‌جا که در کتاب اساس الاسلام فرمودند که «اجداد مادری مثل برادر و خواهر مادری نیستند»، اشاره به مکانیسم تعیین میزان و مقدار سهم دارد نه تقسیم سهم.

### اما رفع شبه دوم؛

- بدان که در قواعد الاسلام تنها به حکم اجداد مادری اشاره می‌کند؛ یعنی، یک نفر مرده و فقط جد و جده مادری دارد؛
- اما در اساس الاسلام حکم اجدادی مادری را با حاضر بودن خواهر و برادر مادری بیان می‌کند؛ یعنی، یک نفر مرده و جد و جده مادری و خواهر یا برادر مادری دارد؛

پس مؤلف در کتاب اساس الاسلام، وقتی به سناریوی هم‌زمانی حضور این دو گروه (اجداد مادری + کلاله مادری) می‌رسد، نحوه تقسیم ترکه را به گونه‌ای خاص انجام می‌دهد و مستقیماً از دل همین نحوه تقسیم، نتیجه می‌گیرد که این دو گروه مثل هم نیستند یعنی از لحاظ میزان سهم. چنانکه خود مولف در اساس الاسلام نیز بیان می‌فرماید که «و اما حکم جد و جده مادری پس ایشان اگر با برادران و خواهران مادری جمع شوند و وارث منحصر به ایشان باشد پس یک ثلث از برای برادر و خواهر مادری است و باقی مال جد و جده مادری است و اگر برادر و یا خواهر یک نفر باشد یک سدس مال او است و باقی مال جد و یا جده است...». پس از لحاظ میزان سهم مساوی نیستند.

### نتیجه‌گیری کاربردی؛

اجداد مادری (یا همان پدربزرگ و مادربزرگ مادری) در «مقدار و میزان سهمی که می‌برند» با اخوه مادری (یا همان خواهر و برادر مادری) مساوی نیستند (زیرا اجداد مادری باقیمانده را می‌برند، نه سهم ثابت را)؛ اما در «نحوه تقسیم آن سهم بین خودشان» دقیقاً مشابه اخوه مادری عمل می‌کنند و مساوی هستند (یعنی همان‌گونه که برای هر کدام از اخوه مادری  $\frac{1}{3}$  میرسد به طور مساوی پس بین پدربزرگ و مادربزرگ مادری هم سهم شان به طور مساوی و برابر تقسیم می‌شود).


## طبقه سوم؛ اعمام و احوال (عموها، عمه‌ها، دایی‌ها و خاله‌ها)

### بخش اول؛ قاعده کلی ورود به طبقه سوم؛

این طبقه تنها زمانی ارث می‌برند که هیچ‌کس از وارثین طبقه اول (والدین و اولاد) و طبقه دوم (اجداد و برادران / خواهران) زنده نباشد.

#### ۱. قاعده تنزیل در طبقه سوم (عموها به جای پدر، دایی‌ها به جای مادر)

در طبقه سوم نیز قاعده‌ی جانشینی (تنزیل) با دقت تمام اجرا می‌شود. تمام خویشاوندان سمت پدری (عموها و عمه‌ها) جایگاه پدر را می‌گیرند و سهم او (دوسوم) را می‌برند، و تمام خویشاوندان سمت مادری (دایی‌ها و خاله‌ها) جایگاه مادر را می‌گیرند و سهم او (یک‌سوم) را می‌برند.

-  منبع و مستندات مؤلف؛
  - در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
    - تحت عنوان دقیق « ماده ی هشتاد و چهارم در ارث اعمام و احوال »<sup>۱</sup>
  - در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
    - تحت عنوان دقیق « قاعده دویم در اینکه اعمام و احوال به منزله پدر و مادر است در ارث بردن »<sup>۲</sup>
  - در کتاب اساس الاسلام
    - در خصوص طبقه سیم است که اعمام و احوال و اولاد و نواده‌های ایشان باشند.<sup>۳</sup>

-  بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه به اختصار
  - در «تهذیب» از خزّاز روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود؛
  - در کتاب امیرالمومنین علیه السلام چنین است که عمه به منزله ی پدر و خاله به منزله ی مادر است.<sup>۴</sup>
  - و در تهذیب از ابوالایوب روایت کرده که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که؛
  - در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام است که عمه به منزله پدر و خاله به منزله مادر ... و فرموده؛ و هر ذی رحم به منزله آن رحم است که کشیده شود بر آن رحم ...<sup>۵</sup>

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۲ خط ۱۶ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۵ ح ۱۱۷۱  
(۵) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۸ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۵ ح ۱۱۷۰

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۱ م ۸۴  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۸ ق ۲  
(۳) اساس الاسلام از ص ۲۵۱

• بیان و استدلال آقا؛ 📌

○ « و در صحیح ابی ایوب و ابن خالد در تهذیب ذکر شد که عمه به منزله پدر است و خاله به منزله مادر است پس بنا بر این از برای عمه دو ثلث ترکه میت است و برای خاله یک ثلث است یعنی از برای طرف پدر که عم و عمه و بعد از ایشان اولاد آن‌ها باشد سهم پدر است که دو ثلث ما ترک است و از برای طرف مادر که خال و خاله و بعد از عدم وجود ایشان اولاد آن‌ها است یک ثلث ما ترک است.»<sup>۱</sup>

۲. ماجرای تاریخی بنی‌عباس و ردّ ارثِ عمو در حضورِ فرزند

خلفای عباسی همواره ادعا می‌کردند که چون عباس (عموی پیامبر) زنده بود، او وارث برحق پیامبر صلی الله علیه و آله است، نه حضرت فاطمه (س). مرحوم مؤلف سید حسین عرب باغی رحمت الله علیه با استناد به مباحثات ائمه اطهار علیه السلام، این بدعت تاریخی را در هم می‌شکنند و ثابت می‌کنند عمو در طبقه سوم است و با وجود فرزند، هیچ سهمی ندارد.

• منبع و مستندات مؤلف؛ 📖

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هشتاد و چهارم در ارث اعمام و احوال »<sup>۲</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده چهارم در اینکه با وجود اعمام و احوال اولاد آن‌ها ارث نمی‌برند » و حدیث حسن بن عماره<sup>۳</sup>
- در کتاب اساس الاسلام
  - در حدیث حسن بن عماره.<sup>۴</sup>

• بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه به اختصار 📄

○ در تهذیب از حسن بن عماره روایت کرده که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود ؛  
ای حسن بن عماره کدام یکی اقرب است بر کسی، پسر عم پدری و مادری، و یا پسر عم پدری فقط؟

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۱ تا ص ۱۷۳

(۴) اساس الاسلام از ص ۲۵۲ تا ص ۲۵۴

(۱) اساس الاسلام ص ۲۵۱ خط ۱۰

(۲) قانون الاسلام از ص ۱۱۵ تا ص ۱۱۸

گفتم؛ ابواسحق روایت کرده از حارث اعور که امیرالمؤمنین فرموده که اعیان بنی الام اقرب است از بنی علات، یعنی برادران پدری و مادری، اقربند از برادران پدری فقط، پس آن حضرت بعد از شنیدن این حدیث برخاست و نشست و فرمود که این حدیث را از چشمه صاف آورده بدانکه پدر رسول الله صلی الله علیه و آله که عبدالله بوده برادر پدری و مادری ابوطالب بود.<sup>۱</sup>

### • بیان و استدلال آقا در حدیث به تفصیل؛

لطفا با دقت به این بیان و ترجمه به فارسی حدیث (حسن بن عماره) که مولف عزیز در قانون الاسلام در جهت رد ادعای خلفای عباسی بیان میفرماید بنگرید؛

مولف عزیز میفرماید که؛ و آن حدیث این است که در «تهذیب» از حسن بن عماره روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود؛

« أَيُّمَا أَقْرَبُ ابْنُ عَمٍّ لَابٍ وَ أُمٍّ أَوْ عَمٍّ لَابٍ ؟ » یعنی؛ کدام یکی به میت نزدیک تر است پسر عم پدری و مادری، یا عم پدری فقط ؟

حسن گفت که عرض نمودم؛ به ما نقل نموده ابواسحاق سبیبی از حارث اعور از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرموده « أَعْيَانُ بَنِي الْأُمِّ أَقْرَبُ مِنَ بَنِي الْعَلَاتِ » یعنی؛ برادران و خواهران پدری و مادری نزدیک ترند از برادران و خواهران پدری فقط.

مولف عزیز میفرماید که؛ یعنی؛ بعد از آن که برادر پدری و مادری از برادر تنها پدری نزدیک تر شد البته پسران او نیز از پسران برادر پدری نزدیک تر خواهند شد زیرا که اولاد تابع پدر است در نزدیک تر بودن و دورتر بودن .

(در ادامه حدیث) حسن بن عماره گفت؛ « فَاسْتَوَى جَالِسًا ، ثُمَّ قَالَ جِئْتُ بِهَا مِنْ عَيْنِ صَافِيَةٍ إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ أَبَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَخُو أَبِي طَالِبٍ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ » یعنی؛ آن حضرت به مجرد شنیدن حدیث منقول از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در حالت آرامی و خوشحالی نشسته و بعد از آن فرمود که؛ این مسئله را از چشمه ی صاف آورده ای، بلی چنین است که برادر پدری و مادری از برادر تنها پدری نزدیک تر است به شخص و به درستی که حضرت عبد الله علیه السلام پدر بزرگوار حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله برادر پدری و مادری حضرت ابوطالب علیه السلام پدر عالی مقدار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود.»

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۱ ح آخر | تهذیب ج ۹

ص ۳۲۶ ح ۱۱۷۲

👉 مولف عزیز میفرماید که؛ و این حدیث دلیل آنها (بنی عباسی) است که می‌گویند پسر عم پدری و مادری از عم پدری مقدم است در ارث بردن و ابدا در این حدیث دلالتی به گفته ی ایشان ندارد و مراد حضرت صادق علیه السلام بر این است که همیشه بنی عباس افتخار می‌کنند و دلیل ریاست و آقایی خود را منوط و مربوط می‌نمایند بر این که آن‌ها پسران عم حضرت رسول الله هستند و از جهت این مناسبت، فخر و مباهات و ادعای استحقاق امامت و خلافت می‌کنند، پس حالا که منسوبیت به آن حضرت اثر و امتیاز دارد در این صورت ما امامان که از اولاد ابوطالبیم در نسبت و قرابت به آن حضرت از آن‌ها مقدم تر هستیم زیرا که تو ای حسن بن عماره تصدیق داری که برادر پدری و مادری از برادر پدری فقط نزدیک تر است چنانکه در این خصوص از ابی اسحاق از حضرت امیرالمومنین علیه السلام نقل قول کردی و تو نیز میدانی که حضرت ابوطالب پدر ما اهل بیت برادر پدری و مادری حضرت عبدالله پدر حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بوده و پدر آن‌ها عباس فقط برادر پدری بوده.

👉 این است ترجمه ی حدیث به فارسی و غیر از این معنای دیگر ندارد و از آن جهت این حدیث را با لفظ عربی که از امام صادر شده نقل کردم و ترجمه به معنای آن را بعد از نقل الفاظ عربی آن ذکر نمودم تا اینکه برای آنان که از لسان عربی بی بهره اند شک نماند و اموال ذوی الحقوق نیز بر غیر ذوی الحقوق داده نشود .

👉 و اشخاصی که می‌گویند با وجود پسر عم مادری و پدری، عم پدری از ارث محروم است دلیل آن‌ها عطف کردن «عم» دوم است بر «ابن عم» نه عطف «عم» بر «عم» و قرائت «عم» دوم با ضم است نه با کسر و بنابراین الفاظ اول حدیث با الفاظ وسط آن و وسط آن با آخر آن وفق ندارد زیرا که سؤال حضرت صادق علیه السلام از این می‌شود که کدام یکی اقرب است «ابن عم ابوینی یا عم ابی»، حسن بگوید که برادر پدری و مادری از برادر پدری اقرب است، و بعد از آن، حضرت بفرماید که ابوطالب برادر ابوینی عبدالله پدر رسول الله بود در بین این سؤال و جواب آن ربطی پیدا نمی‌شود و اول حدیث یک چیز و وسط آن چیز دیگر و آخر آن حکایت علاحدّه می‌شود پس باید «عم» دومی را به کسر خواند، چنان که «عم» اول نیز به کسر است و هر دو مضاف الیه اند و لفظ «ابن» در اول هر دو خواهد آمد. «ابن عم لاب و ام او ابن عم لاب».

👉 و دلیل دیگر بر این که عم پدری مقدم بر ابن عم پدری و مادری است و بر این که ترجمه ی حدیث به آن نحو است که ذکر شد حدیث «عیون» و «احتجاج» است که از ابن محمود عبیدی روایت کرده اند که حضرت کاظم علیه السلام وارد شد به منزل هرون و او از آنحضرت علیه السلام چند سؤال کرد تا این که گفت؛ شما اولاد علی چرا به ما اولاد عباس زیادتی می‌جوئید و حال آن که ما و شما از فروع یک درختیم و در یک طبقه هستیم ما از اولاد عباسیم و شما از اولاد ابوطالب و آن هر دو عم رسول الله صلی الله علیه و آله بوده اند و قرابت هر دو عم به آنحضرت یکسان است؟

حضرت کاظم علیه السلام فرمود؛ ما اهل بیت از شما اولاد عباس به آنحضرت نزدیکتریم به جهت آن که عبدالله با ابوطالب برادر پدر و مادری بود و با عباس برادر پدری و مادر عباس مادر عبدالله نبود. هرون این سخن را تصدیق کرد و بعد از آن عرض کرد؛

شما چرا ادعا می‌کنید که ارث حضرت رسول صلی الله علیه و آله به ما می‌رسد و حال آن که عباس در حال حیات بود که آن حضرت وفات کرد و با وجود عم پدر شما، علی که پسر عم است وارث نتواند شد، زیرا که «الْأَقْرَبُ يَمْنَعُ الْأَبْعَدُ» عم که نزدیک تر است پسر عم را که از آن عقب تر است از بودن ارث شرعاً منع می‌کند.

پس آن حضرت هرون را تصدیق کرد و بعد فرمود؛ اگر مرا امنیت بدهی تو را می‌گویم که چرا با وجود عم، ما اولاد ابن عم وارث شدیم؟ هرون گفت؛ امنیت دادم به تو بگویند.

حضرت فرمود؛ در فرمایش پدر ما علی ابن ابیطالب است و اغلب مردمان نیز به این مسئله عالم اند که شرعاً با وجود اولاد صلبی برای میت از برای احدی از اقربای میت ارث نیست مگر برای پدر و مادر و زوج و زوجه، و فاطمه سلام الله علیها دختر آن است در حال حیات بود وقتی که پدرش وفات کرد و ما از آن جهت اولی به ارث شدیم، و ثابت نکرده است کتاب خداوند، نطق نمی‌کند به این که با وجود ولد صلبی برای عم سهمی است از ارث، و لکن تیمی و عدی و بنی امیه گفتند که عم به جای پدر است و ارث می‌برد و این فتوی را از رأی خودشان دادند بدون استناد آن به کتاب خدا و خبر رسول او... (تا آخر حدیث).

👉 لاجرم از این حدیث (عیون) معلوم شد که با وجود عم پدری، پسر عم پدری و مادری وارث نمی‌شود و این هم واضح گردید که در بین حضرات ائمه علیهم السلام و خلفای بنی عباس گفتگوها شده در اقریبیت هر یک از آن دو خانواده به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و نظر عباسیان در زمان خلافت خودشان بر این بود که افتخار کنند بر این که آن‌ها پسر عم رسول الله صلی الله علیه و آله اند و اولاد امیرالمومنین علیه السلام پسر عم رسول خدا صلی الله علیه و آله اند و حضرت صادق علیه السلام نیز برای رد دعوی ایشان فرموده که اگر بنا باشد به آن که کسی فخر نماید به این که او پسر عم رسول الله است، پس ما اهل بیت علیهم السلام قطع نظر از این که اولاد عم پدر و مادری آن حضرتیم از بطن صدیقه ی طاهره علیها السلام که صبیّه ی مرضیه ی او است اولاد آنحضرت نیز هستیم و علی هذا قرابت ما از همه کس به آنحضرت بیشتر و نزدیک تر است.<sup>۱</sup>

پس طبق حدیث مباحثه هارون‌الرشید با امام موسی کاظم علیه السلام معلوم شد که ادعای خلفای بنی عباسی در مورد بردن ارث رسول خدا صلی الله علیه و آله باطل است چون حضرت زهرا اطهر سلام الله علیها در قید حیات بودند.

و همچنین معلوم شد که با وجود اقرب به میت کسی دیگر در میراث آن میت حق ندارد.

### ۳. فتوای خاص و شجاعانه‌ی مؤلف؛ ابطال تقدم «پسرعموی تنی» بر «عموی ناتنی»

در فقه مشهور شیعه، یک استثنای معروف وجود دارد که می‌گویند؛ «پسرعموی تنی (ابوینی)، عموی ناتنی (پدري) را از ارث محروم می‌کند». اما عالم بزرگوار سید حسین عرب‌باغی رحمت الله علیه با یک استدلال کوبنده‌ی روایی و ادبی، این نظر مشهور (حتی نظر شیخ صدوق) را باطل دانسته و قانون «الْأَقْرَبُ يَمْنَعُ الْأَبْعَدُ» را بدون هیچ استثنایی جاری می‌دانند.

#### • منبع و مستندات مؤلف؛

#### • در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)

○ تحت عنوان «قاعده چهارم در اینکه با وجود اعمام و احوال اولاد آن‌ها ارث نمی‌برند»<sup>۱</sup>

#### • بیان و استدلال مؤلف در حدیث

• مؤلف عزیز و فقیه با کالبدشکافی دقیق حدیث «حسن بن عماره» می‌فرمایند؛ پس بنابراین «او عم» با کسر میم است، و مضاف الیه است، و «ابن» بر سر او آمده است و تقدیر اینست «ابن عم لاب و ام او ابن عم لاب» و بعض علماء سهو کرده و «عم» دویم را با ضم خوانده و عطف کرده بر «ابن» اول، و قرابت را در میان «ابن عم» پدری و مادری و «عم» پدری گرفته، مثل صدوق و گفته که «ابن عم» از «عم» پدری اقرب است، و حال اینکه بنابراین حدیث حرث اعور از امیرالمؤمنین علیه السلام شاهد نمی‌شود، و آن حدیث بر امام جعفر صادق علیه السلام دلیل نخواهد شد و اول حدیث حسن ابن عماره با آخر حدیث بدون ربط می‌شود، و علاوه فرمایش صدوق و تابعان قرائت او با آیه «اولوا الارحام» و با احادیث ضد می‌شود، و علاوه فرمایش محرز در «ابن عم» و خاله و در «ابن عم» و خال در هر دو فرمود که؛ مال میت از برای خاله و خال است، و در ارث طبقه اول ذکر شد حدیث محمد عبیدی در عیون و احتجاج طبرسی که هارون به امام موسی کاظم علیه السلام گفت که؛ چرا شما اولاد علی ادعا دارید که از رسول الله صلی الله علیه و آله ورثه شدید، و حال اینکه عمّ منع می‌نماید پسر عمّ را، و در وقت وفات رسول الله صلی الله علیه و آله عمّ آن حضرت ابوطالب وفات کرده بود، و

پدر ما عباس عمّ آن حضرت زنده بوده، و در جواب این از هارون امان خواسته و فرمود که؛ ارث بردن ما اولاد علی از این جهت است که علی فرموده که با وجود ولد صلب، ذکور باشد و یا اناث گردد کسی ارث نمی‌برد مگر والدان و زوجان، و ثابت نشده از برای عمّ با وجود صلب میراثی (تا آخر حدیث) که در آنجا ذکر شده.

👉 و در این حدیث نیز امام موسی کاظم علیه السلام تصدیق کرد که با وجود عم پدری پس ابن عم پدری و مادری ارث نمی‌برد، و ارث مال اقرب است در قرآن و در فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله. 👉 پس از آنچه حقیر در اینجا در شرح حدیث حسن بن عماره بیان کرد معلوم شد که با وجود عم پدری ابن عم پدری و مادری ارث نمی‌برد و لفظ عم در این حدیث مضاف الیه است، و تقدیرش اینست «ابن عم لاب و ام او ابن عم لاب» نه اینکه «او عم» با ضم میم باشد که صدوق خیال کرده، و جمعی بر او تابع شده اند، و این حدیث را در کتاب الدرّة الغریبه شرح و تحقیق کرده ام «فخذه و کن من الشاکرین»، و قل الحمد لله رب العالمین.<sup>۱</sup>

### بخش دوم؛ جدول جامع سهام طبقه سوم (أعمام، أخوال و اولادِ آن‌ها)

نقطه مهم؛ این طبقه تنها زمانی ارث می‌برند که هیچ‌کس از طبقات اول و دوم زنده نباشد.

شرایط و نحوه تقسیم	مقدار سهم و قسمت	وارث
قاعده «تنزیل»؛ خویشان پدری به منزله پدر (دوسوم) و خویشان مادری به منزله مادر (یک‌سوم) ارث می‌برند.	سهم شرعی؛ طرف پدری (عمو/عمه)؛ دوسوم طرف مادری (دایی/خاله)؛ یک‌سوم قسمت‌ها؛ ترکیه ۳ قسمت میشود.	عموها/عمه‌ها + (پدری) دایی‌ها/خاله‌ها (مادری)
<p>قانون الاسلام؛ در حدیث ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام؛ «اگر کسی بمیرد و از برای او عم و خال باشد برای عم او دو ثلث و برای خال او یک ثلث است.»<sup>۲</sup></p> <p>اساس الاسلام؛ در صحیحه مرادی است از حضرت صادق علیه السلام؛ «کسی که مرده و وارث او منحصر شود بر عم و خال او از برای عم او دو ثلث است و برای خال او یک ثلث است.»<sup>۳</sup></p> <p>قواعد الاسلام؛ در حدیث ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام؛ «کسی مرده که عم و خال داشته که دو ثلث حق عم است و یک ثلث مال خال است.»<sup>۴</sup></p>		

۱

(۳) اساس الاسلام ص ۲۵۱ خط ۱۹ | کافی ج ۷ ص ۱۱۹ ج ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۴ ح ۱۱۶۲  
(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۹ خط ۱۷ | کافی ج ۷ ص ۱۱۹ ج ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۴ ح ۱۱۶۲

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۲ تا ص ۱۷۳  
(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۲ خط ۱۱ | کافی ج ۷ ص ۱۱۹ ج ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۴ ح ۱۱۶۲

<p>اگر وارث فقط عمو و عمه باشند، مانند خواهر و برادر پدری، مال را با تفاوت (لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنِ) می‌برند.</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> تمام مال (طبق قرابت پدری). <b>تعداد قسمت؛</b> با تفاوت تقسیم می‌شود (مرد دو برابر زن).</p>	<p><b>فقط عمو و عمه (سمت پدری)</b></p>	<p>۲</p>
<p><b>قانون الاسلام؛</b> «کسی که ورثه ی او منحصر شود بر عم (عمو) و عمه برای عم دو ثلث است و برای عمه یک ثلث.»<sup>۱</sup> <b>اساس الاسلام؛</b> در بیان مولف؛ «... و اگر وارث میت منحصر شود بر عم و عمه از برای عم دو ثلث است و برای عمه یک ثلث.»<sup>۲</sup> <b>قواعد الاسلام؛</b> «در عم و عمه که از برای عم دو سهم و از برای عمه یک سهم است.»<sup>۳</sup></p>			
<p>اگر وارث فقط دایی و خاله باشند، مانند خواهر و برادر مادری، بین آن‌ها تفاوتی نیست و مساوی می‌برند.</p>	<p><b>سهام شرعی؛</b> تمام مال (طبق قرابت مادری). <b>تعداد قسمت؛</b> با تساوی تقسیم می‌شود (سهم مرد و زن برابر است).</p>	<p><b>فقط خال و خاله (سمت مادری)</b></p>	<p>۳</p>
<p><b>قانون الاسلام؛</b> «چنان که خال و خاله ثلث را مساوی قسمت میکنند عم و عمه نیز دو ثلث را با تفاوت...»<sup>۴</sup> <b>اساس الاسلام؛</b> در حدیث ابن محرز از آن حضرت است؛ «ثلث خال و خاله در بین ایشان بالسویه (مساوی) است...»<sup>۵</sup> <b>قواعد الاسلام؛</b> «تفاوت را در عم و عمه بیان کرده اند و در خال و خاله بیان نکرده اند... پس خال و خاله مثل برادر و خواهر مادری میت اند که در میان ارث میت مساوی است.»<sup>۶</sup></p>			

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۳ خط ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۸ ح ۱۱۷۹  
 (۲) اساس الاسلام ص ۲۵۱ خط ۲۳  
 (۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۶۹ خط ۲۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۸ ح ۱۱۷۹  
 (۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۳ خط ۶  
 (۵) اساس الاسلام ص ۲۵۲ خط ۶ | تهذیب ج ۹ ص ۳۲۸ ح ۱۱۷۹  
 (۶) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۰ خط ۱

عموی تنی حاجبِ عموی پدری است. (الأقرب یمنع الأبعد).	سهم شرعی؛ تمام مال برای ابوینی (تنی). عمو/عمه ناتنی (ابی) محرومند. تعداد قسمت؛ فقط بین تنی‌ها تقسیم می‌شود.	عمو/عمه تنی + (ابوینی) عمو/عمه ناتنی (ابی)	۴
<p>قانون الاسلام؛ در حدیث کناسی از حضرت باقر علیه السلام؛ «... عم پدری و مادری تو اولی است بر ارث تو از عم پدری تو...»<sup>۱</sup></p> <p>اساس الاسلام؛ در صحیحہ کناسی از حضرت باقر علیه السلام «... عم تو که برادر پدر تو است از پدر و مادر اولی است بر تو از عم تو که برادر پدر تو است از پدر فقط...»<sup>۲</sup></p> <p>قواعد الاسلام؛ در حدیث کناسی از امام جعفر صادق علیه السلام؛ «... عم تو که برادر پدر تو است از پدر و مادر اولی است بر تو از عم تو که برادر پدر تو است از پدرش تنها...»<sup>۳</sup></p>			
ابطال استثنای مشهور؛ بر اساس قاعده (الأقرب یمنع الأبعد)، هرگز با وجود عمو یا خاله (حتی ناتنی)، پسرعمو (حتی تنی) ارث نمی‌برد.	سهم شرعی؛ تمام مال برای عمو، دایی یا خاله. پسرعمو (حتی اگر تنی باشد) کاملاً محروم است. تعداد قسمت؛ مال فقط به طبقه بالاتر می‌رسد.	پسرعمو (یا پسرخاله) + عمو/دایی/خاله (فتوای اختصاصی در ردّ ادعای مشهور)	۵
<p>قانون الاسلام؛ «با بودن خال و خاله پسر عم ارث نمی‌برد و بلکه مال میت حق خال یا خاله است... و با وجود عم پدری، پسر عم پدری و مادری وارث نمی‌شود.»<sup>۴</sup></p> <p>اساس الاسلام؛ در حدیث ابن محرز از حضرت صادق علیه السلام؛ «... در وارث شدن پسر عم و خاله فرمود جمیع مال میت از برای خاله است و در پسر عم و خال فرمود ترکیه مال خال است...»<sup>۵</sup></p> <p>قواعد الاسلام؛ «پس از آنچه حقیر در اینجا در شرح حدیث حسن بن عماره بیان کرد معلوم شد که با وجود عم پدری ابن عم پدری و مادری ارث نمی‌برد و لفظ عم در این حدیث مضاف الیه است...»<sup>۶</sup></p>			

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۴ خط آخر و ص ۱۱۸ خط

۱

(۵) اساس الاسلام ص ۲۵۲ خط ۱۰ | تهذیب ج ۹

ص ۳۲۸ ج ۱۱۷۹

(۶) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۳ خط ۱۷

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۳ خط ۱۷ | تهذیب ج ۹

ص ۲۶۸ ج ۹۷۴

(۲) اساس الاسلام ص ۲۵۲ خط ۱۴ | تهذیب ج ۹

ص ۲۶۸ ج ۹۷۴

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۰ خط ۸ | تهذیب

ج ۹ ص ۲۶۸ ج ۹۷۴

<p>در صورت نبودن اعمام و احوال، فرزندان آنها جانشین پدر و مادر خود شده و سهم آنها را می‌برند.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> پسرعمو؛ به منزله عمو (دوسوم) پسرخاله؛ به منزله خاله (یک‌سوم) <b>تعداد قسمت؛</b> ترکه ۳ قسمت می‌شود.</p>	<p><b>پسرعمو + پسرخاله</b> <b>(فرزندان طبقه سوم)</b></p>
<p><b>٦ قانون الاسلام؛</b> در حدیث ابن محرز از حضرت صادق <small>علیه السلام</small>؛ «و در پسر عم و پسر خاله فرمود؛ از برای پسر عم دو ثلث و از برای پسر خاله یک ثلث.»<sup>١</sup> <b>اساس الاسلام؛</b> و همچنین است حدیث ابن محرز از حضرت صادق <small>علیه السلام</small> در اساس الاسلام؛ «و در پسر عم و پسر خاله فرمود از برای پسر عم دو سهم و از برای پسر خاله یک سهم است.»<sup>٢</sup> <b>قواعد الاسلام؛</b> و همچنین است حدیث ابن محرز از حضرت صادق <small>علیه السلام</small> در قواعد الاسلام؛ «در ابن عم و ابن خاله فرمود که از برای ذکور دو سهم است و از برای اناث یک سهم است، یعنی ابن عم از طرف پدر است و ابن خاله از جانب مادر است.»<sup>٣</sup></p>		
<p>با وجود طبقه سوم، چون میت فرزند ندارد، همسر (زوج یا زوجه) بیشترین سهم خود را می‌برد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> همسر؛ نصیب اعلی (۱/۲ یا ۱/۴) خاله/دایی؛ یک‌سوم باقیمانده عمو/عمه؛ باقیمانده مال <b>تعداد قسمت؛</b> سهم همسر کسر شده و بقیه بین اعمام و احوال تقسیم می‌شود.</p>	<p><b>همسر (زوج/زوجه) +</b> <b>طبقه سوم</b></p>
<p><b>اساس الاسلام؛</b> «اگر هر یکی از عم و عمه و یا خال و خاله با زوج و یا زوجه جمع بشود زوج نصف ترکه را و زوجه ربع آن را وارث می‌شود و باقی مال هر یکی از ایشان است که باشد ... و اگر اعمام و احوال با زوج جمع شوند نصف مال زوج است... و ثلث ترکه مال خال و خاله... و باقی ترکه بعد از اخراج نصف و ثلث یک سدس است و آن مال عم و عمه.»<sup>٤</sup></p>		

(٣) قواعد الاسلام ج ٣ ص ١٧٠ خط ١٩ | تهذیب ج ٩ ص ٣٢٨ ح ١١٧٩  
(٤) اساس الاسلام ص ٢٥٢ خط ١

(١) قانون الاسلام ج ١ ص ١١٤ خط ٨ | تهذیب ج ٩ ص ٣٢٨ ح ١١٧٩  
(٢) اساس الاسلام ص ٢٥٢ خط ١٢ | تهذیب ج ٩ ص ٣٢٨ ح ١١٧٩

## فصل سوم؛ احکام ارث زوج و زوجه (زن و شوهر)

### بخش اول؛ قاعده کلی از احکام ارث زوج و زوجه

ارث زوج و زوجه (شوهر و همسر)، یگانه توارثی در فقه اسلامی است که منحصرأً به خاطر عقد نکاح دائم استوار بوده و ارتباطی به پیوندهای خونی (طبقات سه‌گانه فامیلی) ندارد؛ بدین معنا که حضور هیچ‌یک از ورثه نسبی (از فرزندان تا عموها و دایی‌ها)، نمی‌تواند مانع ارث‌بری همسر شود، بلکه تنها حضور بستگان میت فقط باعث می‌شود سهم همسر بین بیشترین حالت (نصف، یعنی ۱/۲ برای شوهر و یک‌چهارم ۱/۴ برای زن) و در کمترین حالت (یک‌چهارم ۱/۴ برای شوهر و یک‌هشتم ۱/۸ برای زن) تغییر کند.

در این قانون، شوهر از تمام دارایی‌های به‌جامانده از همسرش ارث می‌برد. اما زن، به این دلیل که پیوند خونی با خانواده شوهر ندارد و فردی است که از بیرون وارد این خانواده شده، از خود اموال (مثل زمین، ساختمان و باغ) سهمی نمی‌برد؛ بلکه سهم زن فقط از اموال قابل جابه‌جایی و «پول مصالح به کار رفته در ساختمان» پرداخت می‌شود.

همچنین شارع مقدس، این پیوند ارث‌بری در دو حالت خاص پس از طلاق هم پابرجا می‌ماند: اول در «طلاق قابل بازگشت» (چنانچه در روزهای عده اتفافی بیفتد) و دوم در «طلاق که در بستر بیماری انجام شود» (تا یک سال بعد از طلاق، به این شرط که شوهر از آن بیماری خوب نشده باشد و زن هم شوهر دیگری نکرده باشد).

💡 خب قبل از ورود به جدول سهام ارث زوج و زوجه بهتر است چند اصل مهم این بخش را بهتر درک کنیم.

### ۱. سهم پایه‌ی زوج و زوجه (در صورت وجود و عدم «ولد»)

سهم همسران از ارث ثابت است و هرگز به دلیل حضور طبقات دیگر کسر نمی‌شود. سهم شوهر (نصف یا یک‌چهارم) و سهم زن (یک‌چهارم یا یک‌هشتم) است. اگر مرد چند زن دائم داشته باشد، همه آن‌ها در همان یک سهم (یک‌چهارم یا یک‌هشتم) شریکند.

• منبع و مستندات مؤلف؛

• در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)

○ تحت عنوان دقیق « ماده ی هفتاد و پنجم در ارث زوج و زوجه است »<sup>۱</sup>

- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده اول در ارث آنها با وجود اولاد و با عدم ولد »<sup>۱</sup>
- در کتاب اساس الاسلام
  - در خصوص ارث زوج و زوجه.<sup>۲</sup>

• بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه به اختصار

○ در کافی از محمد بن مسلم روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرمود که ؛ ارث نمی‌برد با وجود مادر و یا پدر و یا اولاد میت، مگر زوج و زوجه پس از برای زوج نصف است در فرض عدم ولد و برای او ربع است با وجود ولد و برای زوجه ربع است با نبودن اولاد و برای او ثمن است با بودن اولاد و زوج از نصف و زوجه از ربع ناقص نمی‌شوند با عدم ولد و زوج از ربع و زوجه از ثمن ناقص نمی‌شوند با وجود ولد .<sup>۳</sup>

○ و در نص آیه شریفه ؛ « وَ لَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ. »  
یعنی؛ « از برای شما نصف ترکه ی زنان شما است اگر آن ها اولاد و نواده نداشته باشند پس اگر برای آن ها اولاد و نواده بوده باشد در این صورت از ترکه ی آن ها برای شما یک ربع است و این نصف ترکه و یا ربع آن بعد از وضع مال الوصیه و دین آن ها است.»<sup>۴</sup>

○ و در نص آیه ؛ « وَ لَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ .»  
یعنی؛ « از برای زنان شما از ترکه ی شما یک ربع است اگر از برای شما اولاد و نواده نباشد ، پس اگر برای شما اولاد و نواده بوده باشد از برای آن ها یک ثمن هست (هشت یک) بعد از اخراج دین و وصیت شما است نه قبل از اخراج آنها.»<sup>۵</sup>

(۴) سوره نساء آیه ۱۲ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۸ م  
۷۵ آیه اول

(۵) سوره نساء آیه ۱۲ | قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۸ م  
۷۵ آیه دوم

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۰ ق ۱

(۲) اساس الاسلام از ص ۲۳۲

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۰ ح ۱ | کافی ج ۷ ص

۸۲ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۵۱ ح ۹۶۹

- در تهذیب در صحیحہ ابن شاذان از عبدی روایت کرده در حدیث مفصل کہ حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمود ؛
- زیاد نمی‌شود ارث زوج از نصف و نقص نخواهد شد از ربع و زیادہ نمی‌شود ارث زوجہ از ربع و نقصان نمی‌گردد از ہشت یک و ہر چندی کہ چہار نفر بودہ باشند و یا کمتر از این و ہمہ ایشان در آن مساوی می‌باشند.<sup>۱</sup>

## ۲. حکم انحصار وراثت بہ زوج یا زوجہ

اگر میت هیچ وارث خونی و نسبی نداشته باشد، بین شوهر و زن تفاوت است. شوهر تمام اموال همسرش را می‌برد، اما زن فقط همان یک‌چهارم خود را می‌برد و مابقی مال امام (بیت‌المال) است، مگر اینکه زن با شوهرش خویشاوند (نسبی) ہم باشد.

### • منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی ہفتاد و پنجم در ارث زوج و زوجہ است »<sup>۲</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعدہ سوم در اینکه اگر زوج تنها باشد در ارث زوجہ پس ہمہ ترکہ حق زوج است » و « قاعدہ چہارم در میراث زوجہ با تنها بودن او کہ برای او ربع است »<sup>۳</sup>
- در کتاب اساس الاسلام : در خصوص ارث زوج از زنش پس از جمیع ترکہ زوجہ است.<sup>۴</sup>

### • بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه

- چنان کہ در «فقیہ» و «تهذیب» از ابی بصیر روایت کردہ اند کہ گفت سؤال کردم از حضرت باقر علیہ السلام ؛
- از زنی کہ مردہ و غیر از زوج ورثہ ی دیگر ندارد؟
- حضرت فرمود ؛ در صورتی کہ ورثہ ی او منحصر است بہ زوج او، پس جمیع ترکہ ی او بہ زوج او می‌رسد و اما اگر زوج وفات نماید و غیر از زوجہ ورثہ نداشته باشد در

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۱ ق ۳ و ۴

(۴) اساس الاسلام از ص ۲۳۷

(۱) اساس الاسلام ص ۲۳۷ خط آخر | تهذیب ج ۹

ص ۲۴۹ ج ۹۶۴

(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۸ م ۷۵

این فرض برای زوجه ی او از ترکه ی او یک ربع است و باقی سه ربع از برای امام علیه السلام است.<sup>۱</sup>

و در مقابل این احادیث صحیحه هرگاه در بعض احادیث ظاهر شود که در صورت منحصر شدن ورثه به زوجه جمیع ترکه ی زوج حق زوجه است پس آن ها محمول می شود بر بودن زوجه از اقبای زوج به قرینه ی حدیث ابن یسار بصری از حضرت رضا علیه السلام در «تهذیب» و «استبصار» که گفت سؤال کردم از آن حضرت؛ از کسی که وفات نمود و بعد از خودش یک نفر زن دارد و آن زن نیز از اقبای او است؟

حضرت فرمود؛ همه ی مال آن مرد به آن زنش می رسد.<sup>۲</sup>

پس از این حدیث صحیح معلوم شد که وارث شدن زوجه به جمیع ترکه ی زوج در صورتی است که آن زن از اقبای آن مرد باشد نه در هر مورد.<sup>۳</sup>

### ۳. محرومیت زوجه از عین املاک (ارث از قیمتِ هوایی و مصالح)

یکی از دقیقترین احکام ارث این است که زن از اصل زمین، مزرعه و عین ساختمان ارث نمی برد، بلکه ساختمان را فرضاً تخریب شده و نقض شده در نظر می گیرند و زن از قیمت مصالح آن ارث می برد. حکمت آن، جلوگیری از ورود بیگانگان (در صورت ازدواج مجدد زن) به املاک خانواده است. همچنین دادن عین مصالح یا قیمت آن ها در اختیار ورثه است.

#### • منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هفتاد و هفتم در عدم ارث زوجه از زمین و خانه ی زوج »<sup>۴</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « پنجم در عدم ارث زوجه از املاک زوج »<sup>۵</sup>
- در کتاب اساس الاسلام
  - در خصوص این که ارث زوجه را منحصر در منقولات فرموده اند.<sup>۶</sup>

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۹ خط ۱۹ | تهذیب ج ۹ ص ۲۹۴ ح ۱۰۵۵ | فقیه ج ۴ ص ۲۶۲ ح ۵۷۱۲  
 (۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۰ خط ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۱۳۲ ق ۵  
 (۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۰ خط ۸  
 (۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۳ م ۷۷  
 (۵) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۲ ق ۵  
 (۶) اساس الاسلام از ص ۲۳۲ تا ص ۲۳۶

## • بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه

- در «کافی» و «تهذیب» از زراره روایت کرده اند که حضرت باقر علیه السلام فرمود؛  
به درستی که زوجه ارث نمی برد از ترکه ی زوج خود از دهات و از خانه ها و از اسلحه  
و از حیوانات او ، و ارث می برد از نقد و فرش و لباس و متاع خانه ی او و قیمت  
می شود نقض شده ها از بناها و درهای آن ها و چوب های عمارات و قصب و داده  
می شود حق زوجه از قیمت آن ها.<sup>۱</sup>
- و در «فقیه» و «تهذیب» از محمد بن سنان روایت کرده اند که حضرت رضا علیه السلام  
به او نوشت؛  
جهت اینکه زوجه از زمین و خانه و عمارات ارث ندارد مگر قیمت خشت پخته و  
نقض شده از عمارات را این است که عمارات و زمین را نمی توان تغییر و تبدیل نمود  
و ممکن است قطع شدن عصمت از بین زوج و زوجه و تغییر و تبدیل زوجه اما اولاد  
و پدر و مادر این طور نیست و از ایشان چاره ندارد ، پس زوجه ای که ممکن است  
آمدن و رفتن او میراث او نیز در آن چیز می شود که تغییر و تبدیل او ممکن است  
باشد؛ و آن چه از ترکه ی زوج ثابت باشد به آن ورثه راجع است که ثابت شود در  
نسب .<sup>۲</sup>
- و بنا بر این احادیث عمارتی که یک هزار تومان در تعمیر و بنای آن خرج شده و  
صاحبش مصرف نموده قیمت آلات و اسباب و خشت و درخت آن بعد از بیرون  
کردن آن ها فرضاً و آن ها را نقض شده فرض کردن نهایت بر پنجاه تومان می رسد...<sup>۳</sup>
- و نیز از این احادیث معلوم شد که دادن قیمت به زوجه از ورثه اختیاری است و اگر  
از اعیان و از اصل بدهند پس اختیار دارند نه اینکه دادن قیمت واجب باشد بر ورثه.<sup>۴</sup>

(۳) اساس الاسلام ص ۲۳۵ پاراگراف آخر

(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۳ خط ۱۸

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۳ ح اول از م ۷۷ |

تهذیب ج ۹ ص ۲۹۸ ح ۱۰۶۵ | کافی ج ۷ ص ۱۲۷ ح

۲

(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۳ ح ۴ از م ۷۷ | تهذیب

ج ۹ ص ۳۰۰ ح ۱۰۷۴ | فقیه ج ۴ ص ۳۴۸ ح ۵۷۴۹

## ۴. توارث در انواع طلاق (رجعی، بائن و طلاق مریض)

در طلاق رجعی، زن و شوهر تا پایان عده از هم ارث می‌برند. در طلاق بائن ارثی در کار نیست. اما اگر مرد در حال بیماری همسرش را طلاق دهد، زن تا یک سال پس از طلاق از او ارث می‌برد.

## • منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هفتاد و ششم در ارث زن مطلقه با طلاق رجعی »<sup>۱</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده نهم در ثبوت ارث در بین زوج و زوجه در عده رجعیه » و « قاعده دهم در حکم ارث در طلاق مریض »<sup>۲</sup>
- در کتاب اساس الاسلام
  - در خصوص این که ارث زوجه را منحصر در منقولات فرموده‌اند.<sup>۳</sup>

## • بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه

○ در «کافی» و «تهذیب» از حلبی روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام فرمود ؛  
زمانیکه شخص طلاق داد زوجه ی خود را در حالتی که آن شخص مریض نبوده و طلاق نیز رجعی نبوده و طلاق خلعی بوده زوج از آن زوجه ارث نمی برد و آن زن نیز از آن مرد موروث نمی شود ، لکن اگر طلاق رجعی باشد از هم دیگر ارث می برند ، مادام که آن زن از حیض سوم پاک نشده باشد.<sup>۴</sup>

○ در کتب اربعه از ابوالعباس روایت کرده اند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود؛  
زمانی که طلاق داد مریض در مرض خود پس آن زن از او ارث می‌برد مادامی که در مرض بوده و اگرچه عده آن زن تمام شده باشد مگر اینکه از آن مرض صحت یابد گفتم هر چندی که مرض او طولانی باشد فرمود تا یکسال.<sup>۵</sup>

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۱ م ۷۶ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۸۳ ح ۱۳۶۹ | کافی ج ۷ ص ۱۳۴ ح ۳  
(۵) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۶ ق ۱۰ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۸۵ ح ۱۳۷۶ | کافی ج ۷ ص ۱۳۴ ح ۵

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۱ م ۷۶  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۵ ق ۹ و ۱۰  
(۳) اساس الاسلام از ص ۲۳۲

○ در «تهذیب» از هاشمی روایت کرده که گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود ؛

زن مطلقه به طلاق خلعی و زنی که به طلاق مبارات طلاق داده شده و زنی که از زوج خود با اختیار طلب طلاق نموده و مطلقه شده ارث نمی برد ، در صورتی که این طلاق ها در مرض زوج بوده باشد...<sup>۱</sup>

### ۵. حکم ارث در شرایط خاص ازدواج (نکاح مریض و متعه)

در ازدواج موقت (متعه) زن ارث نمی برد مگر در زمان عقد شرط شده باشد. در ازدواج دائم نیز اگر مرد در حال بیماری زنی را عقد کند و پیش از همبستری (دخول) به سبب همان بیماری از دنیا برود، عقد باطل است.

•  منبع و مستندات مؤلف؛

• در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)

○ تحت عنوان دقیق « قاعده یازدهم در عدم ارث زن متعه شده مگر به شرط کردن ارث در بین ایشان » و « قاعده دوازدهم در حکم نکاح مریض »<sup>۲</sup>

•  بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه

○ در کافی و تهذیب از ابونصر روایت کرده اند که امام رضا علیه السلام فرمود که ؛ تزویج کردن متعه نکاح به میراث و نکاح بدون میراث می شود، و اگر شرط ارث کردند پس میراث ثابت می شود، و اگر شرط نکردند میراث نمی شود.<sup>۳</sup>

○ و در کافی و تهذیب از زراره روایت کرده اند که امام محمد باقر علیه السلام فرمود که ؛ ... اگر مریض تزویج کرد و بر آن زن دخول نمود پس نکاح او نافذ است، و اگر دخول نکرد و مرد در آن مرض پس نکاح او باطل است، و از برای آن زن مهر و میراث نیست.<sup>۴</sup>

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۷ ق ۱۱ ح ۳ | تهذیب ج ۷ ص ۲۶۴ ح ۱۱۴۰ | کافی ج ۵ ص ۴۶۵ ح ۲  
(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۷ ق ۱۲ ح ۱ | تهذیب ج ۸ ص ۷۷ ح ۲۶۱ | کافی ج ۶ ص ۱۲۳ ح ۱۲

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۲ ح آخر | تهذیب ج ۸ ص ۱۰۰ ح ۳۳۵  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۷ ق ۱۱ و ۱۲

## ۶. حکم مشتبه شدن زن مطلقه (ناشناس ماندن همسر طلاق داده شده)

اگر مردی چند همسر دائم داشته باشد و یکی از آنها را طلاق دهد اما هنگام فوت مرد، معلوم نباشد کدام یک مطلقه شده است، احکام خاصی جاری می‌شود.

### • منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هفتاد و پنجم در ارث زوج و زوجه است »<sup>۱</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده ششم در زنی که مطلقه باشد و در میان زنان ارث برندگان مشتبه گردد »<sup>۲</sup>

### • بیان و استدلال مولف و حدیث یا آیه

○ در کافی و تهذیب از ابوبصیر روایت کرده اند که از امام محمد باقر علیه السلام سؤال کردم ؛

از کسی که چهار زن با عقد دائمی دارد و او رفت بر بعض بلاد و به یکی از زن‌های خود طلاق داده در آنجا و زنی در آنجا عقد کرده بعد از عده زن مطلقه خود و بعد از دخول بر آن زن مرده پس میراث او چگونه قسمت می‌شود در میان زن‌های او؟ فرمود ؛ اگر اولاد دارد پس از برای زنی که در آنجا تزویج کرده ربع هشت یک می‌رسد و اگر معلوم شد زن مطلقه او پس از برای آن از میراث او چیزی نیست و سه ربع هشت یک را در بین سه نفر زن قسمت می‌کنند و آن‌ها عده دارد و اگر آن زن مطلقه معلوم نشد در میان آن‌ها پس آن چهار نفر زن‌ها سه ربع هشت یک را چهار قسمت می‌کنند، و همه آن‌ها باید عده داشته باشند.<sup>۳</sup>

- و از این حدیث (ابی بصیر در قانون الاسلام) معلوم شد که از برای چهار نفر منکوحه ی یک شخص نیز همان یک ربع و یا همان یک ثمن هست و در صورت اشتباه در مطلقه بودن

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۳ ق ۶ ح ۱ | تهذیب  
ج ۹ ص ۲۹۶ ح ۱۰۶۲ | کافی ج ۷ ص ۱۳۱ ح ۱

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۸ م ۷۵  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۳ ق ۶

یکی از آن‌ها که معلوم نباشد کدام یکی است حق زوجیت یعنی ربعیت و یا ثمنیت در بین آن‌ها قسمت و در عده نیز شریک اند نه به تقسیم آن بلکه در هر یک به عده ی تمام.<sup>۱</sup>

## بخش دوم؛ جدول جامع احکام و سهام ارث زوج و زوجه (زن و شوهر)

وارث	مقدار سهم و قسمت	شرایط و نحوه تقسیم
۱	سهم شرعی؛ نصف (۱/۲) ترکه. تعداد قسمت؛ ترکه ۲ قسمت می‌شود و شوهر ۱ قسمت را می‌برد.	در صورتی که همسر فوت شده (زن) هیچ اولاد یا نواده‌ای نداشته باشد.
	<p>قواعد الاسلام؛ در حدیث محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام؛ «پس از برای زوج نصف است در فرض عدم ولد... و زوج از نصف ... ناقص نمی‌شوند با عدم ولد.»<sup>۲</sup></p> <p>اساس الاسلام؛ «و ارث مرد از زن خود را در آیه شریفه بیان فرموده... « وَ لَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ... » یعنی از برای شما است نصف آن‌چه ترکه گذاشته‌اند زنان شما اگر از برای آن‌ها اولاد نباشد.»<sup>۳</sup></p>	
۲	سهم شرعی؛ رُبُع (۱/۴) ترکه. تعداد قسمت؛ ترکه ۴ قسمت می‌شود و شوهر ۱ قسمت را می‌برد.	در صورتی که همسر فوت شده (زن)، فرزند یا نواده داشته باشد.
	<p>قواعد الاسلام؛ در حدیث محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام؛ «و برای او (زوج) ربع است با وجود ولد... و زوج از ربع ... ناقص نمی‌شوند با وجود ولد.»<sup>۴</sup></p> <p>اساس الاسلام؛ «پس هرگاه از برای زنان اولاد باشد پس برای شما چهار یک است از آن‌چه ترکه گذاشته‌اند.»<sup>۵</sup></p>	

(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۰ خط ۷ | کافی ج ۷ ص ۸۲ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۵۱ ح ۹۶۹  
(۵) ذیل آیه شریفه در اساس الاسلام ص ۲۳۲ خط ۱۰

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۰ پاراگراف آخر  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۰ خط ۷ | کافی ج ۷ ص ۸۲ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۵۱ ح ۹۶۹  
(۳) سوره نساء آیه ۱۲ | اساس الاسلام ص ۲۳۲ خط

<p>در صورتی که همسر فوت شده (مرد)، اولاد نداشته باشد. در صورت تعدد زوجات، در همین ۱/۴ شریکند.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> رُبُع (۱/۴) ترکه. <b>تعداد قسمت؛</b> ترکه ۴ قسمت می‌شود و زن (یا زنان) ۱ قسمت را می‌برند.</p>	<p>زوجه (یک یا چند زن) (بدون وجود فرزند برای مرد)</p>	۳
<p>قواعد الاسلام؛ «و برای زوجه ربع است با نبودن اولاد ... و زوجه از ربع ناقص نمی‌شوند با عدم ولد.»<sup>۱</sup> اساس الاسلام؛ «و زیاده نمی‌شود ارث زوجه از ربع ... و هر چندی که چهار نفر بوده باشند و یا کمتر از این و همه ایشان در آن مساوی می‌باشند.»<sup>۲</sup></p>			
<p>در صورتی که مرد فرزند داشته باشد. اگر چند همسر باشند، همگی فقط در همین ۱/۸ شریکند.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> ثُمْن (۱/۸) ترکه. <b>تعداد قسمت؛</b> ترکه ۸ قسمت می‌شود و زن (یا زنان) ۱ قسمت را می‌برند.</p>	<p>زوجه (یک یا چند زن) (با وجود فرزند برای مرد)</p>	۴
<p>قواعد الاسلام؛ «و برای او ثمن است با بودن اولاد... و زوجه از ثمن ناقص نمی‌شوند با وجود ولد.»<sup>۳</sup> قانون الاسلام؛ «و از این حدیث معلوم شد که از برای چهار نفر منکوحه ی یک شخص نیز همان یک ربع و یا همان یک ثمن هست...»<sup>۴</sup> اساس الاسلام؛ «... و نقصان نمی‌گردد از هشت یک و هر چندی که چهار نفر بوده باشند و یا کمتر از این و همه ایشان در آن مساوی می‌باشند.»<sup>۵</sup></p>			
<p>در صورتی که زن فوت کند و در هیچ‌یک از طبقات سه‌گانه نسبی، وارثی نداشته باشد و شوهر تنها وارث باشد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> تمام ترکه (کُلُّ المال). <b>تعداد قسمت؛</b> ترکه ۱ قسمت می‌شود و تماماً به شوهر می‌رسد.</p>	<p>انحصار وراثت برای «زوج»</p>	۵
<p>قانون الاسلام؛ در حدیث ابی بصیر از حضرت باقر علیه السلام؛ «در صورتی که ورثه ی او منحصر است به زوج او، پس جمیع ترکه ی او به زوج او می‌رسد...»<sup>۶</sup> اساس الاسلام؛ «اگر زن هیچ وارث نداشته باشد جمیع مال او به زوج می‌رسد.»<sup>۷</sup></p>			

- (۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۰ خط ۷ | کافی ج ۷  
ص ۸۲ ج ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۵۱ ج ۹۶۹
- (۲) اساس الاسلام ص ۲۳۸ خط ۱ | تهذیب ج ۹ ص  
۲۴۹ ج ۹۶۴
- (۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۰ خط ۷ | کافی ج ۷  
ص ۸۲ ج ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۵۱ ج ۹۶۹
- (۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۰ پاراگراف آخر
- (۵) اساس الاسلام ص ۲۳۸ خط ۲ | تهذیب ج ۹  
ص ۲۴۹ ج ۹۶۴
- (۶) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۹ خط ۲۰ | تهذیب ج ۹  
ص ۲۹۴ ج ۱۰۵۵ | فقیه ج ۴ ص ۲۶۲ ج ۵۷۱۲
- (۷) اساس الاسلام ص ۲۳۷ خط ۴

<p>در صورتی که مرد فوت کند و وارث نسبی نداشته باشد. زن بیش از ۱/۴ نمی‌برد، مگر اینکه با شوهرش فامیل (اقربا) باشد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> یک‌چهارم (۱/۴) ترکه. مگر اینکه با شوهرش فامیل باشد که در این صورت تمام ترکه را می‌برد.</p> <p><b>تعداد قسمت؛</b> در صورت عدم اقریبیت ترکه ۴ قسمت می‌شود. زوجه ۱ قسمت می‌برد و ۳ قسمت بقیه، مال امام (بیت‌المال) است.</p>	<p><b>انحصار وراثت برای «زوجه»</b></p>
<p><b>قانون الاسلام؛</b> در حدیث ابی بصیر از حضرت باقر علیه السلام؛ «و اما اگر زوج وفات نماید و غیر از زوجه ورثه نداشته باشد در این فرض برای زوجه ی او از ترکه ی او یک ربع است و باقی سه ربع از برای امام علیه السلام است.»<sup>۱</sup></p> <p><b>اساس الاسلام؛</b> «اگر مرد فوت شد و وارث نداشته باشد مگر زوجه او؟ فرمود از برای زن او ربع است و سه ربع دیگر از برای امام است.»<sup>۲</sup></p> <p><b>قانون الاسلام؛</b> «پس از این حدیث صحیح معلوم شد که وارث شدن زوجه به جمیع ترکه ی زوج در صورتی است که آن زن از اقربای آن مرد باشد نه در هر مورد.»<sup>۳</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> بعد از ذکر احادیث؛ «و در مقابل این احادیث بعض احادیث دیگر وارد شده که در این فرض همه مال زوج به زوجه می‌رسد و آن احادیث حمل شده بر بودن آن زوجه از اقرباء زوج خود و دلیل بر این حمل حدیث فضیل است در تهذیب که از امام رضا علیه السلام سؤال کردم از کسی که مرده و یک نفر زوجه دارد از اقرباء خود و به غیر از آن زن قرابت ندارد آن حضرت فرمود که همه مال زوج به زوجه او می‌رسد پس در میان احادیث منافات نیست.»<sup>۴</sup></p>		

(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۲ خط ۶ | تهذیب ج ۹ ص ۲۹۵ ح ۱۰۵۷

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۹ خط ۲۰ | تهذیب ج ۹ ص ۲۹۴ ح ۱۰۵۵ | فقیه ج ۴ ص ۲۶۲ ح ۵۷۱۲

(۲) اساس الاسلام ص ۲۳۷ خط ۴ | تهذیب ج ۹ ص ۲۹۴ ح ۱۰۵۵

(۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۰ خط ۸

<p>زوجه از عین املاک محروم است. ساختمان و درختان را در حال «کنده شده و تخریب شده» فرض می‌کنند و زوجه سهم خود (۱/۴ یا ۱/۸) را از قیمت آن مصالح می‌برد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> از زمین و ساختمان ارث نمی‌برد؛ فقط از قیمت وسایل، درخت و مصالح نقض شده ارث می‌برد.</p>	<p><b>محرومیت زوجه از زمین و عقار</b></p>		
<p><b>قانون الاسلام؛</b> در حدیث زراره از حضرت باقر علیه السلام فرمود؛ «به درستی که زوجه ارث نمی‌برد از ترکه ی زوج خود از دهات و از خانه ها و از اسلحه و از حیوانات او، و ارث می‌برد از نقد و فرش و لباس و متاع خانه ی او و قیمت می‌شود نقض شده ها از بناها و درهای آن ها و چوب های عمارات و قصب و داده می‌شود حق زوجه از قیمت آن ها.»<sup>۱</sup></p> <p><b>اساس الاسلام؛</b> «قیمت آلات و اسباب و خشت و درخت آن بعد از بیرون کردن آن‌ها فرضاً و آن‌ها را نقض شده فرض کردن نهایت بر پنجاه تومان می‌رسد... اگر عمارات و باغات همین طور که بودند قیمت می‌شدند احتیاج به قیمت درخت و خشت و نی و غیر از این‌ها نبوده است.»<sup>۲</sup></p>				۷
<p>در طلاق رجعی تا پایان عده از هم ارث می‌برند. در طلاق در حال بیماری (مریض)، زن تا یک سال (به شروطی) از شوهر ارث می‌برد.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> ارث برقرار است. <b>تعداد قسمت؛</b> همان سهم‌های پایه (نصف، ربع، ثمن).</p>	<p><b>طلاق رجعی و طلاق مریض</b></p>		
<p><b>اساس الاسلام؛</b> «و ارث زن مطلقه به طلاق رجعی در زمان عده است اگر زوج در حال صحت با او طلاق بگوید و اگر در مرض، طلاق گفته باشد تا یک سال ارث می‌برد به شرط عدم حصول صحت به مرد و عدم تزویج زن به دیگری... و چنانکه زن در عده رجعیه ارث می‌برد از زوج خود در صورت فوت او همچنین زوج از زوجه‌اش ارث می‌برد در فرض موت زن در همان عده.»<sup>۳</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث ابوالعباس از امام جعفر صادق علیه السلام فرمود؛ «زمانی که طلاق داد مریض در مرض خود پس آن زن از او ارث می‌برد مادامی که در مرض بوده... تا یکسال.»<sup>۴</sup></p>				۸
<p>در صیغه (متعّه) زن و شوهر ارث نمی‌برند، مگر اینکه هنگام عقد، ارث بردن را با هم شرط کرده باشند.</p>	<p><b>سهم شرعی؛</b> ارث ندارد (مگر با شرط).</p>	<p><b>نکاح متعه (ازدواج موقت)</b></p>		
<p><b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث ابونصر از امام رضا علیه السلام فرمود؛ «تزویج کردن متعه نکاح به میراث و نکاح بدون میراث می‌شود، و اگر شرط ارث کردند پس میراث ثابت می‌شود، و اگر شرط نکردند میراث نمی‌شود.»<sup>۵</sup></p>				۹

(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۶ ق ۱۰ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۸۵ ح ۱۳۷۶ | کافی ج ۷ ص ۱۳۴ ح ۵  
(۵) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۳۷ ق ۱۱ ح ۳ | تهذیب ج ۷ ص ۲۶۴ ح ۱۱۴۰ | کافی ج ۵ ص ۴۶۵ ح ۲

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۹۳ م ۷۷ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۲۹۸ ح ۱۰۶۵ | کافی ج ۷ ص ۱۲۷ ح ۲  
(۲) اساس الاسلام ص ۲۳۵ دومین خط از آخر  
(۳) اساس الاسلام ص ۲۳۲ خط ۲

## فصل چهارم؛ موانع ارث (کفر، ارتداد، قتل، زنا و لعان)

### بخش اول؛ قاعده کلی از موانع ارث

در شریعت مقدس اسلام، خویشاوندی و نسب تنها در صورتی باعث ارث بردن می‌شود که موانع شرعی در میان نباشد. مرحوم مؤلف در آثار خود، این موانع را با استناد به احادیث صحیحیه به چهار دسته اصلی تقسیم می‌فرماید؛

#### ۱. کفر و ارتداد

کفر یکی از بزرگ‌ترین موانع ارث است. در فقه اسلام، کافر از مسلمان ارث نمی‌برد، اما مسلمان از کافر ارث می‌برد و مانع ارث بردن سایر ورثه کفار می‌شود. البته اگر کافر قبل از تقسیم ارث مسلمان شود، حق او محفوظ است. همچنین ارتداد (خروج از دین اسلام) باعث محرومیت فرد از ارث می‌شود، اما مانع ارث بردن فرزندان مسلمان او نمی‌گردد.

#### • منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هفتاد و چهارم در موانع ارث است »<sup>۱</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده اول در عدم ارث کافر از مسلمان »<sup>۲</sup>

#### • بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه

- در کتب اربعه از ابن صالح روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام فرمود ؛  
مسلمان بر کافر از ارث مانع می شود و از کافر ارث می برد و کافر مانع نمی شود بر مسلمان و از او نیز ارث نمی برد.<sup>۳</sup>

(۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۷ م ۷۴ ج ۲ | تهذیب  
ج ۹ ص ۳۶۶ ج ۱۳۰۷ | کافی ج ۷ ص ۱۴۳ ج ۵ |  
فقیه ج ۴ ص ۳۳۶ ج ۵۷۲۴

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۷ م ۷۴  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۱۸ ق ۱

- در کتب اربعه از عبدالرحمن روایت کرده اند که امام محمد باقر علیه السلام فرمود ؛  
در نصرانی که مرده و از برای او پسر مسلم است که آن پسر از آن نصرانی ارث میبرد،  
و خداوند با اسلام بر عزت مسلمانان افزوده و ما مسلمانان از آنها ارث میبریم و آنها  
از ما ارث نمیبرند.<sup>۱</sup>
- حاصل این احادیث مانع بودن ارتداد ... است از ارث بردن و مرتد از دین اسلام ...  
و عدم مانع بودن آنها است از ارث بردن اولاد ایشان به سبب کفر ... که پدر آن ها  
کرده.<sup>۲</sup>

## ۲. قتل (عمدی و خطایی)

اگر وارثی مورث خود را عمداً و به ناحق به قتل برساند، از ارث او کاملاً محروم می‌شود و میراث  
مقتول به سایر ورثه (حتی ورثه خود قاتل) می‌رسد. اما اگر قتل از روی خطا باشد یا قتل باشد که  
به حق و در راه اجرای حدود الهی و جهاد انجام گرفته باشد، مانع ارث نیست.

### • منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هفتاد و چهارم در موانع ارث است »<sup>۳</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده اول در اینکه قاتل ظالم ارث نمیبرد از مقتول »<sup>۴</sup>

### • بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه

- و در «فقیه» و «تهذیب» از ابن قیس از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده اند که  
حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمود ؛  
زمانی که کسی مادرش را به خطا بکشد ارث می برد ، و در صورت عمد ارث نمی برد.<sup>۵</sup>

---

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۱۸ ق ۱ ح ۳ | کافی ج ۷  
ص ۱۴۳ ح ۴ | فقیه ج ۴ ص ۳۳۴ ح ۵۷۲۱  
(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۸ خط ۱۵  
(۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۷ م ۷۴  
(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۲۰ ق ۱  
(۵) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۸ خط ۱۲ | تهذیب ج ۹  
ص ۳۷۹ ح ۱۳۵۷ | فقیه ج ۴ ص ۱۲۰ ح ۵۲۴۵

○ در کافی و تهذیب از هشام روایت کرده اند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که ؛ رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که از برای قاتل میراث نیست.<sup>۱</sup>

○ و حاصل این احادیث مانع بودن قتل عمدی است از ارث بردن ... و عدم مانع بودن آنها است از ارث بردن اولاد ایشان به سبب ... قتل که پدر آن ها کرده.<sup>۲</sup>

### ۳. زنا (ولادت نامشروع)

نسب نامشروع مانع از توارث است. فرزندی که از راه زنا متولد شده باشد، نه از پدر و مادر زناکار خود ارث می‌برد و نه آن‌ها از او ارث می‌برند.

• منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هشتاد و نهم در حکم ارث مجوس و ولدالزنا است »<sup>۳</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده ششم در اینکه ولد الزنا ارث نمی‌برد »<sup>۴</sup>

• بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه

- و در کتب اربعه از ابن حسن اشعری گفت روایت کرده اند که بعضی اصحاب ما نوشت به حضرت جواد علیه السلام به توسط من و سؤال کرد؛ از کسی که زنا نموده با یک نفر زن و بعد از حامله شدن همان زن را به نکاح خود در آورد و آن زن پسری زاید و با آن کس بسیار شبیه بود؟ آن حضرت در جواب مرقوم فرمودند ؛ آن پسر ولدالزنا است و از آن کس ارث نخواهد برد.<sup>۵</sup>
- و در کافی از یونس و در تهذیب از یحیی بن زید شحام و از ابو بصیر روایت کرده اند که از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کردند ؛ از کسی که زنا کرده با کنیزی و بعد از آن همان کنیز را خریده و پسر او را ادعا کرده؟

---

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۲۰ ق ۱ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۷۸ ح ۱۳۵۲ | کافی ج ۷ ص ۱۴۱ ح ۵  
 (۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۸ خط ۱۵  
 (۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۴ م ۸۹  
 (۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۸ ق ۶  
 (۵) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۵ خط ۱۹ | کافی ج ۷ ص ۱۶۴ ح ۴ | تهذیب ج ۹ ص ۳۴۳ ح ۱۲۳۳ | فقیه ج ۴ ص ۳۱۶ ح ۵۶۸۱

فرمود؛ از آن کس آن پسر ارث نمی‌برد زیرا که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که ولد از برای فراش است و از برای زناکار سنگ است و ارث نمی‌برد ولد الزنا مگر اینکه کسی ادعا کند پسر کنیز خود را.<sup>۱</sup>

○ از این احادیث معلوم شد که اولاد زنا از زنا کنندگان خواه مرد باشند و خواه زن ارث نمی‌برند و ارث بردن در نسب صحیح است در اسلام نه در غیر آن.<sup>۲</sup>

#### ۴. لعان (نفی فرزند توسط شوهر)

اگر مردی همسر خود را به زنا قذف کند (نسبت ناروا بدهد) و فرزند متولدشده را با مراسم شرعی «لعان» از خود نفی نماید، آن فرزند دیگر از پدر ارث نمی‌برد. اما ارتباط نسبی او با مادرش و خویشاوندان مادری کاملاً برقرار می‌ماند. نکته بسیار جالب و ظریف در فقه اسلامی این است که اگر پدر بعداً از این نفی پشیمان شود و به فرزند اقرار کند (او را بپذیرد)، فرزند از پدر ارث می‌برد، اما به عنوان یک جریمه شرعی، پدر هرگز از آن فرزند ارث نخواهد برد.

• منبع و مستندات مؤلف؛

• در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)

○ تحت عنوان دقیق «قواعد ارث ولد لعان شده»<sup>۳</sup>

• بیان، استدلال و احادیث مستند در کتاب مولف

• ارث فرزند لعان شده منحصرأً به مادر و اقوام مادری (دایی‌ها و خاله‌ها) تعلق دارد.

○ در کتب اربعه از زراعه روایت کرده اند که امام محمد باقر علیه السلام فرمود که ؛

ارث ولد لعان شده از مادر او است، و اگر مادرش مرده باشد برای اقرب مردمان است بر مادر او که احوال (دایی‌های) او است.<sup>۴</sup>

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۶

(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۶ ق ۱ ح ۱ | کافی ج ۷


ص ۱۶۰ ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۳۳۸ ح ۱۲۱۸

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۸ ق ۶ ح ۲ | کافی ج


۷ ص ۱۶۳ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۴۳ ح ۱۲۳۲

(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۵ خط آخر

- و در کافی و تهذیب از محمد بن مسلم روایت کرده از امام جعفر صادق علیه السلام در حدیث لعان سؤال کردم که ؛  
ارث ولد لعان شده را کدام کس می‌برد؟  
فرمود؛ مادرش ؛  
گفتم ؛ اگر مادر او مرده باشد و از مادرش ارث برده باشد و بعد از آن ولد لعان شده بمیرد پس ارث او را کدام کسی می‌برد؟ فرمود خال (دایی) و خاله او.<sup>۱</sup>

●  اگر پدری که فرزند را نفی کرده بود، پشیمان شده و به او اقرار کند، فرزند از نظر ارث به پدر ملحق می‌شود؛ اما این یک مسیر یک‌طرفه است.


- و در کافی و تهذیب از حلبی در حدیث لعان روایت کرده اند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود ؛  
... (تا این که فرمود) اگر پدرش او را ادعا بکند لاحق می‌شود بر پدرش، و اگر پدر او بمیرد از او ارث می‌برد و پدرش از او ارث نمی‌برد.<sup>۲</sup>
- در تأیید همین مطلب در حدیث لعان از محمد بن مسلم روایت کرده اند که به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم ؛  
اگر بعد از لعان پدرش بر او اقرار کرده باشد آیا در این فرض از او ارث می‌برد؟  
فرمود؛ بلی ولکن پدرش از او ارث نمی‌برد.<sup>۳</sup>


●  فرزند لعان نه تنها ارث خود را برای اقوام مادری به جا می‌گذارد، بلکه متقابلاً از آن‌ها نیز ارث می‌برد.

- و در کافی و تهذیب از ابوبصیر روایت کرده که به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم که ؛  
... (تا این که فرمود) گفتم او (ولد لعان شده) نیز از احوال (دایی های) خودش ارث می‌برد؟ فرمود ؛ بله.<sup>۴</sup>


(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۷ ق ۲ ح ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۶۰ ح ۵ | تهذیب ج ۹ ص ۳۳۹ ح ۱۲۲۱  
(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۷ ق ۳ ح ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۶۱ ح ۸ | تهذیب ج ۹ ص ۳۳۹ ح ۱۲۲۲


(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۶ ق ۱ ح ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۶۰ ح ۵ | تهذیب ج ۹ ص ۳۳۹ ح ۱۲۲۱  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۶ و ۱۷۷ ق ۲ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۶۰ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۳۹ ح ۱۲۱۹

-  فردی ابتدا فرزندی را متعلق به خود می‌داند (اقرار می‌کند)، اما بعداً پشیمان شده و قصد دارد او را نفی کند.

 از نظر شرعی، نفی بعد از اقرار به هیچ وجه پذیرفته نیست. به محض اینکه پدری فرزندی را پذیرفت، نسب ثابت می‌شود و انکار بعدی او هیچ اثر قانونی و شرعی در قطع ارتباط نسبی و ارث نخواهد داشت. چنانکه؛

- در کتب اربعه از حلی روایت کرده اند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که ؛ هر کسیکه بر ولدی اقرار نماید و بعد از آن او را نفی نماید پس انکار و نفی کردن او مسموع نمی‌شود و لاحق می‌شود بر او ولد و زمانیکه کسی اقرار کند بر ولد خودش و بعد از آن نفی کند او را لازم می‌شود بر او ولد.<sup>۱</sup>

-  زمانی که پدری نزد حاکم شرع یا سلطان می‌رود و رسماً از فرزند خود، از جنایات احتمالی او و از ارثش اعلام برائت و بی‌زاری می‌کند.

 این بی‌زاری جستن پدر، باعث نمی‌شود که حق ارث سایر خویشاوندان از بین برود. در صورت فوت این فرزند، میراث او به نزدیک‌ترین خویشاوندان نسبی‌اش تعلق خواهد گرفت ؛

- در تهذیب از ابوبصیر روایت کرده که از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کردم ؛ از کسی که پدرش از او برائت می‌کند در نزد سلطان و حاکم و از میراث او و از جنایت او آیا میراث او از برای کسی خواهد شد؟ فرمود؛ که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده که میراث او از برای اقرب مردمان است به او.<sup>۲</sup>

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۷ ق ۵ ح ۱ تهذیب ج ۹ ص ۳۴۹ ح ۱۲۵۳

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۷ ق ۴ ح ۱ کافی ج ۷ ص ۱۶۳ ح ۱ تهذیب ج ۹ ص ۳۴۶ ح ۱۲۴۲ و ۱۲۴۴

## بخش دوم؛ جدول جامع موانع ارث و احکام مستثنیات آن

موانع ارث (مورد)	حکم شرعی و شرایط
کفر (توارث بین مسلمان و کافر)	مانعیت یک طرفه؛ کافر (حتی ذمی) از مسلمان ارث نمی برد. اما مسلمان از کافر ارث می برد و مانع سایر ورثه کافر می شود.
۱	قواعد الاسلام؛ در حدیث ابو ولاد از امام جعفر صادق علیه السلام؛ «مسلمان از زن ذمیه خود ارث میبرد و زن ذمیه از زوج مسلمان ارث نخواهد برد.» <sup>۱</sup> قانون الاسلام؛ در حدیث ابن صالح از امام جعفر صادق علیه السلام؛ «مسلمان بر کافر از ارث مانع می شود و از کافر ارث می برد و کافر مانع نمی شود بر مسلمان و از او نیز ارث نمی برد.» <sup>۲</sup>
مسلمان شدن کافر (قبل یا بعد از تقسیم ترکه)	شرط زمان؛ اگر کافر قبل از تقسیم ترکه مسلمان شود، ارث می برد. اگر بعد از تقسیم مسلمان شود، سهمی ندارد.
۲	قانون الاسلام؛ در حدیث ابن مسکان از امام جعفر صادق علیه السلام؛ «هرگاه کافر قبل از قسمت ترکه مسلمان شود ارث می برد و اگر بعد از تقسیم مسلمان شد سهم ارث ندارد.» <sup>۳</sup> قواعد الاسلام؛ در حدیث ابن مسکان از امام جعفر صادق علیه السلام؛ «هر که قبل از قسمت ترکه مسلمان گردد پس از برای او میراث او میرسد و اگر اسلام او بعد از قسمت کردن شد پس از برای او میراث نیست.» <sup>۴</sup>
ارتداد (مرتد ملی و مرتد فطری)	حکم؛ شخص مرتد ارث نمی برد، اما مال خودش بین ورثه اش تقسیم می شود. (مرتد ملی به ورثه کافر و مرتد فطری به ورثه مسلمان می رسد).
۳	قانون الاسلام؛ در حدیث ابی ولاد از امام جعفر صادق علیه السلام؛ «کسی که مرتد شد از اسلام، آیا مال او چه طور می شود؟ حضرت فرمود؛ قسمت می شود به قرار کتاب خداوند به وراثت او.» <sup>۵</sup> قواعد الاسلام؛ «در این حدیث حکم مال مرتد ملی را بیان کرده که مال او بر ورثه کفار او می رسد و نیز حکم مال مرتد فطری را ذکر نموده که مال او بر ورثه مسلمانان او می رسد.» <sup>۶</sup>

(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۱۹ ق ۳ ح ۱۲ کافی ج ۷ ص ۱۴۴ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۶۹ ح ۱۳۱۷  
(۵) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۷ م ۷۴ ح ۴ | کافی ج ۷ ص ۱۵۲ ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۳۷۴ ح ۱۳۳۴  
(۶) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۲۰ ق ۴ ح ۱ و خط ۶

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۱۸ ق اول ح ۱ و ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۴۳ ح ۶ | تهذیب ج ۹ ص ۳۶۶ ح ۱۳۰۶  
(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۷ م ۷۴ ح ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۴۳ ح ۵ | تهذیب ج ۹ ص ۳۶۶ ح ۱۳۰۷  
(۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۷ م ۷۴ ح ۳ | کافی ج ۷ ص ۱۴۴ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۶۹ ح ۱۳۱۷

<p>مانعیت مطلق؛ قاتل عمدی به هیچ وجه از مقتول (و حتی از دیه او) ارث نمی‌برد. اما ورثه‌ی قاتل از مقتول ارث می‌برند.</p>	<p><b>قتل عمد (ظالمانه)</b></p>	
<p><b>قانون الاسلام؛</b> در حدیث ابو عبیده از امام باقر علیه السلام؛ «زمانی که کسی مادرش را به خطا بکشد ارث می‌برد، و در صورت عمد ارث نمی‌برد» ... و در حدیث جمیل از امام جعفر صادق علیه السلام؛ «کسی که پسر یا پدر خود را بکشد از ایشان ارث نمی‌برد و لکن ارث مقتول به ورثه‌ی قاتل می‌رسد.»<sup>۱</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث ابی ولاد از امام باقر علیه السلام؛ «از زنیکه با عمد دواء خورده بدون اطلاع زوج خودش و حمل خود را سقط کرده ... عرض کردم آن زن از دیه حمل خودش ارث نمی‌برد؟ فرمود نه زیرا که با عمد او را کشته است.»<sup>۲</sup></p>		۴
<p>عدم مانعیت؛ قتل اگر از روی خطا باشد مانع ارث نیست. قاتلی که به حق (مثل جهاد با ظالم) مقتول را کشته نیز ارث می‌برد.</p>	<p><b>قتل خطایی (یا قتل به حق)</b></p>	
<p><b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث ابن قیس از امام باقر علیه السلام؛ «زمانی که کسی مادر خود را با خطا بکشد از او ارث می‌برد و اگر با عمد بکشد ارث نمی‌برد ... در حدیث حفص از امام صادق علیه السلام؛ (در مورد کشتن اهل بغی در جنگ) فرمود؛ بلی زیرا که او اهل باطل را با حق کشته است.»<sup>۳</sup></p> <p><b>قانون الاسلام؛</b> «حاصل این احادیث مانع بودن ارتداد و قتل عمدی است از ارث بردن ... و عدم مانع بودن آنها است از ارث بردن اولاد ایشان به سبب کفر و قتل که پدر آن‌ها کرده.»<sup>۴</sup></p>		۵
<p>مانعیت کامل؛ فرزند متولد از زنا، از پدر و مادر زناکار ارث نمی‌برد و نسب شرعی شکل نمی‌گیرد.</p>	<p><b>زنا (ولادت نامشروع)</b></p>	
<p><b>قانون الاسلام؛</b> در حدیث حلبی از امام صادق علیه السلام؛ «... زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده؛ ولد از برای فراش و وطنی صحیح است و از برای دهان زناکار که آن ولد را ادعا می‌کند سنگ است و اولادی که به طریق زنا به عمل آمده ارث ندارد» ... و مولف بیان می‌فرماید؛ «اولاد زنا از زنا کنندگان خواه مرد باشند و خواه زن ارث نمی‌برند.»<sup>۵</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث محمد بن حسن اشعری از امام محمد تقی علیه السلام؛ «آن پسر از زنا است و ارث نمی‌برد.»<sup>۶</sup></p>		۶

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۸ م ۷۴ خط ۱۵  
 (۵) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۵ م ۸۹ خط ۱۷ و خط آخر | کافی ج ۷ ص ۱۶۳ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۴۶ ح ۱۲۴۲  
 (۶) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۸ ق ۶ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۴۳ ح ۱۲۳۳

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۸۸ م ۷۴ خط ۱۰ و ۱۲ | تهذیب ج ۹ ص ۳۷۹ ح ۱۳۵۷ | کافی ج ۷ ص ۱۴۰ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۷۸ ح ۱۳۵۰  
 (۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۲۱ ق ۲ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۴۱ ح ۶ | تهذیب ج ۹ ص ۳۷۹ ح ۱۳۵۶  
 (۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۲۱ ق ۳ ح ۱ و ص ۱۲۲ ق ۵ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۷۹ ح ۱۳۵۷ | فقیه ج ۴ ص ۳۱۹ ح ۵۶۹۰ | تهذیب ج ۹ ص ۳۸۱ ح ۱۳۶۴

<p>مانعیت یک‌طرفه از سمت پدر؛ طفل از مادر و خویشان مادری ارث می‌برد. اگر پدر بعداً رجوع کند و فرزند را گردن بگیرد، فرزند از او ارث می‌برد ولی پدر از فرزند ارث نمی‌برد.</p>	<p><b>لعان</b> (فرزند نفی‌شده توسط شوهر)</p>	
<p>قواعد الاسلام؛ در حدیث زراره از امام باقر <small>علیه السلام</small>؛ «ارث ولد لعان شده از مادر او است، و اگر مادرش مرده باشد برای اقرب مردمان است بر مادر او که احوال او است» ... در حدیث حلبی از امام صادق <small>علیه السلام</small>؛ «و اگر پدرش او را ادعا بکند لاحق می‌شود بر پدرش، و اگر پدر او بمیرد از او ارث می‌برد و پدرش از او ارث نمی‌برد.»<sup>۱</sup></p>		

## فصل پنجم؛ احکام خاص و مستحدثه در ارث

### بخش اول؛ قاعده کلی از احکام خاص

در مباحث ارث، گاهی با شرایط ویژه و پیچیده‌ای مواجه می‌شویم که نیازمند قواعد خاصی است؛ مواردی مانند غایب شدن یک شخص، مرگ همزمان چند وارث، وضعیت جنین و طفل سقط‌شده، و احکام افراد دوجنسه (خنثی). مرحوم مؤلف، با تسلطی بی‌نظیر بر روایات اهل بیت علیهم السلام، گره از تمام این مسائل گشوده‌اند.

#### ۱. حَمَل (جنین و طفل سقط‌شده)

برای ارث بردن نوزاد، شرط حیات در زمان تولد الزامی است. برخی فقهای عامه گریه کردن (صدا دادن) را شرط می‌دانند، اما مرحوم مؤلف با استناد به احادیث صریح می‌فرمایند نفس «حرکت کردن»، دلیل بر حیات است، حتی اگر طفل لال باشد.

• منبع و مستندات مؤلف؛

• در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)

○ تحت عنوان دقیق «قاعده هشتم در ارث حمل»<sup>۲</sup>

۱۲۱۸ | و | کافی ج ۷ ص ۱۶۰ ح ۳ | تهذیب ج ۹  
ص ۳۳۹ ح ۱۲۱۹  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۹ ق ۸


(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۶ ق ۱ ح ۱ و ق ۲ ح ۱ |  
کافی ج ۷ ص ۱۶۰ ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۳۳۸ ح

•  بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه

- در کافی از ربعی روایت کرده که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود ؛  
در طفل زائیده شده زمانی که حرکت کند ارث می‌برد هر چندی که صدا نکند زیرا که بسا می‌شود که آن طفل گنگ است.<sup>۱</sup>
- در کافی و تهذیب روایت کرده از ربعی که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود ؛  
در طفل سقط شده که زمانی که از بطن مادر سقط شد و حرکت واضح نمود ارث می‌برد، و از آن ارث می‌برند.<sup>۲</sup>

۲. مفقودالخبر (شخص غایب)

اگر یکی از ورثه غایب باشد و خبری از حیات یا ممات او در دست نباشد، سهم او کنار گذاشته می‌شود و اموال شخصی خود او نیز تا چهار سال پس از تفحص، حبس می‌گردد.

•  منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هشتماد و هشتم در حکم مال کسی که مفقودالخبر »<sup>۳</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعدة ششم در ارث بردن غائب است »<sup>۴</sup>

•  بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه

- در «کافی» و «تهذیب» از سماعه روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام فرمود ؛  
کسی که مفقودالخبر است مال او حبس می‌شود از ورثه ی او تا این که چهار سال از تردد کنندگان پرسیده شود پس اگر در این مدت او را نیافتند مال تقسیم می‌شود در بین ورثه ی او و اگر اولاد داشته باشد انفاق می‌شود در این مدت به آنها.<sup>۵</sup>

---

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۹ ق ۸ ج ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۵۵ ح ۱  
 (۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۹ ق ۸ ج ۳ | کافی ج ۷ ص ۱۵۵ ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۳۹۱ ح ۱۳۹۴  
 (۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۳ م ۸۸ ج ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۵۵ ح ۹ | تهذیب ج ۹ ص ۳۸۸ ح ۱۳۸۶  
 (۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۴ ق ۶  
 (۵) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۳ م ۸۸ ج ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۵۵ ح ۹

○ مولف ذیل احادیث مربوطه بیان میفرماید؛ نهایت ماندن مال غائب چهار سال است و بعد از آن ورثه او از اولاد و پدر و مادر و یا برادران و خواهران و اعمام و احوال وزن او مال او را قسمت می‌کنند، و زن او را هشت یک و یا چهار یک می‌دهند و او را از مال شوهرش بیرون می‌نمایند.<sup>۱</sup>

### ۳. غَرَقَى و مَهْدومِ عَلَیْهِم (مرگ همزمان در حوادث)

اگر چند نفر از خویشاوندان (مثل پدر و پسر، یا زن و شوهر) در یک حادثه بمیرند و مشخص نباشد کدامیک زودتر فوت کرده‌اند، قانون زیبایی در اسلام جاری می‌شود؛ آن‌ها از «اصل مال یکدیگر» (نه از پولی که تازه از هم ارث برده‌اند) ارث می‌برند. مؤلف بزرگوار تأکید دارند که این حکم فقط مخصوص غرق شدن یا زیر آوار ماندن نیست، بلکه در تصادفات، آتش‌سوزی، وبا و طاعون نیز جاری است.

• منبع و مستندات مؤلف؛

• در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)

○ تحت عنوان دقیق « ماده ی هشتاد و ششم ارث کسانی که بعد از فوت سابق و لاحق آن‌ها معلوم نمی‌شود »<sup>۲</sup>

• در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)

○ تحت عنوان دقیق « قاعده پنجم در ارث اشخاص غرقى و در زیر سقف ماندگان »<sup>۳</sup>

• در کتاب اساس الاسلام

○ و اما ارث کسانی که غرق شده‌اند...<sup>۴</sup>

• بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه به اختصار

○ در «کافی» و «تهذیب» از ابن مسلم روایت کرده اند که گفت سؤال کردم از حضرت باقر علیه السلام؛

از زوج و زوجه ای که در زیر سقف مانده و مردند؟

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۳ ق ۵  
(۴) اساس الاسلام از ص ۲۵۵ تا ص ۲۵۶

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۵ خط ۴  
(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۰ م

حضرت فرمود ؛ زن و مرد از هم دیگر ارث می برند از اصل مال یکدیگر نه از آن چه از هم دیگر ارث برده اند یعنی؛ هر کس سهم خود را از اصل مال آن دیگری می برد نه از آن مال که آن را ارث آورده است.<sup>۱</sup>

○ و در کافی و فقیه از حجاج روایت کرده از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کردم ؛ از قومی که در کشتی غرق می شوند و یا سقف بر سر آنها افتاده باشد و می میرند و معلوم نمی شود کدام یکی از آنها اول و یا در آخر مرده اند؟ حضرت فرمود ؛ بعضی از آنها از بعض دیگر ارث می برند و این در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام است.<sup>۲</sup>

○ **مؤلف ذیل احادیث مربوطه بیان میفرماید ؛ ...** ارث بردن اموات از یکدیگر اختصاص به مورد هدم و غرق ندارد .... (تا این که فرمود) ... بلکه در مطلق آب و گل و خاک و ریک و آتش و چاه و وبا و طاعون و غیر ذلک همین که دو نفر فوت شدند و مقدم و مؤخر ایشان در موت معلوم نگردید حکم احادیث مذکوره در حق آنها جاری و واقع است.<sup>۳</sup>

○ و همچنین **مؤلف در اساس الاسلام بیان فرمودند که؛** و اما ارث کسانی که غرق شده اند و یا در زیر سقف و دیوار مانده اند پس معلوم نشده که کدام یکی از وراث اول فوت شده و در این فرض از هم دیگر ارث می برند .... (و بعد از ذکر احادیث مربوطه فرمود) ... تقدیم هر یکی به دیگری فرق ندارد و همچنین در موت فرق نیست در میان غرق و حریق و هدم و موت و بآ و طاعون و قتل و غیر ذلک، زیرا که مورد سؤال غرق و هدم شده نه این که حکم انحصار به آن دو مورد دارد چنانکه بعضی ها خیال کرده اند زیرا که ارث بردن غرق شدگان از هم دیگر از بابت قاعده عدل است .<sup>۴</sup>

(۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۱ خط ۴ و ص ۱۲۲ خط ۴

(۴) اساس الاسلام ج ۱ ص ۲۵۵ خط ۱۷ و ص ۲۵۶ خط ۱۷

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۰ م ۸۶ ج ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۳۷ ح ۵ | تهذیب ج ۹ ص ۳۶۰ ح ۱۲۸۸

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۳ ق ۵ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۳۶ ح ۱ | فقیه ج ۴ ص ۳۰۶ ح ۵۶۵۶

## ۴. خنثی و اشخاص دارای شرایط خاص جسمی

احکام دقیق و شگفت‌انگیزی برای تعیین سهم ارث کسانی که جنسیت آن‌ها مشخص نیست وضع شده است که معیار اصلی در آن‌ها مجرای خروج بول (ادرار) است.

## • منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هشتاد و پنجم در ارث خنثی و شبیه خنثی »<sup>۱</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده اول در حکم ارث خنثی مشکل » و « قاعده دوم در خنثی غیر مشکل » و « قاعده سیم در میراث کسی که از برای او آلت ذکور و فرج زنان نیست » و « قاعده چهارم در ارث کسی که دو سر دارد »<sup>۲</sup>
- در کتاب اساس الاسلام
  - و اگر یکی از ورثه خنثی باشد...<sup>۳</sup>

## • بیان و استدلال مؤلف در حدیث یا آیه به اختصار

○ در «کافی» و «تهذیب» از ابن سالم روایت کرده اند گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام؛

اگر مولودی باشد و برای او هم آلت ذکور بوده باشد و هم آلت اناث؟

حضرت فرمود؛ ارث می برد بر حسب آن مخرجی که از او بول می کند و در صورتی که از هر دو مخرج بول بکند پس از هر یک که بول سبقت می کند بر حسب آن ارث می برد و اگر از دو مخرج به یک آن بول او خارج شود بدون این که از یکی قبل از دیگری خارج می شود در این صورت ارث می برد مقابل نصف میراث ذکور و نصف میراث اناث.<sup>۴</sup>

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۹ م ۸۵ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۵۷ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۴ ح ۱۲۶۹

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۹ م ۸۵  
 (۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۰ ق ۱ - ص ۱۸۱ ق ۲ -  
 ص ۱۸۲ ق ۳ - ص ۱۸۳ ق ۴  
 (۳) اساس الاسلام از ص ۲۵۵

○ و در کافی و تهذیب از اسحق روایت کرده اند که از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کردند ؛

از مولودی که نه از ذکور و نه از اناث است و برای او فقط یک دبر بوده که از آن بول خارج می‌شود و ارث او چطور است ؟

حضرت فرمود ؛ حاکم و جمعی با او می‌نشینند پس دعا می‌کنند و از خداوند درخواست می‌نمایند و قرعه می‌کشند در ارث او که آیا ارث او مثل ذکور باشد و یا مثل اناث، و هر کدامی که خارج شد آن طور ارث می‌برد، و فرمود که کدام قضیه اعدل است از قرعه کشیدن و خداوند فرموده فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ یعنی حضرت یونس قرعه کشید پس از مغلوب شدگان گردید. <sup>۱</sup>

○ و در کتب اربعه از حریر روایت کرده اند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که ؛

در زمان امیرالمؤمنین مولودی بوجود آمد که دو سر و دو سینه در یک حقو داشته، و از آن حضرت سؤال کردند از ارث بردن او؟

حضرت فرمود ؛ وقتی که می‌خوابد یک سر را بیدار می‌کنند اگر هر دو یک مرتبه بیدار شدند پس آن‌ها یک کس حساب می‌شود و اگر یکی بیدار شد و دیگری در خواب مانده در آن وقت دو نفر حساب می‌شوند. <sup>۲</sup>

○ و اگر یکی از ورثه خنثی باشد و آلت ذکور و فرج اناث هر دو را داشته باشد پس ارث او نصف میراث مرد و نصف میراث زن است. <sup>۳</sup>

(۳) اساس الاسلام ص ۲۵۵ خط ۳

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۲ ق ۳ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۵۷ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۶ ح ۱۲۷۴  
(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۳ ق ۳ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۵۹ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۸ ح ۱۲۷۸

## بخش دوم؛ جدول جامع احکام خاص و مستحدثه در ارث

موضوع حکم	قاعده فقهی و نحوه اقدام
جنین و طفل سقط شده	شرط حیات؛ اگر پس از تولد (یا سقط) حرکت واضحی کند ارث می‌برد (صدا کردن شرط نیست).
۱	قواعد الاسلام؛ در حدیث ربیع از امام جعفر صادق علیه السلام؛ «زمانی که حرکت کند ارث می‌برد هر چندی که صدا نکند زیرا که بسا می‌شود که آن طفل گنگ است» ... و باز در حدیث ربیع از امام جعفر صادق علیه السلام؛ «زمانی که از بطن مادر سقط شد و حرکت واضح نمود ارث می‌برد، و از آن ارث می‌برند.» <sup>۱</sup>
مفقودالخبر (شخص غایب)	حبس مال تا ۴ سال؛ پس از چهار سال جستجو از مسافران، اگر پیدا نشد مالش بین ورثه تقسیم می‌شود.
۲	قانون الاسلام؛ در حدیث سماعه از امام جعفر صادق علیه السلام؛ «کسی که مفقودالخبر است مال او حبس می‌شود از ورثه ی او تا این که چهار سال از تردد کنندگان پرسیده شود پس اگر در این مدت او را نیافتند مال تقسیم می‌شود در بین ورثه ی او و اگر اولاد داشته باشد انفاق می‌شود در این مدت به آنها.» <sup>۲</sup> قواعد الاسلام؛ در حدیث ابن عمار از امام کاظم علیه السلام؛ «مال کسی را که مفقود شده در مدت چهار سال حبس می‌کنند و بعد از آن قسمت می‌نمایند.» <sup>۳</sup>
عَزَقَى و مَهْدُومٌ عَلَیْهِمْ (مرگ همزمان دو خویشاوند)	توارث متقابل از اصل مال؛ از هم ارث می‌برند، اما فقط از اصل مال هم، نه از مالی که در همان لحظه از هم ارث برده‌اند.
۳	قانون الاسلام؛ در حدیث ابن مسلم از امام باقر علیه السلام؛ «زن و مرد از هم دیگر ارث می‌برند از اصل مال یکدیگر نه از آن چه از هم دیگر ارث برده اند یعنی؛ هر کس سهم خود را از اصل مال آن دیگری می‌برد نه از آن مال که آن را ارث آورده است.» <sup>۴</sup> اساس الاسلام؛ در صحیح ابن مسلم از حضرت باقر علیه السلام؛ «معنای ارث بردن از هم دیگر این است که هر یکی از آنها از اصل مال هم دیگر وارث شود نه از مالی که از هم دیگر ارث می‌برد» ... و مولف در اساس فرمودند؛ «در موت فرق نیست در میان غرق و حریق و هدم و موت و بقاء و طاعون و قتل و غیر ذلک.» <sup>۵</sup>

(۴) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۰ م ۸۶ ح ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۳۷ ح ۵ | تهذیب ج ۹ ص ۳۶۰ ح ۱۲۸۸  
(۵) اساس الاسلام ص ۲۵۶ خط ۱۱ و خط ۱۷ | کافی ج ۷ ص ۱۳۷ ح ۵ | تهذیب ج ۹ ص ۳۶۰ ح ۱۲۸۸

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۹ ق ۸ ح ۲ و ۳ | کافی ج ۷ ص ۱۵۵ ح ۱  
(۲) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۳ م ۸۸ ح ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۵۵ ح ۹ | تهذیب ج ۹ ص ۳۸۸ ح ۱۳۸۶  
(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۵ ق ۶ خط ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۵۵ ح ۸ | تهذیب ج ۹ ص ۳۸۸ ح ۱۳۸۵

<p>ارث یک طرفه؛ اگر یکی پولدار باشد و دیگری بی پول، بی پول از مال دار ارث می برد، ولی مال دار چیزی از بی پول نمی برد (چون پولی نبوده).</p>	<p>شخص ناچیز و بی پول (در حوادث مرگ همزمان)</p>	
<p>قانون الاسلام؛ در حدیث ابن حجاج از امام صادق علیه السلام؛ «آن دراهم داده می شود به مولای آن که چیزی نداشته و از برای مولای صاحب دراهم چیزی داده نمی شود.»<sup>۱</sup></p> <p>اساس الاسلام؛ «...اگر یکی از آن ها مال داشته باشد مثل پدر و دیگری مال نداشته باشد مثل پسر پس شخص بدون مال از صاحب مال ارث می برد و صاحب مال از کسی بدون مال ارث نمی برد.»... و در صحیح ابن حجاج از امام صادق علیه السلام؛ «مال صاحب مال به آن برادر بدون مال می رسد و به ورثه صاحب مال چیزی نیست.»<sup>۲</sup></p>		
<p>ملاکِ مخرج بول؛ از هر مخرجی که ادرار خارج شود، یا از هر کدام که زودتر خارج شود، جنسیت همان است.</p>	<p>خُنثای غیرمُشکل (دارای دو آلت که یکی غالب است)</p>	
<p>قانون الاسلام؛ در حدیث ابن سالم از امام صادق علیه السلام؛ «ارث می برد بر حسب آن مخرجی که از او بول می کند و در صورتی که از هر دو مخرج بول بکند پس از هر یک که بول سبقت می کند بر حسب آن ارث می برد.»<sup>۳</sup></p> <p>قواعد الاسلام؛ در حدیث داود بن فرقد از امام صادق علیه السلام؛ «اگر از آلت ذکور بول کند ارث ذکور دارد و اگر از فرج خود بول کند ارث اناث را می برد.»<sup>۴</sup></p>		
<p>نصف سهم ذکور + نصف سهم اناث؛ اگر خروج ادرار از هر دو دقیقاً همزمان باشد.</p>	<p>خُنثای مُشکل (دارای دو آلت مساوی)</p>	
<p>قانون الاسلام؛ در حدیث ابن سالم از امام صادق علیه السلام؛ «... و اگر از دو مخرج به یک آن بول او خارج شود بدون این که از یکی قبل از دیگری خارج می شود در این صورت ارث می برد مقابل نصف میراث ذکور و نصف میراث اُنث.»<sup>۵</sup></p> <p>قواعد الاسلام؛ در حدیث هشام از امام صادق علیه السلام؛ «... و اگر از هر جهت مساوی شدند پس ارث بردن او میراث مردان و میراث زنان است، یعنی نصف از این و نصف از آن می شود.»<sup>۶</sup></p>		

(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۱ ق ۲ ح ۲ | کافی ج ۷ ص ۱۵۶ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۳ ح ۱۲۶۷  
(۵) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۹ م ۸۵ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۵۷ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۴ ح ۱۲۶۹  
(۶) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۰ ق ۱ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۵۷ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۴ ح ۱۲۶۹

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۰ م ۸۶ ح ۳ | کافی ج ۷ ص ۱۳۷ ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۳۶۰ ح ۱۲۸۶  
(۲) اساس الاسلام ص ۲۵۵ دو خط آخر و ص ۲۵۶ خط ۶  
(۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۹ م ۸۵ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۵۷ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۴ ح ۱۲۶۹

<p>قرعه‌کشی حاکم مسلمین؛ پس از دعا، نام مرد و زن را می‌نویسند و با قرعه سهم او را مشخص می‌کنند.</p>	<p>فاقد آلت / دارای تُفَّیه (بدون نشانه‌های جنسی)</p>
<p><b>قانون الاسلام؛</b> در حدیث <b>ثعلبه</b> از امام صادق <small>علیه السلام</small> ؛ «رییس مسلمین با جمعی می‌نشینند و از خداوند درخواست می‌کنند که امر آن مولود را به آن‌ها کشف نماید و بعد از دعا قرعه میکشند پس اگر به نام ذکور خارج شود سهم ذکور را می‌برد و اگر سهم اُنات بیرون شود، سهم اُنات را می‌برد.»<sup>۱</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> در حدیث <b>اسحاق</b> از امام صادق <small>علیه السلام</small> ؛ «حاکم و جمعی با او می‌نشینند پس دعا می‌کنند و از خداوند درخواست می‌نمایند و قرعه می‌کشند در ارث او که آیا ارث او مثل ذکور باشد و یا مثل اُنات.»<sup>۲</sup></p>	
<p>ملاک خواب و بیداری؛ اگر هر دو با هم بیدار شوند، یک نفر محسوب می‌شود. اگر یکی بیدار شد و دیگری خواب ماند، دو نفر محسوب می‌شوند؛</p>	<p>شخص دارای دو سر در یک بدن</p>
<p><b>قانون الاسلام؛</b> در حدیث <b>حریز</b> از امام صادق <small>علیه السلام</small> ؛ «در وقت خواب یکی را حرکت می‌دهند تا بیدار شود اگر هر دو به یک مرتبه بیدار شدند آن‌ها یک نفرند و ارث یک نفر را می‌برند و اگر یکی بیدار شد و دیگری در خواب ماند آن‌ها دو نفرند و ارث دو نفر را می‌برند.»<sup>۳</sup></p> <p><b>قواعد الاسلام؛</b> همچنین در حدیث <b>حریز</b> از امام صادق <small>علیه السلام</small> ؛ «وقتی که می‌خواهد یک سر را بیدار می‌کنند اگر هر دو یک مرتبه بیدار شدند پس آن‌ها یک کس حساب می‌شود و اگر یکی بیدار شد و دیگری در خواب مانده در آن وقت دو نفر حساب می‌شوند.»<sup>۴</sup></p>	

۷

۸

(۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۹ و ۱۲۰ م ۸۵ ح ۴ |

کافی ج ۷ ص ۱۵۹ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۸ ح ۱۲۷۸

(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۳ ق ۳ ح ۱ | کافی ج

۷ ص ۱۵۹ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۸ ح ۱۲۷۸

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۱۹ م ۸۵ ح ۳ | کافی ج ۷

ص ۱۵۸ ح ۳ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۷ ح ۱۲۷۵

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۸۲ ق ۳ ح ۱ | کافی ج

۷ ص ۱۵۷ ح ۱ | تهذیب ج ۹ ص ۳۵۶ ح ۱۲۷۴

## فصل ششم؛ اموال بلاوارث و حقوق بیت‌المال

### بخش اول؛ قاعده کلی از اموال بلاوارث

در شرع مقدس اسلام، هیچ مالی بدون صاحب رها نمی‌شود. اگر شخصی از دنیا برود و در هیچ‌یک از طبقات سه‌گانه و همچنین در میان همسران، وارثی نداشته باشد، اموال او مصداق «انفال» و «حقوق عمومی» پیدا می‌کند. مؤلف بزرگوار در این فصل، ضمن تبیین دقیق فقهی این اموال، با شجاعتی کم‌نظیر به غصب این اموال توسط ناهلان تاخته و مسئولان حکومتی را به ادای تکلیف شرعی فرامی‌خوانند.

### تعلق مال بدون وارث به امام زمان (عج) و انفال و فقرا

اموال شخص بلاوارث، غنیمت و حق اختصاصی خداوند، رسول و امام معصوم علیه السلام است.

#### • منبع و مستندات مؤلف؛

- در کتاب قانون الاسلام (جلد اول)
  - تحت عنوان دقیق « ماده ی هشتاد و هفتم در میراث کسی که وارث ندارد »<sup>۱</sup>
- در کتاب قواعد الاسلام (جلد سوم)
  - تحت عنوان دقیق « قاعده اول در اینکه ارث کسی بدون وارث از انفال است » و « قاعده دوم در اینکه مال شخص بدون وارث راجع است بر بیت المال مسلمانان » و « قاعده سیم در اینکه مال شخص بدون ورثه راجع است بر فقراء بلد او » و « قاعده چهارم در اینکه ارث کسی بدون وارث مال امام است »<sup>۲</sup>
- در کتاب اساس الاسلام
  - و اما ارث کسی که وارث ندارد...<sup>۳</sup>

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۲ م ۸۷

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۳ ق ۱ - ص ۱۷۴ ق ۲ و

ق ۳ - ص ۱۷۵ ق ۴

(۳) اساس الاسلام از ص ۲۵۷

• بیان و استدلال مولف در حدیث یا آیه به اختصار 📄

💡 مولف عزیز در اسنادی که در بالا ذکر شده آیات و احادیث مربوط به این مسئله مهم را بیان فرموده بعد از آیه و احادیث مربوطه می‌فرمایند؛  
 ○ چون کسی بمیرد و وارثی نداشته باشد مال آن کس کائنه غنیمتی است که، مخصوص به خداوند و رسول او است و بعد از رسول خدا این انفال با تمامی شقوق آن به امام علیه السلام می‌رسد و امام در هر محل که صلاح می‌داند آن مال را مصرف می‌نماید؛<sup>۱</sup>

• مصارف اموال بلاوارث در اعانت فقرا و مصالح عامه 💡

آیا این اموال باید در خزانه انباشته شود؟ مؤلف با تجمیع احادیث (که برخی مال را برای امام، برخی برای بیت‌المال و برخی برای فقرا می‌دانند) ثابت می‌کنند که هیچ اختلافی در روایات نیست و هدف نهایی، صرف این اموال برای فقرای همان شهر و مصالح عموم مسلمین است.

• بیان مؤلف (عین عبارات اساس الاسلام)؛ 📖

○ « مراد از انفال و بیت‌المال و مال امام که غیر از خمس و پنجیک منافع تجارت و صنعت و زراعت است همه آنها راجع است به مصالح عامه و به مصارف راجعه بر عموم مسلمین و یکی از مصالح مسلمانان اعانت فقراء و رفع پریشانی از ضعفاء است و از این جهت در بعض احادیث وارد شده که ارث کسی که وارث ندارد به اهل بلد او و بر هم‌شهری او می‌دهند.»<sup>۲</sup>

○ در کافی و تهذیب از خلاد روایت نموده که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که؛ امیرالمؤمنین مال کسی بدون وارث را بر هم‌شهری او می‌دادند.<sup>۳</sup>

○ و مثل اینها است احادیث دیگر؛ و در میان این چهار قاعده (قواعد الاسلام) منافات نیست چنانکه بعض از علماء منافات خیال کرده زیرا که انفال و بیت‌المال راجع است

(۳) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۴ ق ۳ ح ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۶۹ ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۳۸۷ ح ۱۳۸۲

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۲ م ۸۷ خط ۱۴  
 (۲) اساس الاسلام ص ۲۵۸ خط ۱۹

بر امام چنانکه در مسائل خمس در انفال ذکر شد که انفال مال امام است، و رئیس بیت‌المال است، و در آن احادیث که امیرالمؤمنین ارث کسی بدون وارث را بر همشهری فقراء او می‌داد پس آن‌ها دلیل نبوده که آن مال از امام نبوده، و بلکه مال امام بوده و آن حضرت آن را بر آن فقراء بلد او می‌داد، و امام مال خود را به فقراء و در مصالح صرف می‌کرد به حسب مصلحت...<sup>۱</sup>

#### • انتقاد و هشدار شدید مؤلف به حاکمان و متولیان امور مالیه

این بخش، نقطه اوج غیرت دینی سید حسین موسوی عرب‌باغی رحمت الله علیه است. ایشان غصب اموال بلاوارث (که باید صرف مجاهدین، ایتم و فقرا شود) را توسط ظالمان و با قباله‌های جعلی محکوم کرده است.

#### • بیان مؤلف (عین عبارات)؛

○ « اولین واجب به وزارت مالیه وقت و تکلیف لازم به همین وزارت جلیله جمع کردن همین اموال و به دست آوردن این املاک و اخراج نمودن این نحو بیت‌المال از دست غیر اهل و بیرون کردن امثال این حقوق است از تصرف کنندگان ... و در ترک این تکلیف لازم وزارت مالیه در دیوان‌خانه عدلیه الهیه مسئول عجزه ملت و محل طعن فقراء مملکت و از جمله خیانت کنندگان ایران و از زمره خائنین مسلمانان خواهد شد...»<sup>۲</sup>

(۲) اساس الاسلام ص ۲۶۰ خط ۱ و خط ۸

(۱) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۵ ق ۴ پاراگراف آخر

## بخش دوم؛ جدول جامع احکام اموال بلاوارث و حقوق بیت‌المال

موضوع و مصداق	حکم شرعی و تکلیف مسئولین (قاعده)
مال شخص بی‌وارث (تعلق به انفال)	ورود به انفال و بیت‌المال؛ مالی که وارث نسبی، سببی و ضامن جریه ندارد، جزء انفال و در اختیار حاکم شرع و امام است.
۱	قانون الاسلام؛ در حدیث ابن مسلم از امام باقر علیه السلام؛ «هر که بمیرد و برای او ورثه نباشد از اقربای او و مولای عتق کننده ی او پس مال او داخل در انفال است» ... در حدیث ابن عیسی از امام کاظم علیه السلام؛ «امام علیه السلام ورثه ی آن کس است که وارث ندارد.» <sup>۱</sup>
	قواعد الاسلام؛ در حدیث ابن عمار از امام صادق علیه السلام؛ «اگر کسی برای خود ولی اخذ نکرد تا وفات نمود پس مال او راجع است بر بیت المال مسلمانان» ... و در حدیث ابان از امام صادق علیه السلام؛ هر که وفات کند و از برای او ورثه نباشد پس آن کسی از اهل این آیه است یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ. « <sup>۲</sup>
محل مصرف اموال (مصالح عامه و فقرا)	اولویت فقرای همان شهر؛ این اموال باید صرف منفعت عمومی، دفع ضرر از مسلمین، و کمک به فقرای همان شهر (هم‌شهری میت) شود.
۲	قانون الاسلام؛ و مولف در ذیل احادیث مربوطه می‌فرماید؛ «مراد از انفال و بیت المال و مال امام در این محل، مصالح عامه و مصارف عمومی مسلمانان است مانند دفع ضرر ایشان و رفع حاجت فقرای ایشان و مقصود این است که مال کسانی که بلا وارثند در مصارف عامه و احتیاجات ایشان صرف شود.» <sup>۳</sup>
	قواعد الاسلام؛ در حدیث خالد از امام صادق علیه السلام؛ «امیرالمؤمنین مال کسی بدون وارث را بر هم‌شهری او می‌دادند» ... و مولف فرمودند ذیل احادیث که؛ «... انفال و بیت المال راجع است بر امام... و امام مال خود را به فقراء و در مصالح صرف می‌کرد به حسب مصلحت...» <sup>۴</sup>
	اساس الاسلام؛ «... ملاحظه فقراء بلد آن میت و رعایت غرباء هم‌شهری‌ها از مصالح مسلمین است و مؤونه ایشان از بیت المال است در صورت عاجز شدن آن‌ها از تحصیل قوت خودشان...» <sup>۵</sup>

(۳) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۳ خط ۱۰

(۴) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۴ ق ۳ ح ۱ و ص ۱۷۴

خط ۲۱ و ص ۱۷۵ خط ۱ | کافی ج ۷ ص ۱۶۹ ح ۲

تهذیب ج ۹ ص ۳۸۷ ح ۱۳۸۲

(۵) اساس الاسلام ص ۲۵۹ خط ۶

(۱) قانون الاسلام ج ۱ ص ۱۲۲ خط ۱۸ و خط آخر ۱

کافی ج ۷ ص ۱۶۹ ح ۲ | تهذیب ج ۹ ص ۳۸۷ ح

۱۳۸۱ | کافی ج ۷ ص ۱۶۹ ح ۳

(۲) قواعد الاسلام ج ۳ ص ۱۷۴ ق ۲ ح ۱ و ص ۱۷۴ از

ق ۱ خط ۱۰ | تهذیب ج ۹ ص ۳۹۴ ح ۱۴۰۶ | و

تهذیب ج ۹ ص ۳۸۶ ح ۱۳۸۰ | فقیه ج ۲ ص ۴۴ ح

<p>و جوب جمع‌آوری اموال غصب‌شده؛ دولت و وزارت مالیه شرعاً موظفند این املاک را از دست غاصبان خارج کرده و صرف مجاهدین و مصالح ملت کنند.</p>	<p>تکلیف زمامداران و وزارت مالیه</p>
<p>۳ اساس الاسلام؛ «... خصوصاً از برای اولیاء امور از علماء اعلام و امراء کرام و زمامداران ایران و پیشوایان مسلمانان که حق ولایت و ریاست به اهالی بلدان دارند که از برای ایشان واجب است به زودی اموال و املاک آن کسانی که وارث ندارند جمع بکنند و دست امانت بر بالای آنها بگذارند و آنها را در مصالح عامه خرج نمایند و نگذارند که آن اموال و املاک در دست عدوان بماند و در تصرف غاصبان باشد و حقوق ملت و سهم دولت ضایع شود و هر کس بر بهانه به آنها تملک کند...»<sup>۱</sup></p>	

## در پایان

👉 با حمد و سپاس بی‌کران به درگاه خداوند متعال و الطاف بیکران حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه) که توفیق و یاری خود را شامل حال ما نمود تا نگارش، تلخیص و تنظیم این مجموعه ارزشمند در تبیین «احکام ارث و فرائض» به پایان رسد. امید است که این تلاش ناچیز، قدمی در جهت احیای فقه اصیل آل محمد صلی الله علیه و آله و چراغی فراروی مؤمنین برای اجرای دقیق احکام الهی باشد، علمی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فراگیری آن را هم‌تراز با نیمی از دین دانسته‌اند.

👉 ما در این اثر کوشیدیم تا با تکیه بر آیات محکم قرآن کریم، روایات معتبر ائمه معصومین علیهم السلام و مستندات بی‌نظیر عالم ربانی، مرحوم آیت‌الله سید حسین عرب‌باغی (رضوان الله تعالی علیه، مرزهای دقیق احکام الهی را در تقسیم موارث روشن سازیم. ابطال بدعت‌هایی همچون «عول» و «تعصیب»، دفاع از حقوق ایتام، ضعف و بانوان، و تأکید بر رجوع به سنت صحیح و دوری از رأی و قیاس در دین، از مهم‌ترین پیام‌های این مجموعه است تا خدای ناکرده حق هیچ صاحب‌حقی پایمال نگردد و مالی به ناحق در گروی مسلمانی فرو نرود.

👉 از خداوند سبحان مسئلت داریم که این جهد ناچیز را به فضل و کرم خویش مورد قبول قرار داده و آن را وسیله‌ای برای برپایی عدالت اسلامی، حفظ حقوق بازماندگان و تقرب به درگاه قدسی‌اش قرار دهد. باشد که خوانندگان گرامی نیز با تدبیر در این جداول و احکام، در مسیر عمل به فرایض دینی استوارتر گام بردارند و اموال خویش را از هرگونه شبهه و غصب پاک سازند.

حقیر فانی، به خوبی آگاهم که عمر آدمی در این سرای عاریت، همچون حبابی بر آب، گذراست و در نهایت، همگی تار و پود این دنیا را به عنوان «ارث» برای آیندگان خواهیم گذاشت. از این رو، امید بسته‌ام که این وجیزه به عنوان «صدقه جاریه» و اثری ماندگار، در روزی که «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» (روزی که هیچ مال و فرزندی سودی نمی‌بخشد)، دستگیر این فقیر نیازمند گردد. از شما خواننده فهیم و جویای حق عاجزانه تقاضا دارم، هر زمان که با ورق زدن این صفحات گرهی از کارتان گشوده شد، از سر فضل و برادری، برای این بنده سراپا تقصیر و گذشتگانم طلب مغفرت نمایید؛ شاید به واسطه آمین شما، خداوند غفار قلم عفو بر لغزش‌هایم بکشد. و الحمد لله رب العالمین.

تمام شد در ساعت دوم از روز بیست و ششم از دهه سوم از ماه دهم از سال هفتم از عشره پنجم از صد پنجم از هزاره دوم از هجرت نبوی صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ